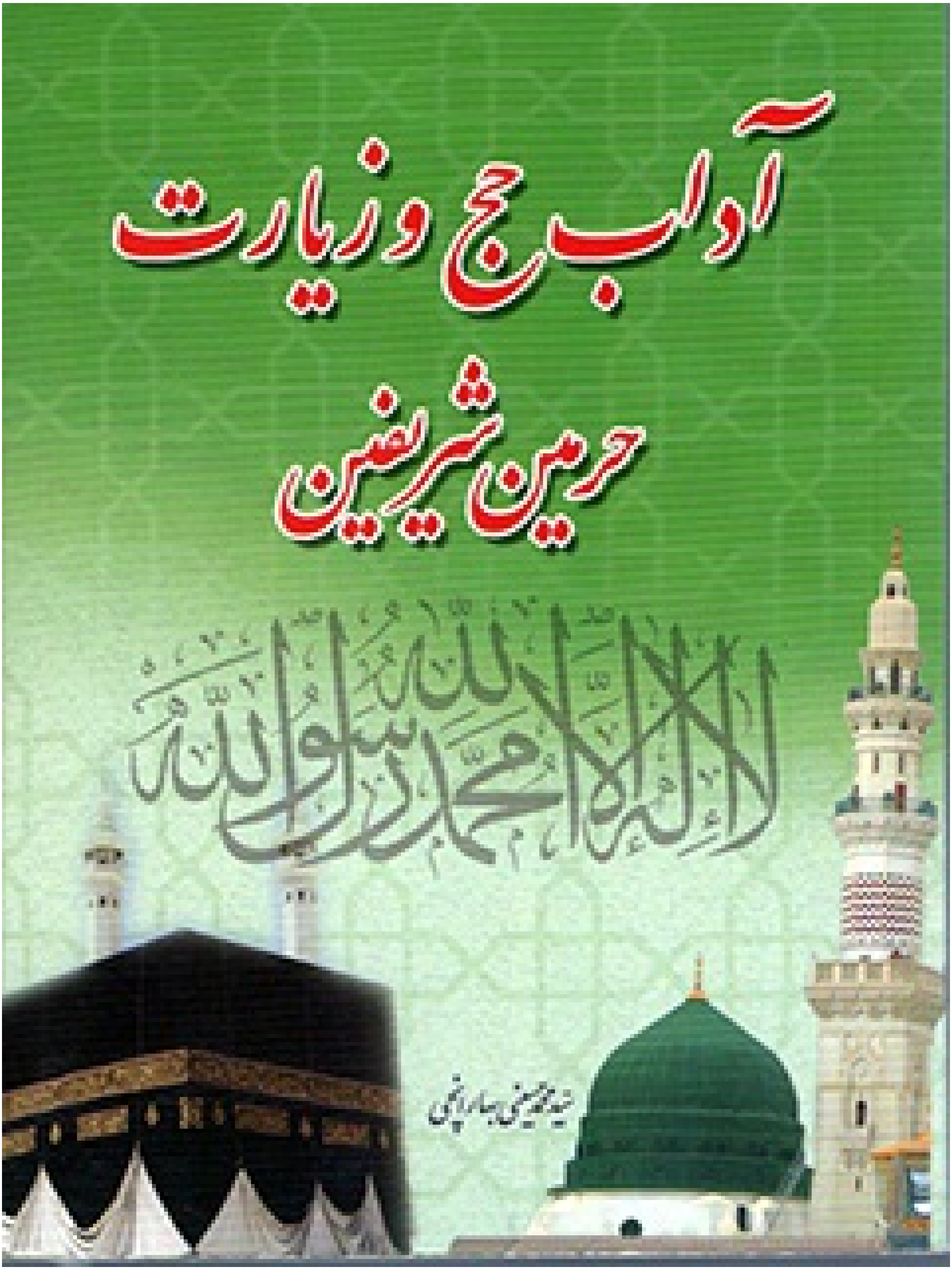

آداب حج و زیارت
حرمین شریفین
لا اله الا الله محمد رسول الله

بسم الله الرحمن الرحیم

# آداب حج و زیارت حرمین شریفین


نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی



ناشر چاپی:

نقش نگین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست


فهرست ۵

آداب حج و زیارت حرمین شریفین ۱۱

مشخصات کتاب ۱۱

اشاره ۱۱

فهرست مطالب ۱۴

مقدمه ۳۲

بخش اول سخنان بزرگان پیرامون ۳۴

اشاره ۳۴

سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام در ثواب زیارت آن حضرت ۳۵

کلام حضرت فاطمه زهراء علیهاالسلام در اهمیّت حجّ ۳۷

حکمت و اسرار حجّ از زبان امیرالمومنین علیه السلام ۳۷

اسرار حجّ از زبان امام صادق علیه السلام ۳۹

سخن امام زین العابدین علیه السلام به شبلی در عرفان حجّ ۴۱

سخن امام خمینی (ره) در مفهوم حجّ و وظایف حجاج ۴۹

حجّ : سفر الی اللّه ۵۱

نظر مرحوم شهید بهشتی در مسئولیت شیعه در حجّ ۵۳

تذکرات لازم به زائرین و حجاج محترم، قبل از عزیمت ۵۵

بخش دوّم اعمال و آداب و حکمتهای ۶۰

اشاره ۶۰

دعای تشرّف به حجّ ۶۱

وجوب حجّ و عقاب کسیکه بدون حجّ از دنیا برود ۶۲

قصّه عجیبی از مرحوم آیه اللّه حکیم قدس سره ۶۳

فضیلت و ثواب و برکات حجّ واجب و حجّ مستحبّ ۶۴

آداب سفر و حقوق همراهان ۶۵

شرایط قبول شدن حجّ ---------- ۶۸

علامت قبول شدن حجّ ---------- ۷۰

اجر و پاداش کسیکه زندگی زائر بیت اللّه را نگهداری می کند ---------- ۷۰

هیچ عملی جای حجّ را نمی گیرد ---------- ۷۱

ثواب اعمال حجّ از ابتداء تا انتهاء ---------- ۷۲

اقسام حجّ ---------- ۷۴

بخش اول حجّ تمتع، عمره تمتّع است ---------- ۷۵

میقات و لبّیک عارفان در پیشگاه معبود ---------- ۷۶

لبّیک زین العابدین علیه السلام ---------- ۷۷

لبیک امام صادق علیه السلام ---------- ۷۷

قطع تلبیه ---------- ۷۸

بیست و پنج چیز برای مُحرم حرام است ---------- ۷۹

آداب دخول مکّه و حرم ---------- ۸۱

آداب وارد شدن به مسجدالحرام و دیدن کعبه ---------- ۸۲

فضیلت نماز و طواف در مسجد الحرام ---------- ۸۵

مکان های ارزشمند مسجدالحرام ---------- ۸۶

پناهنده شدن به پرده کعبه ---------- ۹۴

طواف خانه کعبه ---------- ۹۷

طواف موجب آمرزش است ---------- ۹۹

تذکرات ضروری نسبت به طواف مستحبی ---------- ۹۹

دعاهای طواف ---------- ۱۰۰

قبولی توبه آدم علیه السلام با نام مُحَمَّد و آل مُحَمَّد علیهم السلام ---------- ۱۰۳

طواف نیابت برای رسیدن به حاجت ---------- ۱۰۴

پاداش طواف مستحب ---------- ۱۰۵

طواف وداع ---------- ۱۰۵

نماز طواف ---------- ۱۰۶

حمایت خداوند از خانه کعبه ---------- ۱۰۸

در کعبه فقط علی علیه السلام بدنیا آمد!! ---------- ۱۱۱

حضور صاحب الامر روحی فداه در موسم حجّ ---------- ۱۱۳

ملاقات با حضرت بقیه الله علیه السلام در کنار کعبه ---------- ۱۱۴

وجوب سعی و وجه نامگذاری صفا و مروه ---------- ۱۱۸

حکمت وجوب سعی صفا و مروه و پیدایش آب زمزم ---------- ۱۱۸

مستحبّات سعی ---------- ۱۲۴

تقصیر نمودن و کوتاه کردن مو و ناخن ---------- ۱۲۶

تذکر لازم به برادرن و خواهران ---------- ۱۲۷

بخش دوم حجّ، حجّ تمتّع است ---------- ۱۲۸

احرام حجّ تمتّع ---------- ۱۲۸

مستحبات احرام حجّ ---------- ۱۳۰

شب عرفه ---------- ۱۳۰

روز عرفه و فضیلت آن ---------- ۱۳۱

مباهات خداوند به اهل عرفات ---------- ۱۳۱

وقوف واجب در عرفات ---------- ۱۳۴

آداب مستحبه وقوف در عرفات ---------- ۱۳۴

عاشقان محروم از حجّ!! ---------- ۱۳۷

خروج از عرفات و وقوف به مشعرالحرام و مزدلفه ---------- ۱۳۸

وقوف واجب در مشعرالحرام ---------- ۱۳۹

دعاهای مشعرالحرام ---------- ۱۴۰

عید قربان و اعمال منی ---------- ۱۴۱

مساجد تاریخی منی ---------- ۱۴۳

اعمال واجب منی ---------- ۱۴۵

آداب مستحبه در روز عید قربان ---------- ۱۴۶

سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در منی ---------- ۱۴۷

ثواب ماندن در منی ---- ۱۴۹
مستحبات رمی جمرات ---- ۱۴۹
حکمت رمی جمرات ---- ۱۵۰
ثواب و پاداش رمی جمرات ---- ۱۵۲
بعضی از مسائل ضروری رمی ---- ۱۵۳
قربانی کردن در منی ---- ۱۵۳
حکمت قربانی ---- ۱۵۴
قربانی شدن اسماعیل علیه السلام ---- ۱۵۶
مصرف قربانی ---- ۱۶۱
آداب قربانی ---- ۱۶۲
استحباب قربانی در سایر بلاد که اضحیّه نامیده می شود ---- ۱۶۳
حلق یا تقصیر در منی ---- ۱۶۴
ثواب سر تراشیدن ---- ۱۶۴
روزهای منی، روزهای خوردن و آشامیدن و بهره گیری است. ---- ۱۶۵
بازگشت از منی و ... ---- ۱۶۶
استحباب عمره مفرده ---- ۱۶۷
اعمال عمره مفرده ---- ۱۶۸
استحباب ختم قرآن در مدینه و مکه ---- ۱۶۸
کسی که در حرم یا بین راه و یا بین مکه ومدینه از دنیا برود ... ---- ۱۶۹
استحباب طواف به نیابت پیامبر و ائمه علیهم السلام ---- ۱۶۹
استحباب نیابت طواف ازخویشان وتشریک آنهادر حجّ مستحبی ---- ۱۷۰
حجّ خردسالان ---- ۱۷۲
بعضی از مسائل حج خردسالان ---- ۱۷۲
بخش سوم: فضیلت مدینه ---- ۱۷۴
اشاره ---- ۱۷۴
فضیلت مدینه منوّره ---- ۱۷۵

فضیلت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و نماز در آن ---------- ۱۷۶
مدینه قبل از هجرت و بعد از هجرت ---------- ۱۷۹
جغرافیای مدینه ---------- ۱۸۰
امتیاز مدینه بر سایر بلاد ---------- ۱۸۰
فضیلت کربلا بر کعبه ---------- ۱۸۱
از مکه تا مسجد قبا ---------- ۱۸۲
ورود حضرت بر فقیرترین مردم مدینه ---------- ۱۸۲
خصائص مدینه ---------- ۱۸۳
اتخاذ سکنی در مدینه ---------- ۱۸۵
برای مدینه، حرم است ---------- ۱۸۵
حدّ حرم النّبی صلی الله علیه و آله ---------- ۱۸۶
مسجد النبی صلی الله علیه و آله ---------- ۱۸۶
منبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله ---------- ۱۸۷
محراب النبی صلی الله علیه و آله ---------- ۱۹۰
قبر شریف رسول الله صلی الله علیه و آله ---------- ۱۹۰
ستونهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله ---------- ۱۹۰
اصحاب صُفّه ---------- ۱۹۳
چگونگی قبر رسول خدا و شیخین ---------- ۱۹۴
حجره فاطمه علیه السلام ---------- ۱۹۷
حجرات زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله ---------- ۱۹۷
غیر از علی علیه السلام دَرِ خانه های خود را ببندند !!! ---------- ۱۹۹
قبرستان بقیع ---------- ۲۰۲
شهداء احد ---------- ۲۰۶
بعض مساجد منوره در مدینه طیبه ---------- ۲۰۹
چند مسجد از مساجد معروف اطراف مدینه ---------- ۲۱۴
بخش چهارم دعاها و زیارات مکه ---------- ۲۲۳

درباره مرکز ۲۲۴

# آداب حج و زیارت حرمین شریفین

## مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی، محمد، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور : آداب حج و زیارات حرمین شریفین/ محمد حسینی بهارانچی.

مشخصات نشر : اصفهان : نقش نگین، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۴۱۶ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۶-۳۶-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حج

موضوع : زیارت و زائران -- آداب و رسوم

موضوع : دعاها

موضوع : Prayers

موضوع : زیارتنامه ها

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ح۴۳۶آ۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۹۷۸۳۷

ص :۱

## اشاره

## فهرست مطالب

بخش اول : سخنان بزرگان پیرامون حج و زیارت... ۱۵

سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمّه: در ثواب زیارت آن حضرت و اولاد طاهرین او... ۱۶

فرمایش امیرالمومنین علی علیه السلام و ثواب و آثار حجّ خانه خدا... ۱۷

کلام حضرت فاطمه زهراء علیهاالسلام در اهمیّت حجّ... ۱۸

حکمت و اسرار حجّ از زبان امیرالمومنین علیه السلام ... ۱۸

اسرار حجّ از زبان امام صادق علیه السلام ... ۲۰

سخن امام زین العابدین علیه السلام به شبلی در عرفان حجّ... ۲۲

سخن امام خمینی (ره) در مفهوم حجّ و وظایف حجاج... ۳۰

حجّ : سفر الی اللّه... ۳۲

نظر مرحوم شهید بهشتی در مسئولیت شیعه در حجّ... ۳۴

تذکرات لازم به زائرین و حجاج محترم، قبل از عزیمت... ۳۶

بخش دوم : اعمال و آداب و حکمتهای حجّ و بیان مواقف و مشاعر آن... ۴۱

دعای تشرّف به حجّ... ۴۲

وجوب حجّ و عقاب کسیکه بدون حجّ از دنیا برود... ۴۳

قصّه عجیبی از مرحوم آیه اللّه حکیم۱... ۴۴

فضیلت و ثواب و برکات حجّ واجب و حجّ مستحبّ... ۴۵

آداب سفر و حقوق همراهان... ۴۶

شرایط قبول شدن حجّ... ۴۹

علامت قبول شدن حجّ... ۵۱

اجر و پاداش کسیکه زندگی زائر بیت اللّه را نگهداری می کند... ۵۱

هیچ عملی جای حجّ را نمی گیرد... ۵۲

ثواب اعمال حجّ از ابتداء تا انتهاء... ۵۳

اقسام حجّ... ۵۵

بخش اول حجّ تمتع، عمره تمتّع است... ۵۶

میقات و لبّیک عارفان در پیشگاه معبود... ۵۷

لبّیک زین العابدین علیه السلام ... ۵۸

لبیک امام صادق علیه السلام ... ۵۸

قطع تلبیه... ۵۹

بیست و پنج چیز برای مُحرم حرام است... ۶۰

آداب دخول مکّه و حرم... ۶۲

آداب وارد شدن به مسجدالحرام و دیدن کعبه... ۶۳

فضیلت نماز و طواف در مسجد الحرام... ۶۶

مکان های ارزشمند مسجدالحرام... ۶۷

پناهنده شدن به پرده کعبه... ۷۵

طواف خانه کعبه... ۷۸

طواف موجب آمرزش است... ۸۰

تذکرات ضروری نسبت به طواف مستحبی... ۸۰

دعاهای طواف... ۸۱

قبولی توبه آدم علیه السلام با نام مُحَمَّد و آل مُحَمَّد علیهم السلام... ۸۴

طواف نیابت برای رسیدن به حاجت… ۸۵

ص: ۵

پاداش طواف مستحب... ۸۶

طواف وداع... ۸۶

نماز طواف... ۸۷

حمایت خداوند از خانه کعبه... ۸۹

در کعبه فقط علی علیه السلام بدنیا آمد!!... ۹۲

حضور صاحب الامر روحی فداه در موسم حجّ... ۹۴

ملاقات با حضرت بقیه الله علیه السلام در کنار کعبه... ۹۵

وجوب سعی و وجه نامگذاری صفا و مروه... ۹۹

حکمت وجوب سعی صفا و مروه و پیدایش آب زمزم... ۹۹

مستحبّات سعی... ۱۰۵

تقصیر نمودن و کوتاه کردن مو و ناخن... ۱۰۷

تذکر لازم به برادرن و خواهران... ۱۰۸

بخش دوم حجّ، حجّ تمتّع است... ۱۰۹

احرام حجّ تمتّع... ۱۰۹

مستحبات احرام حجّ... ۱۱۱

شب عرفه... ۱۱۱

روز عرفه و فضیلت آن... ۱۱۲

مباهات خداوند به اهل عرفات... ۱۱۲

وقوف واجب در عرفات... ۱۱۵

آداب مستحبه وقوف در عرفات... ۱۱۵

عاشقان محروم از حجّ!!.... ۱۱۸

ص :۶

خروج از عرفات و وقوف به مشعرالحرام و مزدلفه··· ۱۱۹

وقوف واجب در مشعرالحرام··· ۱۲۰

دعاهای مشعرالحرام··· ۱۲۱

عید قربان و اعمال منی··· ۱۲۲

مساجد تاریخی منی··· ۱۲۴

اعمال واجب منی··· ۱۲۶

آداب مستحبه در روز عید قربان··· ۱۲۷

سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در منی··· ۱۲۸

ثواب ماندن در منی··· ۱۳۰

مستحبات رمی جمرات··· ۱۳۰

حکمت رمی جمرات··· ۱۳۱

ثواب و پاداش رمی جمرات··· ۱۳۳

بعضی از مسائل ضروری رمی··· ۱۳۴

قربانی کردن در منی··· ۱۳۴

حکمت قربانی··· ۱۳۵

قربانی شدن اسماعیل علیه السلام ··· ۱۳۷

مصرف قربانی··· ۱۴۲

آداب قربانی··· ۱۴۳

استحباب قربانی در سایر بلاد که اضحیّه نامیده می شود··· ۱۴۴

حلق یا تقصیر در منی··· ۱۴۵

ثواب سر تراشیدن… ۱۴۵

ص :۷

روزهای منی، روزهای خوردن و آشامیدن و بهره گیری است··· ۱۴۶

بازگشت از منی و ...··· ۱۴۷

استحباب عمره مفرده··· ۱۴۸

اعمال عمره مفرده··· ۱۴۹

استحباب ختم قرآن در مدینه و مکه··· ۱۴۹

کسی که در حرم یا بین راه و یا بین مکه ومدینه از دنیا برود ...··· ۱۵۰

استحباب طواف به نیابت پیامبر و ائمّه:··· ۱۵۰

استحباب طواف ازخویشان وتشریک آنهادر حجّ مستحبی··· ۱۵۱

حجّ خردسالان··· ۱۵۳

بعضی از مسائل حج خردسالان··· ۱۵۳

بخش سوم: فضیلت مدینه و مسجدالنّبی (ص) و ...··· ۱۵۵

فضیلت مدینه منوّره··· ۱۵۶

فضیلت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و نماز در آن··· ۱۵۷

مدینه قبل از هجرت و بعد از هجرت··· ۱۶۰

جغرافیای مدینه··· ۱۶۱

امتیاز مدینه بر سایر بلاد··· ۱۶۱

فضیلت کربلا بر کعبه··· ۱۶۲

از مکه تا مسجد قبا··· ۱۶۳

ورود حضرت بر فقیرترین مردم مدینه··· ۱۶۳

خصائص مدینه··· ۱۶۴

اتخاذ سکنی در مدینه··· ۱۶۶

ص :۸

برای مدینه، حرم است··· ۱۶۶

حدّ حرم النّبی صلی الله علیه و آله ··· ۱۶۷

مسجد النبی صلی الله علیه و آله ··· ۱۶۷

منبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله ··· ۱۶۸

حجره منوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه(س)··· ۱۷۰

محراب النبی صلی الله علیه و آله ··· ۱۷۱

قبر شریف رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۱۷۱

ستونهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله ··· ۱۷۱

اصحاب صُفّه··· ۱۷۴

چگونگی قبر رسول خدا و شیخین··· ۱۷۵

حجره فاطمه علیه السلام ··· ۱۷۸

حجرات زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله ··· ۱۷۸

غیر از علی علیه السلام دَرِ خانه های خود را ببندند !!!··· ۱۸۰

قبرستان بقیع··· ۱۸۳

شهداء احد··· ۱۸۷

بعض مساجد منوره در مدینه طیبه··· ۱۹۰

چند مسجد از مساجد معروف اطراف مدینه··· ۱۹۵

اشعار··· ۱۹۶

بخش چهارم : زیارات و ادعیه حج··· ۲۰۳

آداب زیارت النبی صلی الله علیه و آله و الائمه علیه السلام ··· ۲۰۴

زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۲۰۶

ص: ۹

دعاء روضه مبارکه رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۲۲۰

نماز و دعا نزد ستون ابوالبابه··· ۲۲۳

نماز نزد مقام جبرئیل علیه السلام ··· ۲۲۷

دعا نزد منبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ··· ۲۳۱

زیارت حضرت فاطمه علیهاالسلام··· ۲۳۲

کیفیت زیارت ائمه بقیع علیهاالسلام··· ۲۴۱

مزارهای متبرکه بقیع··· ۲۴۲

زیارت ائمه بقیع علیه السلام ··· ۲۴۴

زیارت فاطمه بنت اسد علیه السلام ··· ۲۵۶

زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۲۵۹

زیارت دختران رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۲۶۲

زیارت ام البنین و عمه های رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۲۶۴

زیارت عقیل و عبدالله بن جعفر علیه السلام ··· ۲۶۵

زیارت شهداء حره و احد··· ۲۶۵

زیارت حلیمه سعدیه··· ۲۶۶

زیارت اهل قبور··· ۲۶۶

زیارت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام ··· ۲۶۸

زیارت حضرت عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله ··· ۲۶۹

زیارت وداع پیامبر صلی الله علیه و آله ··· ۲۷۱

زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام ··· ۲۷۴

زیارت پیامبر و ائمه علیهم السلام در ایام هفته... ۲۷۵

ص: ۱۰

زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله روز شنبه··· ۲۷۶

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام روز یکشنبه··· ۲۷۸

زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام روز دوشنبه ··· ۲۷۹

زیارت امام حسین علیه السلام روز دوشنبه ··· ۲۸۱

زیارت امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیه السلام روز سه شنبه··· ۲۸۲

زیارت امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام روز چهارشنبه ··· ۲۸۳

زیارت امام حسن عسکری علیه السلام روز پنجشنبه ··· ۲۸۴

زیارت امام زمان علیه السلام روز جمعه··· ۲۸۵

زیارت حضرت حمزه علیه السلام و شهداء احد··· ۲۹۰

زیارت امین الله··· ۲۹۷

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام ··· ۳۰۱

دعاء عهد··· ۳۰۲

مزارهای متبرکه در مکه مکرمه··· ۳۰۶

زیارت حضرت عبد مناف جد رسول خدا صلی الله علیه و آله ··· ۳۰۹

زیارت حضرت عبدالمطلب جد رسول خدا صلی الله علیه و آله ··· ۳۱۰

زیارت حضرت ابوطالب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله ··· ۳۱۱

زیارت آمنه بنت وهب مادر پیامبر صلی الله علیه و آله ··· ۳۱۲

زیارت حضرت خدیجه زوجه رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۳۱۳

زیارت اسماعیل و هاجر و سائر پیامبران در حجر اسماعیل ··· ۳۱۴

اعمال شب عرفه··· ۳۱۶

اعمال روز عرفه··· ۳۲۹

دعای حضرت امام حسین علیه السلام روز عرفه··· ۳۳۱

زیارت جامعه··· ۳۶۲

فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ··· ۳۶۵

دعای کمیل··· ۳۷۷

زیارت جامعه کبیره··· ۳۸۹

صلوات بر حجج طاهره··· ۴۰۲

صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله ··· ۴۰۳

صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام ··· ۴۰۴

صلوات بر سیده نسوان فاطمه علیه السلام ··· ۴۰۵

صلوات بر حسن و حسین علیه السلام ··· ۴۰۵

صلوات بر علی بن الحسین علیه السلام ··· ۴۰۷

صلوات بر بر محمد بن علی علیه السلام ··· ۴۰۸

صلوات بر جعفر بن محمد علیه السلام ··· ۴۰۸

صلوات بر موسی بن جعفر علیه السلام ··· ۴۰۹

صلوات بر علی بن موسی علیه السلام ··· ۴۰۹

صلوات بر محمد بن علی بن موسی علیه السلام ··· ۴۱۰

صلوات بر علی بن محمد علیه السلام ··· ۴۱۰

صلوات بر حسن بن علی بن محمد علیه السلام ··· ۴۱۱

صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السلام ··· ۴۱۱

حدیث کسا… ۳۴۱

ص: ۱۲

## مقدمه

بِسْمِ اللّه الرَّحمنِ الرَّحیم

الحمدللّه ربّ العالمین و صلوات اَللّه و سلامه علی نبیّنا خاتم النبیین و علی آله الائمّه الهداه المهدییّن الذّین اذهب اَللّه عنهم الرّجس و طهرّهم تطهیرا سیمّا بقیّه اَللّه الحجّه بن الحسن المهدیّ روحی له الفداء و لعنه اَللّه علی اعدائهم اجمعین.

اما بعد: کتابی که پیش روی شماست بلطف خداوند بدست این بنده عاصی سیدمُحَمَّد حسینی تهیه و بیشتر آن در جوار حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیهم السلام نوشته شده، نظر نویسنده رفاه حال حجاج بیت اللّه و زائرین قبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و اولاد طاهرین آن حضرت بوده و سعی شده که آنچه مورد نیاز زائرین و حجاج است از اسرار حجّ و وظائف حجاج و آداب

ص: ۱۳

زیارات و اعمال حجّ و عمره و فهرستی از مناسک حجّ و عمره و تاریخچه اماکن مقدسه و دعاها و زیارات وارده در این اماکن بطور اختصار بیان شود. امید آنکه برای برادران و خواهران دینی نافع بوده و برای این حقیر و والدین او وسیله آمرزش و توشه آخرت باشد، انشاءاَللّه. و نامیدم آنرا به «آداب حجّ و زیارت حرمین شریفین» رزقنااللّه زیاره بیته و قبور اولیائه صلوات اللّه علیهم اجمعین و آن مشتمل بر چهار بخش است.

بخش اول : سخنان بزرگان راجع به حجّ و زیارت.

بخش دوم : اعمال و آداب و حکمتهای حجّ و زیارت و بیان مواقف حجّ و مشاعر آن.

بخش سوم : فضیلت مدینه و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مساجد اطراف مدینه و بقیع و غیره.

بخش چهارم : دعاها و زیارات وارده در مدینه و مکه و غیر آنها.

در پایان از قارئین التماس دعای خیر دارم وللّه الحمد اولاً و آخرا.

خادم اهل بیت علیه السلام

سید مُحَمَّد حسینی

## بخش اول سخنان بزرگان پیرامون

### اشاره

ص :۱۵

## سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام در ثواب زیارت آن حضرت

و اولاد طاهرین او علیهم السلام

شیخ طوسی رحمه ا... در تهذیب با سند خود از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که بعد از مرگ من، قبر مرا زیارت کند همانند آن است که در حیات من، مرا زیارت کند. و فرمود: اگر قدرت زیارت مرا از نزدیک ندارید از دور بر من سلام بفرستید که بمن خواهد رسید.

فروع کافی ج ۲/۳۳۷

و مرحوم کلینی با سند خود از ابن ابی نجران نقل نموده که گفت : بحضرت باقر علیه السلام عرض کردم فدای شما شوم چه پاداشی هست برای زائر رسول اللّه صلی الله علیه و آله ؟ حضرت در جواب فرمود: پاداش او بهشت است.فروع کافی ج ۲/۳۳۷

و باز فرمود: کسیکه مرا زیارت کند من در قیامت شفیع او خواهم بود.همان آدرس

و روایت شده که حضرت امام حسین علیه السلام بجد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود: پدرجان چه پاداشی است برای کسیکه شما را زیارت کند؟ حضرت فرمودند، فرزند عزیزم: هر که مرا در حال حیات و یا بعد از مرگ من زیارت کند یا پدرت علی را زیارت کند و

ص :۱۶

یـا ترا و یـا برادرت حسـن را زیـارت کنـد حق اسـت بر مـن کـه در قیـامت او را زیـارت نمـوده و از گناهـانش او را خلاصـی بخشم.همان آدرس

و باز مرحوم کلینی با سند خود از حضرت رضا علیه السلام نقل نموده که فرمود: برای هر امامی عهدی است برگردن شیعیان و دوستانش و از چیزهائیکه باعث اداء آن عهد می شود زیارت قبور آن امامان است پس کسانیکه از روی میل و رغبت و اعتقاد به فرموده های آنها آنان را زیارت کنند در قیامت بشفاعت آن بزرگواران نجات خواهند یافت.فروع کافی ج ۴/۵۶۷

فرمایش امیرالمومنین علی علیه السلام و ... در ثواب و آثار حجّ خانه خدا

محدث نوری در مسـتدرک از آن حضـرت نقل نموده که فرمود: هرکه سعادت دنیا و آخرت بخواهد باید به زیارت خانه خدا برود چرا که در کنار کعبه اگر از دنیا طلب کنـد خداونـد باو عطا فرماید و اگر از آخرت طلب کند برای او ذخیره خواهد شد. سپس فرمود: ای مردم بر شـما باد به حجّ و عمره که گناهان شما را می شوید، همچنانکه آب چرک بدن را برطرف می نماید، و فقر را از شما برطرف می نماید، همچنانکه آتش آهن را آب نموده و خالص می کند.مستدرک ج ۲/۸

و امـام صـادق علیه السـلام فرمود: بر شـما بـاد که در تمـام سالها خانه کعبه را زیارت کنیـد تا اینکه سـختیهای دنیا و خطرهای آخرت از

ص :۱۷

شما برداشته شود.بحار ج ۷۴/۱۶۷

و امام هشتم علی بن موسی الرضا علیهماالسلام فرمود : موقعی که حجاج از اعمال فارغ می شوند منادی از طرف خداوند نداء می کند: آمرزیده شدید عمل خود را از سر بگیرید.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود : از وقتی که حاجی سوار بر شتر می شود هر قدم که بر می دارد حسنه ای برای او نوشته می شود و وقتی بر زمین می گذارد گناهی از او آمرزیده می شود و در پایان اعمال به آنها گفته می شود: ساختمانیکه بنا کردید خراب ننمائید گذشته های شما آمرزیده شد مواظب باشید که اعمال آینده شما نیکو باشد.دعائم الاسلام ۱/۲۹۴

## کلام حضرت فاطمه زهراء علیهاالسلام در اهمیّت حجّ

حضرت زهرا، علیهاالسلام در خطبه ای که بعد از رحلت پدر بزرگوارشان در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله خواندند راجع به حجّ فرمودند: و الحَجّ تشیید للدّین ... یعنی خداوند حجّ را برای محکم کردن پایه های دین واجب فرمود.

## حکمت و اسرار حجّ از زبان امیرالمومنین علیه السلام

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید: آیا نمی بینید که خداوند عالم نیاکان و پیشینیان را از زمان حضرت آدم علیه السلام تا آخرین نفر این

ص: ۱۸

جهان مورد امتحان و آزمایش قرار داده و آنها را به طواف گرد سنگهائیکه سود و زیانی ندارد دعوت نموده و آنجا را بیت و خانه خود معرفی نموده و مشرکین را از ورود به آن خانه و حرم ممنوع نموده و آن محل را جای امن و مایه برکت قرار داده و اجتماع مردم در آن مرکز حساس را موجب عزت و یاد خود بیان نموده و خانه خود را در سخت ترین نقاط روی زمین میان کوهها و ریگهای سوزان و هوای گرم و در زمین کم آب بنا نموده و آدم و فرزندان او را برای طواف به گرد آن خانه دعوت فرموده و اجابت آن دعوت و اعراض از آن را نشانه ایمان و کفر معرفی نموده.

خداوند دلهای بندگان خود را از هر سوی و جانب متوجه خانه خود ساخت تا با هر سختی و رنجی خود را به بیت ربّ العالمین برسانند و با حال بیچارگی و ذلت و خشوع بگرد خانه معبود بگردند و بین صفا و مروه سعی کنند و با حالت هروله کبر و منیت را از خود دور نمایند در حالیکه ژولیده مو و غبار آلوده باشند، لباسهای زیبا از تن جدا نموده و جامه های احرام برتن کرده که نشانه اعراض از دنیا و اقبال به آخرت می باشد و بسوی رضای حق بشتابند.او بندگان خود را به این فریضه بزرگ امتحان نموده البته باید دانست که اگر عبادتگاه خود را از میان باغهای پراز میوه و سبز و آبهای روان و زمینهای پر از گیاه و با طراوت و ساختمانهای با

شکوه و مجلل قرار میداد هرگز آزمایش و امتحانی حاصل نمی شد (چرا که هر چه امتحان سهل و آسان باشد اجر و پاداش کمتر خواهد بود) و در این امتحان افراد کامل و شایسته از افراد ناشایست و دون همت جدا نشده و وسوسه شیطان فرو مایگاه را گمراه نمی کرد.خطبه قاصعه از نهج البلاغه

## اسرار حجّ از زبان امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید : وقتی اراده حجّ نمودی قلب خود را از همه چیز خالی کن و امور خود را به خدای خود واگذار و در همه امور خود به او توکل کن و تسلیم قضا و قدر او باش و با دنیا و خلق دنیا وداع کن و از حقوقی که از مردم بعهده داری خارج شو و تکیه بر زاد و توشه و جوانی و قوت و رفقای خود مکن که بسا مایه گرفتاری تو خواهد شد چرا که هرکه ادعای رضای خدا کند و تکیه او بر چیزی غیراز خدا باشد آن چیز وبال و دشمن او خواهد شد تا بداند پنگاهگاهی جز خداوند وجود ندارد و فرمود : چنان بطرف خدا حرکت کن که نیازی به بازگشت به دنیا نداشته باشی، و با دوستان نیکو معاشرت کن، و بر اوقات نماز مواظبت نما، و سنت های رسول خدا را از ادب و صبر و شکر و تحمل آزار دیگران و محبت و گذشت و ایثار نسبت به بندگان خدا رعایت کن، و با آب توبه گناهان خود بشوی و لباس صدق و صفا و خضوع و خشوع را

در بركن و بـا احرام، خود را از هر چيزى كه مخالف ذكر خـدا و حجاب از بنـد گى اوست دور نگهـدار و بـدان لبيك تو بايد اجابت خالصانه و صادقانه نسـبت به ذات مقدس حق باشد در حاليكه بحول و قوه او تمسك نموده باشى، و با قلب خود همراه ملائكه گرد خانه معبود طواف كن و فكر كن كه با ملائكه گرد عرش خداونـد طواف مى كند و با هروله خويش از هوسـهاى خـود فرار كن، واز پنيروهـاى خـويش بيزار شـو و بخـود تكيه نكن، و وقـتى بسـوى منى ميروى از تمـام غفلت هـا و لغزشـهاى خويش خارج باش، و چيزى كه شايسته و صلاح تو نيست درخواست مكن

و در عرفات به خطاهاى خويش اعتراف كن، و عهـد خود را با خـداى خويش تجديـد نما و در مزدلفه و مشـعر به خداى خود تقرب جوى و از او بيمناك باش، و با قربانى نمودن حنجره طمع را قطع نما، و با رمى جمرات شهوتها و اعمال ناپسند و اخلاق ذميمه را از خود دور نما و با تراشـيدن سر عيوب ظاهر و باطن را برطرف كن و با داخل شدن در حرم امن الهى خود را در پناه پرودگار خود بدان و با زيارت بيت اللّه به عظمت و جلال و سـلطنت صاحب خانه توجه كن، و با استلام حجرالاسود در مقابل عظمت خداونـد خاضع و به تقـدير او راضـى باش، و با طواف وداع از غير خـدا وداع كن، و با ورود به كوه صـفا روح و باطن خود را صفا بخش، و با

رسیدن به کوه مروه مروست و جوان مردی را مراعات کن، و بر شروط حجّ خود باقی باش، و بدان خدای متعال از بین عبادات فقط حجّ را بخود نسبت داده و فرموده: «وللّه علی النّاس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً». و پیامبر او هر سنتی را در خلال مناسک حجّ آورده برای استعداد و توجه دادن مردم است به موضوع مرگ و قبر و بعث و قیامت و مردم را از مشاهده مناسک حجّ به یاد قیامت و دخول در بهشت و یا دوزخ انداخته که برای صاحبان خرد و عقل درسی باشد.بحار ج ۹۹/۱۲۵ از مصباح الشریعه ص ۴۷

## سخن امام زین العابدین علیه السلام به شبلی در عرفان حجّ

بدان هنگام که مولایمان زین العابدین علیه السلام از حجّ باز می گشت : «شبلی»(۱) به استقبال حضرتش شتافت. امام از وی پرسید: شبلی، آیا حجّ گزارده ای؟ پاسخ گفت : آری، ای فرزند رسول خدا. آنگاه امام فرمود: آیا به میقات فرود آمدی و جامه های دوخته فرو گذاشتی و غسل کردی؟ گفت : آری. فرمود: به هنگام نزول به میقات، آیا نیت آن داشتی که جامه گناه به کنار می افکنی و جامه طاعت می پوشی؟ گفت : نه. فرمود : به هنگام برهنه گشتن از جامه های دوخته ات، آیا نیت آن داشتی که از ریا و نفاق و ورود در



---

۱- (۱)۱- ظاهرا همان شخصیت معروف از مشایخ عرفان و تصوّف است، گرچه از نظر تاریخ مضبوط نیست.

کارهای شبهه ناک مجرد می شوی؟ گفت : نه. فرمود : به هنگام غسل کردن، آیا نیت آن داشتی که خود را از لغزشها و گناهان شستشو می دهی؟ گفت : نه

فرمود : بنابراین، نه به میقات فرود آمده ای و نه از جامه های دوخته عاری شده ای و نه غسل کرده ای.

سپس فرمود : آیا نظافت کردی و احرام پوشیدی و پیمان حجّ بستی؟ گفت : آری

فرمود : به هنگام نظافت و پوشیدن احرام و بستن پیمان حجّ، آیا نیت آن داشتی که با داروی توبه خالص برای خدای متعال خود را (از گناه) پاک می کنی؟ گفت : نه.

فرمود : به هنگام محرم شدن، آیا نیت آن داشتی که هرآنچه را خداوند عز وجل حرام کرده، بر خود حرام می کنی؟ گفت : نه.

فرمود : به هنگام بستن پیمان حجّ، آیا نیت آن داشتی که هر پیمان غیرالهی را زیرپا می نهی؟ گفت: نه

فرمود : بنابراین، نه نظافت کرده ای و نه محرم شده ای و نه پیمان حجّ بسته ای.

سپس فرمود : آیا به میقات داخل شدی و دو رکعت نماز احرام گزاردی و لبیک گفتی؟: گفت : آری. فرمود : به هنگام گزاردن دو رکعت نماز، آیا نیت آن داشتی که بسبب بهترین اعمال و

بزرگترین حسنات بندگان که نماز است به خدا نزدیک می شوی؟ گفت : نه.

فرمود : به هنگام لبیک گفتن، آیا نیت آن داشتی که بنابر تعهد به طاعت خدا در هر امر سخن می گوئی و از هر معصیت باز می ایستی و سکوت می کنی؟ گفت : نه. فرمود: بنابراین، نه به میقات داخل شده ای و نه نماز گزارده ای و نه لبیک گفته ای.

سپس فرمود : آیا به حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز گزاردی؟ گفت : آری. فرمود: به هنگام داخل شدن به حرم، آیا نیت آن داشتی که هر غیبتی را که نسبت به مسلمانان اهل آئین اسلام روا داشته ای، بر خود حرام می کنی؟ گفت : نه.

فرمود : به هنگام رسیدن به مکه، آیا نیت آن داشتی که از این سفر تنها مقصد تو خداست؟ گفت : نه. فرمود: بنابراین، نه به حرم داخل شده ای و نه مکه را دیده ای و نه نماز گزارده ای.

سپس فرمود : آیا طواف خانه کردی و ارکان را مس نمودی و «سعی» کردی؟ گفت : آری. فرمود : به هنگام سعی، آیا نیت آن داشتی که (از شر شیطان و نفس اماره) به پناه خدا می گریزی و او که داننده نهانهاست براین امر واقف است؟ گفت : نه. فرمود: بنابراین، نه طواف خانه کرده ای و نه ارکان را مس نموده ای و نه سعی کرده ای.

ص :۲۴

سپس فرمود : آیا با حجرالاسود مصاحفه کردی و در مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی و آنجا دو رکعت نماز گزاردی؟ گفت : نه. در این هنگام امام علیه السلام صیحه ای زد و نزدیک بود از دنیا مفارقت کند. آنگاه فرمود: آه، آه. آنکس که با حجرالاسود مصاحفه کند در حقیقت با خدای تعالی مصاحفه کرده است؛ پس بنگر ای بیچاره که اجر کاری را که حرمتی بس بزرگ دارد تباه نسازی و همچون گناهکاران به سبب مخالفت (با اوامر الهی) و ارتکاب محرمات ارزش مصافحه (و عهد عبودیت) با خدا را نشکنی.

سپس فرمود : به هنگام وقوف در مقام ابراهیم، آیا نیت آن داشتی که به عزم طاعت تمام و مخالفت با هر عصیان (در این مکان مقدس) وقوف می کنی؟ گفت : نه. فرمود: به هنگام گزاردن دو رکعت نماز در مقام ابراهیم، آیا نیت آن داشتی که در واقع نماز ابراهیم علیه السلام را به جای آورده و با چنان نمازی بینی شیطان را به خاک می مالی؟ گفت : نه. فرمود : بنابراین، نه با حجرالاسود مصاحفه کرده ای و نه در مقام ابراهیم وقوف نموده ای و نه دو رکعت نماز آنجا را بحق گزارده ای.

سپس فرمود : آیا بر سر چاه زمزم رفتی و از آب آن نوشیدی؟ گفت : آری. فرمود: بدانهنگام، آیا نیت آن داشتی که بر طاعت حق مشرف می شوی و دیده از معصیت می پوشی؟ گفت : نه. فرمود:

بنابراین، نه بر چاه زمزم اشراف یافته ای و نه از آب آن نوشیده ای.

سپس فرمود : آیا بین صفا و مروه سعی کردی و راه رفتی و رفت و آمد نمودی؟ گفت : آری. فرمود: بدانهنگام، آیا نیت آن داشتی که میان خوف و رجاء واقع شده ای؟ گفت : نه. فرمود: بنابراین، بین صفا و مروه نه سعی کرده ای و نه راه رفته ای و نه رفت و آمد نموده ای.

سپس فرمود : آیا بسوی منی (از مکه) خارج شدی؟ گفت : آری. فرمود: بدانهنگام، آیا نیت آن داشتی که مردم را از (شر) زبان و فکر و دست خود در امان می داری؟ گفت : نه. فرمود: بنابراین، بسوی منی (از مکه) خارج نشده ای.

سپس فرمود : آیا درعرفات وقوف کردی و بر «جبل الرحمه» بالا رفتی و وادی «نمره»(۱) را شناختی و نزد «میل» و «جمرات» خدا را خواندی؟ گفت : آری. فرمود: به هنگام وقوف در عرفات، آیا حق معرفت خداوند سبحان را ادا کردی و به معارف و علوم الهی پی بردی و دانستی که با تمام وجود در قبضه قدرت خدا هستی و او بر نهان کار تو و خفایای قلب تو آگاه است؟ گفت : نه.

فرمود : به هنگام فرار از آمدن بر جبل الرحمه، آیا نیت آن داشتی که خداوند بر هر زن و مرد با ایمان رحمت می آورد و هر زن

ص :۲۶

---

۱- (۱)-۱- کوهی است که از حدود عرفات محسوب می شود (مجمع البحرین)

و مرد مسلمانی را یاری و رهبری می کند؟ گفت : نه. فرمود : نزد نمره که بودی، آیا نیت آن داشتی که تا خود، تن به امر و نهی الهی ندهی، امر و نهی تو در دیگران اثر نخواهد کرد؟ گفت : نه. فرمود: به هنگام وقوف نزد «عَلَم» و «نَمِرات»(۱) آیا نیت آن داشتی که آن دو، شاهد طاعات تو هستند و همراه فرشتگانِ نگهبانِ تحت امر الهی، حافظ تو می باشند؟ گفت : نه. فرمود: بنابراین، نه در عرفات وقوف کرده ای و نه بر جبل الرحمه بالا رفته ای و نه نمره را شناختی و نه نزد نمرات وقوف داشته و نه خدا را خوانده ای.

سپس فرمود : آیا از بین «دو عَلَم»(۲) عبور کردی و پیش از گذر دو رکعت نماز گزاردی؟ و آیا بر زمین مزدلفه راه رفتی و آنجا سنگریزه ها را برچیدی؟ و آیا بر مشعرالحرام(۳) گذر کردی؟ گفت : آری. فرمود: به هنگام گزاردن دو رکعت نماز، آیا نیت آن داشتی که آن نماز شکر است که در شب دهم گزارده می شود و هر مشکلی را برطرف میکند و هر کاری را آسان می سازد؟ گفت : نه. فرمود: به هنگام راه رفتن بین دو علم و مراقبت بر عدم انحراف به راست و

ص: ۲۷

---

۱- (۱)۱- نشانه های حرم که بالای کوه نمره منصوب است (مجمع البحرین)

۲- (۲)۲- مراد از دو علم، ظاهرا دو تنگه واقع بین عرفات و مشعر و بین مکه و منی است که «مازمین» نیز گفته می شوند.

۳- (۳)۳- مراد از مشعر در اینجا، ظاهرا کوهی است که در مزدلفه واقع است و «قزح» نامیده می شود و وقوف برآن مستحب است.

چپ، آیا نیت آن داشتی که از دین حق به راست و چپ منحرف نشوی، نه با قلبت و نه با زبانت و نه با اعضای بـدنت؟ گفت: نه.

فرمود : به هنگام راه رفتن بر زمین مزدلفه و برچیدن سـنگریزه ها، آیانیت آن داشتی که هرگناه و نادانی را از خود برمی گیری و هر علم و عملی را برخود ثابت می کنی؟ گفت:نه. فرمود : به هنگام گذر بر مشعرالحرام، آیا نیت آن داشتی که قلب خود را به شـعارتقوی و خوف خداونـد عزوجـل مُشـعِر می داری؟ گفت : نه. فرمود: بنـابراین، نه بر دو علم گذشـته ای و نه دو رکعت نماز آنجا را گزارده ای ونه بر زمین مزدلفه راه رفته ای و نه سنگریزه ای ازآن برچیده ای و نه بر مشعرالحرام گذر کرده ای.

سپس فرمود : آیا به منی رسیدی و رمی جمره کردی و سر تراشیدی و قربانی کردی و در مسجد خیف نماز گزاردی و به مکه بازگشتی و طواف افاضه (بازگشت)(۱) بجـا آوردی؟ گفت : آری. فرمود : به هنگـام رسـیدن به منی و رمی جمرات، آیا نیت آن داشتی که باید به خواسـته ات رسـیده باشی و خداوند هر حاجت تو را برآورده باشد؟ گفت : نه. فرمود: به هنگام تراشیدن سر، آیا نیت آن داشتی که از تمام پلیدیها و از تبعات سوء (ظلم به) آدمیان پاک



---

۱- (۱)۱- طـواف افـاضه، همـان طواف حـجّ و زیـارت است و از این جهت به طواف افـاضه تعـبیر شـده که پس از مراجعت و افاضه از منی به مکه انجام می شود.

می شوی و همچون روز ولادت از مادر از گناهان بیرون می روی؟ گفت : نه. فرمود : به هنگام نماز گزاردن در مسجد خیف، آیا نیت آن داشتی که جز خدا و گناهانت از کسی نترسی و جز رحمت خداوند متعال به چیزی امید نبندی؟ گفت : نه.

فرمود : به هنگـام قربـانی کردن، آیـا نیت آن داشتی که بـا تمسک به حقیقت پارسائی، گلوی طمع را می بری و سـنت ابراهیم علیه السـلام را پیروی می کنی که با سربریدن فرزند و میوه دل و آرام جان خود و ... سنت بندگی و تقرب به خداوند متعال را برای آینـدگانِ پس از خود پـایه گـذاشت؟ گفت : نه. فرمود : به هنگـام بـازگشت به مکه و انجـام طواف افـاضه، آیا نیت آن داشتی که (با بهره گیری) از رحمت خداوند متعال اکنون به طاعت او باز گشته ای و به دوستی او تمسک جسته ای و واجبات او را ادا کرده ای و به قرب خدا رسیده ای؟ گفت : نه.

آنگـاه حضـرت زین العابـدین به او فرمود: بنـابراین، نه به منی رسـیده ای و نه رمی جمرات کرده ای و نه سـر تراشـیده ای و نه قربانی کرده ای و نه در مسجد خیف نماز گزارده ای و نه طواف افاضه انجام داده ای و نه به قرب الهی رسیده ای؛ باز گرد که به حقیقت حجّ نکرده ای.

شبلی از کوتاهی خود در فهم حقیقت حجّ و عمل به

ص: ۲۹

مناسک آن برخود پیچید و سخت گریست و از آن پس پیوسته به فراگیری اسرار حجّ می پرداخت تا آنکه سال دیگر به انجام حجی از روی معرفت و یقین موفق شد.مستدرک ج ۲ کتاب الحج

## سخن امام خمینی (ره) در مفهوم حجّ و وظایف حجاج

فریضه حجّ در بین فرائض الهی از ویژگی های خاصی برخوردار است و شاید جنبه های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه داشته باشد، با آنکه جنبه عبادیش نیز ویژگی خاصی دارد ... خداوند تعالی در آیه شریفه ای: (جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیاما للنّاس) ... سر و انگیزه حجّ و غایت قرار دادن کعبه و بیت الحرام را نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده های مستضعف جهان ذکر می فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی تواند آن را فراهم کند مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمانان پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند.

این اجتماع (حجّ)، دینی سیاسی (است) و اسلام یک دین عبادی سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منضم است و در امور عبادی اش سیاست ... نکته مهم این اجتماعات این است که مسلمین با هم در یک محیط دور از تشریفات، یک محیطی که

همه آن جهات شخصیات را ریخته و با یک کفن و یا دو ثوب مختصر در این مواقف حاضر شوند و مهم این است که آن چیزهائی که در بلاد مسلمین در طول سال گذشته است به اطلاع هم برسانند و برای رفع مشکلات مسلمین فکر بکنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است، در عین حالی که عبادت است. و مع الاسف، ما مسلمانها که از اسلام دور افتاده ایم و از حقایق اسلامی منزوی شده ایم، دراین فکر ابدا نیستیم که اولاً کسانی که می توانند بروند، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند، نویسنده هستند، روشنفکر هستند و عالم هستند، در آن محیط مجتمع بشوند و مشکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند و آنچه که می توانند حل کنند. ما الان از تشرف مکه و حجّ بیت اللّه جز اینکه یک دسته اشخاص عامی مردم، عامه مردم در آنجا مجتمع بشوند، اشخاص موثری که می توانند، از حکومت ها، از بزرگان قوم، در آنجا می توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام را و مسائل مسلمین و مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمین را بررسی کنند، مع الاسف این امر مغفول عنه است و در عین حال که باید در آنجا بررسی مشکلات را بکنند بر مشکلات افزوده می شود.

... حقیقت حجّ این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛

ص :۳۱

ببنیـد فقرا چطوری هسـتند، شـما هم بشویـد اینطور؛ ببنید مسـتمندان جهان چطورند، شـما هم (به) آن رنگ درآیید. اگر مردم توقع داشـته باشـند که حالا ـ که ما حـجّ می رویم بایـد برای ما همچون رفاهی حاصل بشود که در منازلمان هم نیست، این حجّ نمی توانـد باشـد. این حجی که خدای تبارک و تعالی براشـخاص واجب فرموده است این است که بروید آنجا زندگانی مردم را ببینیـد. آنوقت که ما رفتیم، ما زندگانی آنوقت حجازی ها را یک مقداری دیدیم، که حالا حجاج نمی توانند ببینند. آنوقت که مـا با اتومبیل بین مکه و مـدینه می رفتیم، هرجا اتومبیل می ایسـتاد، هرجا در این بیابان های لم یرزع طولانی، هرجا اتومبیل می ایسـتاد، از زیر این بته هـا اینهـا می آمدنـد بیرون: بچه هـائی که هیـچ لبـاس نداشـتند، زنهـائی که لباسـشان فقـط ساتر بود، مردهائی که وضـعشان را انسان نمی توانـد بیان بکنـد؛ می آمدند و از مردم گدای می کردند. باید اینها را انسان ببیند... خوب شما حاجی هستید، شما مسلمانی هستید که باید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفین جهان برسید.

## حجّ : سفر الی اللّه

... باید متوجه اعمال خودتان باشید، پاسداری از خودتان بکنید و این سفر را سفر الی اللّه حساب بکنید و بدانید که با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش خدای

تبارک و تعالی پیدا بکنید و ممکن است خدای نخواسته سقوط کنید.

... توجه داشته باشید که سفر حجّ، سفر کسب نیست، سفر تحصیل دنیا نیست، سفر الی اللّه است. شما دارید به طرف خانه خدا می روید؛ تمام اموری که انجام می دهید بطور الهیت باید باشد. سفرتان این جا که شروع می شود سفر به سوی خدای تبارک و تعالی است. باید مانند انبیاء علیهم السلام و بزرگان دین ما که در تمام زمان حیاتشان مسافرتشان الی اللّه بوده است و از آن چیزی که در برنامه وصول الی اللّه بوده است یک قدم تخلف نمی کردند، شما هم وفود الی اللّه داشته باشید و در میقات که می روید لبیک به خدا می گوئید، یعنی تو دعوت کردی و ما اجابت؛ مبادا عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر، شما را من قبول ندارم برای اینکه شما اسلامی نیستید؛ مبادا این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجارتی در این سفر مطرح باشد ... این سفر الهی را آلوده به دنیا نکنید. شما می روید رجم شیطان کنید، اگر چنانچه خدای نخواسته خودتان از جنود شیطان باشید رجم خودتان را می کنید، شما باید رحمانی بشوید تا رجمتان رجم جنود رحمان به شیطان باشد. شما در این مواقف کریمه وقوف می کنید و وقوف در این مواقف کریمه را مبادا آلوده بکنید به

معصیت و مرتکب خلافی شوید.کتاب حجّ/۳۱

## نظر مرحوم شهید بهشتی در مسئولیت شیعه در حجّ

یک شیعه، با هیچ آهنگی حق ندارد هیچگونه موضع گیری داشته باشد که برادری دینی، و بهم پیوستگی سیاسی و اجتماعی و دینی او با یک برادر مسلمان سنی متزلزل شود. اگر مراسم حجّ نبود با این توطئه هائی که علیه همبستگی مسلمانان شده است بنده گمان می کنم تاکنون آن پیوندهای وحدت آوری را که پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام با خون جگر و با بذل جان و مال ایجاد کردند و مولا علی علیه السلام با سی سال سکوت و زندگی همراه با خون دل خوردن به حمایت و حفاظت آن پرداخت و امام مجتبی علیه السلام با پذیرفتن قرارداد نامطلوبی که شرایط سیاسی آن زمان برآن حضرت تحمیل کرد و بخاطر حمایت از آن از ادامه جنگ خودداری کرد و ائمه ما علیهماالسلام از امام سجاد علیه السلام گرفته تا امام عسکری علیه السلام ، همه در راه آن تحملها و رنجها بر خود هموار کردند؛ همه اینها تا بحال باید به فنا میرفت. این درست است که در ذهن سنی جایگزین کرده اند که این شیعه ها اصلاً خدا را قبول ندارند. اینها می گویند جبرئیل اشتباه کرد قرار بود بیاید به خانه علی علیه السلام ، رفت در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را عوضی زد و درست است که بین شیعه، جایگزین کرده اند که این سنیها همه شان دشمن علی علیه السلام هستند در

ص: ۳۴

حالیکه اکثریتشان به علی علیه السلام و ائمه احترام می گذارند. درست است که این تبلیغات شوم اثر خود را کرده ولی باز هم بالاخره سالی یکبار، ده هزار، بیست هزار، سی هزار، چهل هزار، پنجاه هزار، صدهزار شیعه را از کشورهای مختلف و دویست هزار، سیصد هزار، پانصد هزار، هفتصد هزار، هشتصد هزار سنی، آنجا دور هم جمع می شوند و اگر یک مقدار در حال همدیگر دقت بکنند و قدری حوصله بخرج بدهند و از احوال هم جویا بشوند می فهمند که تمام اینها دروغ است. لااقل سالی یکبار فرصت دروغ آزمائی هنوز برای جامعه مسلمان باقی مانده است.

اگر همین یک فایده حجّ را حساب کنید فایده بسیار بزرگی است و خیلی اهمیت دارد. لذا من شخصا به حساب همین یک امتیاز بزرگ، همواره معتقد هستم که باید مراسم حجّ را با شکوه هرچه بیشتر همه ساله برگزار نمود. اینکه می بینید علی علیه السلام اینقدر در وصیتش به امام مجتبی علیه السلام به فرزندش و به خاندانش تاکید می کند: «اللّه اللّه به یاد خدا باشید و از خدا پروا داشته باشید. در حجّ و کنار خانه خداوندتان را خالی نگذارید وگرنه دیگران آنرا پر می کنند.» برای اینست که حجّ هرقدر هم ضعیف بشود سنگری است بزرگ. این سنگر بزرگ را به هیچ عنوان نمی شود خالی کرد. استفاده ای که ما از حجّ می کنیم شاید ده الی بیست درصد برحسب

سالهای مختلف و شرایط مختلف و حجّهای مختلف، به «حجّ اسلام» نزدیک است و باید تلاش کرد که هشتاد و تا نود درصد از دست رفته را بجایش برگردانید.کتاب حجّ در قرآن از شهید بهشتی

## تذکرات لازم به زائرین و حجاج محترم، قبل از عزیمت

۱ از همراه بردن اجناس قاچاق و اشیاء ممنوعه خودداری نمایند.

۲ مناسک، احکام، فلسفه و اسرار حجّ را بیاموزند تا با شناخت و آگاهی بیشتر اعمال حجّ و عمره را انجام داده ازاین سفر بهره ببرند.

۳ موقع سوارشدن به هواپیما، پیاده شدن و ورود به فرودگاه جده، سوار شدن به اتومبیل، دیدار از اماکن مقدسه هنگام صرف غذا و ... نظم و ترتیب را رعایت نموده، دیگران را برخود مقدم بدارید و کاری نکنید که در مقابل چشمان زائران غیرایرانی و اتباع سایر کشورها، به حیثیت اسلامی و انقلابی شما لطمه وارد شود.

۴ همراه با شنیدن صدای روحبخش اذان، حتما در نماز جماعت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و یا مسجدالحرام شرکت نموده، ازاین فرصت بزرگ معنوی که برای شما بدست آمده حداکثر استفاده را ببرید.

۵ موقع نماز هرکجا که هستید از خرید و فروش، ایستادن کنار کوچه و خیابان و بازار حرکت برخلاف مسیر نمازگزاران، بشدت اجتناب فرمائید.

۶ در اماکن مقدس مکه و مدینه سیگار کشیدن ممنوع است، لذا از استعمال دخانیات جدا بپرهیزید.

۷ از فریاد زدن، ایجاد سر و صدا، و انجام اعمال و حرکاتی که زیبنده یک مسلمان ایرانی نیست خصوصا در اماکن مقدسه، و مشاهد مشرفه خودداری نمائید.

۸ از خواندن دعا و زیارت و فرستادن صلوات با صدای بلند و دادن شعار در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و نیز از کارهائی که موجب انگشت نما شدن است همچون سجده بر روی چوب، مقوا، کاغذ و سنگ اجتناب فرمائید.

۹ هنگام نماز جماعت از امام جماعت تبعیت نموده، قبل از او به رکوع و سجده نروید و در نمازهای جماعت نیت قصر نشود.

۱۰ برخی از اهل سنت عبور از مقابل نمازگزاران را جایز نمی دانند، لذا از راه رفتن در برابر صفوف نمازگزاران و یا افرادی که بصورت انفرادی مشغول نماز خواندن هستند خودداری کنید.

۱۱ احترام و قداست قرآن کریم را حفظ نموده، در پایگاه وحی با خواندن آیات قرآن دهانتان را خوشبو و قلوبتان را صفا بخشیده، قرآنها را روی زمین نگذارید.

۱۲ خواهران گرامی از پوشیدن مانتو، چادرهای رنگی و لباسهائی که به نوعی جلب توجه می کند به شدت پرهیز نموده، با رعایت حجاب اسلامی عزت، صلابت و عظمت زن مسلمان را به نمایش بگذارید.

۱۳ در کنار بقیع از خواندن نماز خودداری فرموده، نمازهای مستحبی را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و یا محل مناسب دیگری بخوانید. هنگام خواندن زیارت و مصیبت از بلندگو استفاده نکرده، از سینه زنی و نوحه خوانی، دخیل بستن، خاک برداشتن از قبور، عکس گرفتن و حرکاتی از این قبیل که موجبات وهن مذهب را فراهم می نماید اجتناب فرمائید.

۱۵ برادران محترم از لباسهای زیرین و نامناسب و پیراهنهای بدون آستین در مجامع عمومی و اماکن استفاده ننمایند.

۱۶ برای بهره گیری هرچه بیشتر از این سفرالهی و معنوی سعی کنید شبها زودتر استراحت نموده، قبل از اذان صبح بیدار و به سوی مسجدالحرام و یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله حرکت و به موقع در نماز جماعت حاضر شوید.

ص :۳۸

۱۷ از همراه بردن قرآنهای مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام و انتقال آن به هتلها خودداری فرمائید.

۱۸ از انداختن عریضه، کاغذ، پول، طلا و ... در ضریح مطهر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و قبور ائمه و سایر اماکن خودداری فرموده، برای بهره بری صحیح و بهتر با روحانی گروه و یادفتر نمایندگی بعثه تماس بگیرید.

۱۹ فروش اشیائی همچون پسته، انگشتر، زعفران و ... در کنار کوچه و خیابان به حیثیت مسلمان ایرانی لطمه وارد می کند لذا ازاین کار اجتناب فرمائید.

۲۰ نظافت را در طول سفر و همه جا مراعات فرمائید.

۲۱ قیمت اکثر کارهای موجود در بازار، ازایران گرانتر بوده، مقرون به صرفه نیست. بنابراین به جای آنکه اوقات گرانبهای خود را در بازارها بگذارنید از برکات معنوی این سفر الهی و دینی بهره بگیرید.

۲۲ در پایان سفر در صورت تمایل، کتب ادعیه، مفاتیح و سایر کتابهائی که بهمراه دارید را به دفتر بعثه هدیه نمائید تا برای استفاده در اختیار زائران محترم قرار گیرد.

۲۳ دیدار از اماکن به صورت دسته جمعی صورت می گیرد، لذا حتما ساعات رفت و آمد را دقیقا مراعات نمائید تا با تاخیر

خود موجبات اذیت و آزار دیگران فراهم نشود.

۲۴ رفتارها و برخوردهای مشکوک را، سریعا جهت پیگیری لازم، به دفتر نمایندگی بعثه اطلاع دهید.

۲۵ – برای قبولی اعمال و درک پاداش بیشتر، سعی کنید از ابتداء سفر تا انتهاء آن، در مقابل مشکلات و برخوردهای تلخ حجاج و زوار صبور بوده، و تا می توانید به میهمانهای خدا و رسول خدا علیهاالسلام و ائمه معصومین علیهم السلام ، احترام نموده و به آنها کمک نمائید چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: انجام حاجت برادر مؤمن از طواف گرد کعبه افضل است.

ص: ۴۰

## بخش دوّم اعمال و آداب و حکمتهای

### اشاره

ص: ۴۱

## دعای تشرّف به حجّ

۱ مرحوم مجلسی رحمه اللّه از محاسن برقی با سند خود از امام جعفرصادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: هر که در یک جلسه هزار مرتبه بگوید «ماشاءاللّه» در همان سال موفق به حجّ می شود و اگر نشد در سالهای بعد حتما به حجّ مشرف خواهد شد.بحارج۹۹/۲۷

۲ مرحوم صدوق علیه الرحمه با سند خود از عبداللّه فضل هاشمی نقل نموده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم دین و بدهکاری سنگینی دارم و عیالات من آنقدراست که قدرت برای حجّ ندارم، دعائی به من تعلیم نمائید که موفق به حجّ بشوم. امام صادق علیه السلام فرمود: بعد از هر نماز واجب بگو : اَللّهُمَّ صلّ علی مُحَمَّد و آل مُحَمَّد و اقض عنّی دین الدّنیا و دین الاخره یعنی خداوندا، درود خود را بر مُحَمَّد و آل او بفرست و قرض دنیا و قرض آخرت مرا اداء فرماد، گوید به آن حضرت گفتم دین دنیا را شناختم دین آخرت کدام است؟ فرمود دین آخرت حجّ است.بحار ج ۹۹/۲۷

۳ مرحوم کلینی از ابی بصیر نقل نموده که می گوید امام صادق علیه السلام عادت براین داشت که در ماه مبارک رمضان می خواند : اَللّهُمَّ انّی منک و بک اطلب حاجتی و من طلب حاجه الی النّاس فانّی لااطلب حاجتی الاّ منك وحدك لاشریك لك و اَسأَلُكَ

ص :۴۲

بفضلک و رضوانک ان تصلّی علی مُحَمَّد و اهل بیته و ان تجعل لی فی عامی هذا الی بیتک الحرام سبیلاً حجّه مبروره متقبّله زاکیه خالصه لک تقرّبها عینی و ترفع بها درجتی و ترزقنی ان اغضّ بصری و ان احفظ فرجی و ان اکفّ بها عن جمیع محارمک حتی لایکون شیءٌ آثر عندی من طاعتک و خشیتک و العمل بما احببت و التّرک لما کرهت و نهیت عنه واجعل ذلک فی یسر و یسار و عافیه و ما انعمت به علیّ.(مفاتیح الجنان ص ۱۷۶

## وجوب حجّ و عقاب کسیکه بدون حجّ از دنیا برود

مرحوم صدوق علیه الرحمه نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: یا علی کسیکه مستطیع باشد و حجّ را ترک کند کافر است چرا که خدای متعال فرمود: وللّه علی الناس حجّ البیت تا آخر آیه سپس فرمود یا علی کسیکه حجّ را به تأخیر اندازد تا از دنیا برود خداوند او را در قیامت بین یهود و نصاری مبعوث فرماید.تفسیر صافی

و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: کسیکه بمیرد و حجّ واجب خود را بدون عذر بجای نیاورده باشد، مرده است، یهودی یا نصرانی.بحار ج ۲۱/۵

و ابوبصیر گوید شنیدم از امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه بمیرد و حال آنکه حجّ واجب خود را بجای نیاورده باشد در

حالیکه از نظر صحت و مزاج و تمکن مالی عذری نداشته است او از کسانی است که خدا در باره آنان فرموده: کور وارد صحرای محشر می شوند، گوید عرض کردم سبحان اللّه کور وارد محشر می شوند؟! فرمود بلی این کسی است که به جرم گناهش از طریق حق نابینا گردیده است.کافی ج ۴/۲۶۹

و امام باقر علیه السلام فرمود: هر که برای کار دنیا حجّ را رها کند خواهد دید که حجاج از مکه باز گشته اند و او هنوز گرفتار مانده و کار دنیای او حل نشده است.وافی حجّ /۴۸

## قصّه عجیبی از مرحوم آیه اللّه حکیم قدس سره

مؤلف گوید : در مکّه معظّمه در جلسه ای که روحانیون حجّ اجتماع داشتند حقیر شرکت داشتم که در آن جمع یکی از فضلاء از مرحوم شهید آیه ا.. مدنی نقل نمود که آیه ا.. حکیم قدس سره در درس خارج فقه فرمود: با سید عالم محترمی وعده کردیم که هرکدام زودتر از دنیا رفتیم حال خود را به دیگری خبر دهیم و آن سید از دنیا رفت و تا یکسال به خوابم نیامد و وقتی آمد به او گفتم چرا خلف وعده نمودی؟ او گفت علت نیامدن من، حج من بود و چون من مُردم پرونده مرا خدمت رسول اللّه صلی الله علیه و آله دادند حضرت نگاهی نمود در آن و فرمود: تارك حج است، سپس خدمت امیرالمومنین علیه السلام دادند آن حضرت هم نگاهی نمود و فرمود : تارك

حج است، تا اینکه خدمت حضرت صدّیقه طاهره علیهاالسلام دادند چون در آن نظر نمود فرمود: فرزندم مهدی کجاست؟ و چون حضرت مهدیّ عجل الله فرجه حاضر شدند و مقابل مادر ایستادند حضرت زهرا علیهاالسلام باو فرمود: امسال شما از جانب این فرزندم حجّ بجا بیاورید و حضرت مهدیّ قبول نمودند و در این سال برای من حجّ بجا آورند و من آزاد شدم.

## فضیلت و ثواب و برکات حجّ واجب و حجّ مستحبّ

۱ عن الصادق عن جده رسول اللّه صلی الله علیه و آله : و ان من الذنوب ذنوبا لایکفرها الا الوقوف بعرفات.

یعنی بعضی از گناهان جز در سرزمین عرفات جای دیگری بخشیده نمی شوند.وافی حجّ /۴۳

۲ مردی در مسجدالحرام از امام صادق علیه السلام پرسید: کدام گناهکار گناهش بزرگتر است؟ فرمود آنکه وقوف به عرفات و مشعر را درک کند و سعی و طواف نماید و نماز طواف را پشت مقام انجام دهد و گمان کند که خداوند او را نیامرزیده است.وافی حجّ /۴۲

۳ امام صادق علیه السلام فرمود: چون حاجی وارد مکه شود خداوند دو فرشته براو می گمارد تا اینکه طواف و نماز و سعی او را حفظ کنند و چون به عرفات وقوف نماید دست برشانه

ص: ۴۵

راست او زنند و گویند ای فلان، گناهان گذشته ات آمرزیده شد، مواظب اعمال آینده خود باش.

۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حجاج سه دسته اند، بهترین آنهاکسی است که گناهان گذشته و آینده او بخشیده می شود و از عذاب قبر محفوظ می ماند و بعد از او کسی است که گناهان گذشته او آمرزیده می شود، و کسی که کمترین نصیب را دارد کسی است که در مدت سفر اهل و مال او را خداوند حفظ می فرماید.

۵ امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حجّ واجب خود رابجا آورد یکی از زنجیرهای آتش را از گردن خود باز نموده و اگر باز حجّ کند تا آخر عمر بخیر وخوبی بسر برد و اگر سه حجّ بجا آورد مانند کسی است که در تمام عمر زائر خانه خدا باشد چه حجّ بجا بیاورد و چه حجّ بجا نیاورد.فقیه حجّ ص ۲۰۸

## آداب سفر و حقوق همراهان

امام صادق علیه السلام می فرماید: لقمان حکیم به فرزند خود می فرمود:

۱ وقتی با جمعی مسافرت نمودی در کارهای خود و امور همراهان زیاد با آنها مشورت داشته باش.

۲ زیاد مقابل آنها تبسم نما و صورت گشوده و شیرین به آنها

داشته باش.

۳ از آنچه در اختیار داری از آنها دریغ مکن و اگر تو را دعوت نمودند اجابت کن.

۴ اگر از تو کمک خواستند آنها را کمک نما.

۵ از سکوت طولانی و نماز فراوان و گذشت و سخاوت نسبت به آنچه در اختیار داری دریغ مکن.

۶ اگر تو را برای شهادت حقی دعوت کنند اجابت کن و اگر در کاری از تو مشورت خواهند با دقت کامل درمورد آن نظر کن و زود جواب نگو تا اینکه زمانی بگذرد و فکر و اندیشه خود را در باره آن بکاربری چرا که هرکه کمال خیرخواهی را در این باب رعایت نکند خداوند نعمت امانت و رأی را از او سلب خواهد نمود.

۷ با رفقای خود همراهی داشته باش اگر کار مشروعی می کنند و راهی می روند با آنها موافقت کن.

۸ اگر همراهان صدقه دادند و یا وامی را پرداخت نمودند با آنها موافقت کن و در آن خیر شریک باش.

۹ احترام بزرگترها را حفظ کن و اگر سخنی از بزرگتر شنیدی به گفته او توجه و عمل کن.

۱۰ و اگر چیزی و یا انجام کاری را از تو خواستند جواب تو

مثبت باشد چرا که نه گفتن دلیل ناتوانی می باشد.

۱۱ فرزند عزیزم وقت نماز که رسید نماز را بر همه چیز مقدم دار و خود را از این دین راحت نما.

۱۲ سعی کن نماز را با جماعت انجام دهی ولو جای سختی باشد.

۱۳ بهر منزلی بار انداختید اول قبل از نشستن دو رکعت نماز کن و در وقت حرکت هم چنین کن. و با آن سرزمین وداع نما و بر آن و اهل آن سلام کن چرا که هر سرزمینی را اهلی است از ملائکه.

۱۴ تا توانی از هر غذائیکه می خوری قدری از آن را صدقه بده قبل از آنکه از آن غذا استفاده کرده باشی.

۱۵ بر تو باد به قرائت کتاب خدا تا وقتی بر مرکب سوار باشی.

۱۶ بر تو باد به تسبیح خداوند وقتی مشغول کاری باشی و برتو باد به دعا در وقتیکه فارغ باشی.

۱۷ حذر کن از طی راه در اول شب و اگر خواهی آخر شب حرکت کن.

۱۸ حذر کن از بلند کردن صدای خود در راه و مسیر حرکت.

بحار ج ۲/۱۹۴

و امام باقر علیه السلام فرمود: با مثل خود سفر کن نه با کسیکه تمکن

ص :۴۸

مالی او بیش از تو باشد و بخواهد ترا کفایت نماید چرا که این برای تو ذلت است.فروع کافی ج ۴/۲۸۶

و امام صادق علیه السلام فرمود : با کسی هم نشین شو که او ترا زینت نماید (یعنی تو از او بهره اخلاقی و دینی ببری) نه اینکه تو او را زینت کنی و آبرو بخشی.فقیه ج ۲/۱۸۲

و امام صادق علیه السلام فرمود: از مروّت نیست که خوب و بد سفر را بازگوئی کنی.فقیه ج ۲/۱۸۰

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه به مسافر مؤمنی کمک کند خداوند هفتاد و سه بلا از او برطرف کند و در دنیا او را از غم و اندوه دور نماید و مصیبت بزرگ او را آسان کند عرض شد کدام مصیبت؟ فرمود مصیبت قیامت.محاسن ج ۲/۳۶۲

## شرایط قبول شدن حجّ

۱ حجّ برای انجام فرمان خدا باشد

امام صادق علیه السلام فرمود: حجّ بر دو وجه انجام می شود یکی حجی که برای مردم انجام می گیرد و دیگری حجی که برای رضای خدا انجام می گیرد، پس کسیکه برای خدا حجّ بجا آورد ثواب آن برخدا است و خداوند هم او را بهشت روزی فرماید و کسیکه برای مردم به حجّ رود ثواب آن برمردم است در روز قیامت.

ثواب الاعمال ج ۲/۷۴

ص: ۴۹

۲- حقوق خدا و بندگان او را اگر ضایع نموده بپردازد

امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه با مال حرام به حجّ رود چون لبیک گوید در جواب او گفته می شود: «لالَبَّیْکَ و لا سعدیک» اجابت تو اجابت نیست راست نگفتی و عمل تو مرضی ما نیست.فقیه کتاب حج

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: کسیکه مالی را از حرام بدست آورد اگر با آن تصدق کند و یا بنده آزاد نماید و یا حجّ و عمره بجا آورد از او قبول نخواهد شد و بنویسد خداوند برای او بعدد اجزاء آن مال حرام، وِزر و وبال و همان مال بعد از مرگ توشه جهنم او خواهد شد.وسائل الشیعه وعقاب الاعمال ۲۳۶

و امام کاظم علیه السلام فرمود: ما خانواده ای هستیم که سه چیز را از خالصترین و پاکترین اموال خود تهیه می کنیم یکی مخارج حجّ خانه خدا را، و دیگری مهریه زنهای خودمان را و سوم مخارج کفن و لباس عالم آخرت را. وسائل الشیعه

۳ اعتقاد به امامت امامان معصوم علیهم السلام داشته باشد

معلی بن خنیس گوید امام صادق علیه السلام فرمود: ای معلی اگر بنده ای هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند، روزها روزه باشد و شبها عبادت نماید تا آنکه آنقدر پیر و فرسوده شود که ابروهایش بر روی چشمانش بریزد و از پیری استخوانهای او جمع شود و جاهل

ص: ۵۰

بحق ما باشد (یعنی ما را به امامت نپذیرفته باشد) ثوابی برای اعمال او نخواهد بود.عقاب الاعمال /۲۴۳

و حارث بن مغیره می گوید خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم شخصی وارد شد و عرض کرد یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله چقدر امسال حاجی زیاد است؟! حضرت فرمود: زیاد باشند و یا کم باشند به خدا قسم خدا فقط از شما قبول می فرماید و شما را می آمرزد. احادیث در این موضوع فراوان است ما به این دو حدیث اکتفا نمودیم. محاسن/۱۶۷

## علامت قبول شدن حجّ

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرمود: علامت و نشانه قبولی حجّ آن است که حاجی اعمال خلاف و گناهانیکه انجام می داده، بعد از حجّ ترک نماید و اگر باز بهمان اعمال زشت خود مانند زنا و خیانت و یا معصیت دیگر ادامه دهد حجّ او پذیرفته نمی شود و باو بر می گردد.جعفریات /۶۶

## اجر و پاداش کسیکه زندگی زائر بیت اللّه را نگهداری می کند

علی بن الحسین علیهماالسلام می فرماید: کسیکه زندگی حاجی را نسبت به مال و اهل او نگهداری کند، خداوند همان پاداشی که به زائر خود می دهد باو هم خواهد داد تا جائیکه فرمود:

عمل او همانند این است که استلام حجرالاسود می کند.

بحار ج ۹۹/۳۸۷

و عیسی بن عبداللّه قمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود : سه دسته دعایشان مستجاب است : حاجی، معتمر، مجاهد فی سبیل اللّه. بعد فرمود: شما باید دقت کنید که چگونه باید جایگزین آنها باشید در زندگی و اهل آنها.بحار ۹۹/۳۸۷

## هیچ عملی جای حجّ را نمی گیرد

هنگامیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از امور حجّ فراغت حاصل نمودند و از منی کوچ کرده رهسپار مکه شدند در ابطح به عربی از بادیه نشینان برخورد نمودند، آن مرد عرض کرد یا رسول اللّه من امسال قصد حجّ داشتم ولی موفق نشدم و این ثواب عظیم از من فوت شد و چون من ثروتمند و توانگرم دوست دارم مرا به عملی امر فرمائی که با انجام آن به ثواب حجّ برسم؟ راوی گفت آن حضرت نظری به کوه ابوقبیس نمود و فرمود: اگر هموزن این کوه طلای سرخ در راه خدا انفاق کنی به اجر و ثواب حجّ نمی رسی.ثواب الاعمال /۴۷

مولف گوید: ظاهر این است که مقصود حضرت حجّ واجب باشد چون در روایت دیگر آمده که می فرماید، اگر من یک حجّ انجام دهم بهتر است از آزاد کردن ده بنده در راه خدا و اگریک

خانواده فقیر را تکفل کنم بهتر است از ده حجّ که انجام بدهم و چون هر دو روایت مطلق است و می دانیم که چیزی جای حجّ واجب را نمی گیرد پس مراد از روایت فوق حجّ واجب است نه حجّ مستحب. لذا در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده که فرمود : من اراد الحج فلیتعجل فانه قدیمرض المریض و تضل الضاله و تعرض الحاجه. یعنی هرکس متمکن از حجّ است و قصد حجّ دارد عجله و شتاب نماید که بسا بیماری و یا مشکلات دیگر مانع حجّ او خواهند شد. والله العالم.مستدرک ج ۲

و امام صادق علیه السلام به کسی که مانع حجّ دیگری شده بود فرمود: تو سزاواری که یک سال بیمار شوی و آن شخص گوید یک سال بیمار شدم چرا که برادرم راجع به حجّ خود با من مشورت نمود و من باو گفتم که حجّ نرود.کافی ج ۴/۲۷۱

## ثواب اعمال حجّ از ابتداء تا انتهاء

انس بن مالک می گوید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم در مسجد مدینه که دو مرد یکی انصاری و دیگر ثقفی وارد برآن حضرت شدند و سلام نمودند و عرض کردند آمده ایم سئوالی داریم حضرت فرمود: آیا به شما خبر دهم از سئوالی که دارید؟ عرض کردند بلی یا رسول اللّه.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رو به مرد انصاری نمودند و فرمودند: آمده ای نسبت به انجام حجّ خانه خدا سئوال

ص :۵۳

کنی، بـدان مرکب تو هر قـدمی برمیدارد برای تو حسـنه ای نوشـته می شود و گناهی بخشوده و درجه ای افزوده خواهد شد و بهر قـدمی که در طواف خانه خـدا برمیداری چنین عطائی بتو خواهد شد و چون نماز طواف را بخوانی ثواب آزاد نمودن بنده ای از فرزنـدان اسـماعیل را به تو خواهنـد داد، و چون سـعی صـفا و مروه کنی پاداش آزاد نمودن هفتاد بنده در راه خدا را بتو عطا کنند، و چون عصـر عرفه در عرفات وقوف کنی خداوند رحمت خود را بر تو فرود آوردو بر ملائکه مباهات کند که اینان بندگان من هسـتند، غبار آلوده که از راه دور به امید رحمت و مغفرت من آمده اند اگر گناهانشان بعدد ریگهای بیابان و قطره های باران و کف دریا باشد همه را می آمرزم، سپس خدای تبارک و تعالی به اهل عرفات خطاب می فرماید:

«افیضوا مغفورا لکم ولمن شـفعتم له» حرکت کنید همه شـما و کسانیکه شـفیع آنها شده اید بخشـیدم. و وقتی ریگ به جمرات بزنی بهر ریگی گناه کبیره ای از تو بخشیده می شود. و وقتی قربانی کنی اجر آن پیش خدا برای تو ذخیره خواهد شد. و وقتی سر خود را بتراشـی بهر موئی حسنه ای بتو عطا شود و گناهی از تو بخشوده شود. مرد انصاری عرض کرد: اگر گناهان کمتر از اینها باشد چه می شود؟ حضرت فرمود: اگر چنین باشد برای تو ذخیره خواهد

شد در حسنات تو، سپس فرمود وقتی طواف حجّ نمائی گناهی برای تو نخواهد بود و ملکی از ملائکه می آید و دست خود را بر شانه تو می گذارد و می گوید گذشته های ترا خدا بخشید، مواظب آینده خود باش.مستدرك ج ۲/۹

## اقسام حجّ

حجّ سه قسم است: تمتّع و قران و افراد و وجوب حجّ از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر محسوب می شود و حجّ تمتّع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل (شانزده فرسخ) از مکه دور باشندو قران و افراد برغیر آنها واجب می شود و وقت انجام حجّ در ماههای شوال و ذیقعده و ذی حجه است.

صورت اجمالی حجّ تمتّع

بدانکه حجّ تمتّع مرکب است از دو عمل، یکی عمره تمتّع و دیگری حجّ تمتّع و عمره تمتّع مقدم است بر حجّ، و عمره تمتّع از پنج عمل تشکیل می شود: اول احرام، دوم طواف کعبه، سوم نماز طواف، چهارم سعی بین کوه صفا و مروه، پنجم تقصیر، یعنی گرفتن بعضی از مو یا ناخن. و چون محرم از این اعمال فارغ شد آنچه بر او بواسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می شود.

و حجّ تمتّع از سیزده عمل تشکیل می شود:

اول احرام بستن در مکه، دوم وقوف، به عرفات سوم

وقوف به مشعرالحرام، چهارم انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی، پنجم قربانی کردن در منی، ششم تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی، هفتم طواف زیارت در مکه، هشتم دو رکعت نماز طواف، نهم سعی بین صفا و مروه، دهم طواف نساء، یازدهم دورکعت نماز طواف نساء، دوازدهم ماندن در منی شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص، سیزدهم در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات نمودن.

## بخش اول حجّ تمتع، عمره تمتّع است

و اولین واحب آن احرام از میقات است . حاجی در مسجد شجره و یا سرزمین جحفه حاضر شده غسل احرام می کند و دو رکعت و یا چهار رکعت و یا شش رکعت نماز احرام می خواند. و یا بعد از نماز واجب نیت عمره تمتّع نموده و لبیک می گوید، و با گفتن لبیک مُحرم می شود یعنی بیست و چهار چیز را بر خود حرام می نماید.

صورت لبیک واجب : از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین لبیک گفت:لَبَّیْکَ اَللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شریک لک لَبَّیْکَ، انَّ الحمد والنّعِمه لک و الملک لا شریک لک لَبَّیْکَ.

و حضرت فراوان در هر پَست و بلندی، و حرکت و نزولی و در آخر شب و بعد از نمازها لبیک ها را تکرار می کردند و اضافه

می نمودند: لَبَّیْکَ ذَاالمعارج لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعیا الی دارالسّلام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غفّار الذّنوب لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ اهل التّلبیه لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذاالجلال و الأکرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبدی ء و المعاد الیک لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تستغنی و یُفتَقَرالیک لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مرهوبا و مرغوبا الیکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ اِلهَ الحقّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذاالنّعماء و الفضل الحسن الجمیل لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کشّاف الکرب العظام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عبدک و ابن عَبدیک لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کریمُ لَبَّیْکَ.فقیه ج ۲/۳۲۸

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است هر که هفتاد مرتبه در احرام خود از روی ایمان و خلوص لبیک بگوید خداوند هزارهزار ملک را شاهد می گیرد که این بنده را از نفاق و عذاب جهنم آزاد نمودم.کافی ج ۴/۳۳۷

و از امیرالمومنین علیه السلام منقول است که وقتی مؤمن لبیک می گوید هرچه در طرف راست او در روی زمین باشد و هرچه در طرف چپ باشد او تا آخرین نقطه زمین همه با او همصدا می شوند و لبیک می گویند و دو ملک مأمور او باو گویند ما از طرف خداوند بتو بشارت بهشت می دهیم.فقیه ج ۲/۲۰۳

## میقات و لبّیک عارفان در پیشگاه معبود

و اما آداب لبیک گفتن : بدانکه بر بندگان عارف ادعای گفتن لبیک بسیار سخت و مشکل آید و ادعای بندگی در مقابل ذات

احدیت آسان نباشد چرا که اولین شخصیت عالم وجود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «ما عرفناك حقّ معرفتك و ما عبدناك حقّ عبادتك» از این سخن روشن است که اگر ما براحتی لبیک را ادا می کنیم از نقصان معرفت و یا العیاذباللّه از عدم معرفت است.

## لبّیک زین العابدین علیه السلام

سفیان بن عیینه گوید: وقتی زین العابدین علیه السلام لباس احرام پوشیدند و برمرکب سوار شده آماده لبیک شدند رنگ صورت آن حضرت زرد شد و انقلابی در وجودشان حاصل شد و قدرت گفتن لبیك را نداشتند به آن حضرت عرض شد چرا لبیك نمی گوئید؟ فرمود می ترسم در جواب من گفته شود لا لبیك و لا سعدیک یعنی به حقیقت اجابت ما نکردی؛ و چون لبیك بر زبان جاری نمود از مرکب برو افتاد و غشوه ای براو پدید آمد و تا آخر اعمال این حالت براو عارض می شد.

عوالی اللالی ج ۴/۳۵

## لبیک امام صادق علیه السلام

مالك بن انس می گوید: در سفر حجی خدمت آن حضرت بودم وقتی آماده احرام شدند هرچه خواستند لبیك بگویند نفس

ص :۵۸

در گلوی آن حضرت حبس می شد و نزدیک بود که از مرکب به زیر افتد عرض کردم ای فرزند رسول خدا شما ناچار باید لبیک بگوئید چرا لبیک نمی گوئید؟ فرمود: چگونه جرأت کنم بگویم «لبّیک اَللّهُمَّ لبّیک» و حال آنکه می ترسم پروردگارم گوید: «لا لبیک و لا سعدیک»؟!

مؤلف گوید: پس ای بردار و خواهر مسلمان خود را قبل از حضور در میقات آماده کن و بدانکه تو در میقات می خواهی ادعای بندگی و انجام فرموده های خداوند را بکنی، ببین راست می گویی و حقا بنده او هستی؟! و یا... و سعی کن قبل از تشرف حق کسی برتو باقی نمانده باشد و نفقه و مال تو حلال باشد و حقوق واجب مال خود را پرداخته باشی چه آنکه در روایات آمده هرکه با مال حرام حجّ کند در وقت لبیک گفتن باو می گویند «لالبیک و لاسعدیک عبدی» یعنی راست نگفتی بنده من و لبیک تو مقبول ما نیست. مؤلف گوید: اگر خود را آماده نکنی و حقوق الهی و بندگان او را رد نکرده باشی سخت در میقات پشیمان می شوی، پس قبلاً به فکر قبولی اعمال خود باش.

### قطع تلبیه

امام صادق علیه السلام فرمود: حاجی متمتع وقتی نگاه او به خانه های مکه افتد باید لبیک را قطع کند.

ص: ۵۹

## بیست و پنج چیز برای مُحرم حرام است

۱ شکار حیوان صحرائی

۲ نزدیکی نمودن با زن و هرگونه لذت دیگر بردن ولو با عیال خود باشد.

۳ عقد نکاح بستن برای خود یا برای دیگری

۴ شاهد شدن برای عقد ازدواج

۵ استمناء کردن (یعی با خود کار کند که جنب شود).

۶ بوئیدن بوی خوش مانند مشک و زعفران و امثال اینها

۷ پوشیدن لباس دوخته برای مردها هرچند کوچک باشد ولی بستن همیان مانعی ندارد.

۸ سورمه کشیدن

۹ نگاه در آئینه

۱۰ پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند

۱۱ دروغ گفتن و فحش دادن و یا عیبی را از خود دور کند و به دیگری نسبت دهد و یا صفت خوبی را برای خود اثبات کند و از دیگری سلب نماید و احتیاط این است که از هر سخن زشت و عمل ناروا خودداری کند.

۱۲ جدال یعنی قسم خوردن که بگوید واللّه و یا نه واللّه چنین

است و یا چنین نیست.

۱۳ کشتن جانوران در بدن مثل شپش و کیک و کنه و احتیاط آن است که هیچ آسیبی به آنها نرساند.

۱۴ انگشتر در دست نمودن برای زینت ولی اگر برای ثواب باشد مانعی ندارد.

۱۵ پوشیدن زیور برای زن در صورتیکه بقصد زینت باشد.

۱۶ مالیدن روغن به بدن هرچند در آن بوی خوش نباشد.

۱۷ جداکردن مو از بدن چه از بدن خود و چه از بدن دیگری.

۱۸ پوشانیدن مرد سر و گوش خود را هرچند بوسیله دست خود باشد ولی پوشانیدن صورت مانعی ندارد.

۱۹ پوشانیدن زن صورت خود را هرچند کمی از آن باشد ولی می تواند مقابل نامحرم چیزی مقابل صورت بگیرد و باید طوری باشد که مثل نقاب نشود.

۲۰ سایه قرار دادن بالای سر برای مردها در حال راه پیمودن و در شب محل اختلاف است، ولی سایه قرار دادن برای اطفال و زنها مانعی ندارد و برای مردها هم در حال توقف مانعی ندارد.

۲۱ بیرون آوردن خون از بدن خود هرچند بوسیله خارش بدن و یا مسواک نمودن باشد.

۲۲ ناخن گرفتن هرچند کمی از ناخن باشد.

ص :۶۱

۲۳ کندن دندان هرچند خون ریزی نداشته باشد.

۲۴ کندن درخت و یا گیاهی که درحرم روئیده باشد.

۲۵ اسلحه و آلات جنگ بر خود بستن.

## آداب دخول مکّه و حرم

مستحب است با تواضع و سکینه وارد مکه و حرم شود و از تکبر نمودن و بزرگی و سرکشی پرهیز کند.

اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه با تواضع و سکینه وارد مکه شود آمرزیده می شود.کافی ج ۴/۴۰۱

و ابان بن تغلب گوید: همراه امام صادق علیه السلام بودم در سفر مکه چون حضرت به حرم رسید پیاده شد و غسل نمود و کفشهای خود را به دست گرفت و پا برهنه وارد حرم شد من هم چنین کردم پس حضرت فرمود: ای ابان هرکه اینچنین که دیدی احترام حرم کند خداوند صد هزار گناه از او برطرف کند و صد هزار حسنه باو عطا نماید و صد هزار درجه به او عطا کند و صد هزار حاجت او را قضا نماید.کافی ج ۴/۳۹۸

و مُحَمَّدبن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل نموده که مردی برآن حضرت وارد شد، حضرت فرمود از حجّ بازگشته ای؟ عرض کرد بلی، فرمود : میدانی ثواب حاجی چقدر است؟ گفت نه فدای شما شوم، امام باقر علیه السلام به او فرمود: کسیکه به قصد حجّ با تواضع وارد

مکه شود، و قدمها را برای عظمت و جلال خدا کوتاه بردارد، و طواف خانه خدا کند، و نماز طواف بخواند، خداوند هفتاد هزار حسنه برای او بنویسد، و هفتاد هزار گناه او را ببخشد، و هفتاد هزار درجه به او عطا فرماید، و شفاعت او را در هفتاد هزار حاجت بپذیرد، و پاداش آزاد نمودن هفتاد هزار بنده که قیمت هرکدام ده هزار درهم باشد به او عطا فرماید.بحار ج ۹۹/۲۰۲

## آداب وارد شدن به مسجدالحرام و دیدن کعبه

۱ با وضو و بدن و لباس پاک و نظیف وارد شود. (امام صادق علیه السلام ).تهذیب ج ۵/۲۵۱

۲ از باب بنی شیبه که الان مقابل باب السلام واقع است وارد شود. (سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله )

۳ وقتی کعبه را مشاهده کند بایستد و از شوق بگرید و رحمت الهی را طلب نماید. شخصی بنام افلح می گوید: با امام باقر علیه السلام وارد مسجدالحرام شدم برای انجام مناسک حجّ، چون چشم امام به کعبه افتاد صدای گریه از آن حضرت بلند شد، گفتم پدر و مادرم فدای شما خوب بود صدای مبارک را مقابل مردم کم می فرمودید؟ حضرت فرمود: وای برتو چرا گریه نکنم؟! من امید دارم خداوند نظر رحمت خود را فردای قیامت به من معطوف فرماید و من رستگار باشم. سپس حضرت مشغول طواف شدند و

بعد از طواف نزد مقام ابراهيم عليه السـلام نماز خواندند و چون سـرمبارک را از سـجده برداشـتند، ديدم آنقدر گريه کرده اند که محل سجده آن حضرت خيس شده است.کشف الغمه ج ۲/۳۲۹

۴ وقتی به درب مسجد می رسد بگويد:

السّـلام عليکَ ايّهاالنّبی و رحمه اللّه و برکاته بسم اللّه و باللّه و من اللّه و ماشاءاللّه و السّـلام علی انبياءاللّه و رسـله و السّلام علی رسول اللّه والسّلام علی ابراهيم و الحمدللّه ربّ العالمين.

ص: ۶۴

۵ و با خشوع و تواضع وارد مسجد شود و مقابل بیت یعنی کعبه دست به دعا بلند کند و بگوید: اَللّٰهُمَّ انّی اَسأَلُکَ فی مقامی هذا و فی اوّل مناسکی ان تقبل توبتی و ان تتجاوز عن خطیئتی و تضع عنّی وزری الحمدللّه الّذی بلّغنی بیته الحرام اَللّٰهُمَّ انّی اشهد انّ هذا بیتک الحرام الّذی جعلته مثابه للنّاس و امنا مبارکا و هدی للعالمین اَللّٰهُمَّ انّی عبدک و البلد بلدک و البیت بیتک جئت اطلب رحمتک و اؤمّ طاعتک مطیعا لامرک راضیا بقدرک اَسأَلُکَ مسأله المضطرّ الیک الخائف لعقوبتک اَللّٰهُمَّ افتح لی ابواب رحمتک و استعملنی بطاعتک و مرضاتک.کافی ج ۴/۴۰۱

۶ وقتی مقابل حجرالاسود واقع شود بایستد مقابل آن و بگوید:

«الحمد للّه الّذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لولا ان هدانا اللّه، سبحان اللّه و الحمدللّه و لااِلهَ اِلّااللّه واَللّهُ اَکْبَرْ، اَللّهُ اَکْبَرْ من خلقه و اکبر ممّن اخشی و احذر، و لااِلهَ اِلّااللّه وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و هو علی کلّ شی ء قدیر».

و صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت بفرستد و سلام بر همه پیامبران دهد سپس بگوید «اَللّٰهُمَّ انّی اومن بوعدک و اوفی بعهدک»

کافی ج ۴/۴۰۳

## فضیلت نماز و طواف در مسجد الحرام

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: نماز در مسجدالحرام معادل صد هزار نماز است و نماز در مسجد من معادل هزار نماز است و نماز در بیت المقدس معادل پانصد نماز است.کافی ج ۴/۵۲۶

و امام باقر علیه السلام فرمود: کسیکه یک نماز واجب در مسجدالحرام بخواهد خداوند نمازهای گذشته و آینده او را قبول فرماید.فقیه ج ۱/۲۲۸

و موسی بن سلام گوید: حضرت رضا وقتی عمره خود را تمام نمودند و با خانه کعبه وداع کردند به طرف پشت کعبه رو به کعبه نمودند و دستان مبارک را به دعا بلند کردند و به ما فرمودند: چه خوب محلی است برای درخواست و دعا، محلی که نماز درآن بهتر است از شصت سال نماز و یا فرمود یک ماه نماز که در غیرمسجدالحرام خوانده شود.عیون ج ۲/۱۷

و احمدبن مُحَمَّدبن ابی نصر گوید: از موسی بن جعفر علیه السلام سئوال کردم کسی نماز خود را در خانه های مکه به جماعت بخواند افضل است و یا فردا در مسجدالحرام بخواند؟ فرمود : فردا در مسجدالحرام افضل است.کافی ج ۴/۵۲۷

و مُحَمَّد ابن ابی عمیر از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

نقل می کند که فرمود: خداوند در کنار کعبه یکصد و بیست رحمت آماده فرموده که شصت رحمت آن برای طواف کنندگان است و چهل رحمت آن برای نمازگزاران و بیست رحمت باقیمانده برای نظرکنندگان به کعبه است.بحار ج **۹۹/۲۰۲**

**مکان های ارزشمند مسجدالحرام**

بهترین محل در مسجدالحرام، حطیم است

حسن بن جهم می گوید: از حضرت رضا علیه السلام سئوال کردم که

ص :۶۷

بهترین جائیکه نماز در آنجا افضل است کجا است؟ فرمود: حطیم است و آن مابین حجرالاسود و باب کعبه است؛ گفتم بعد از آن کجا افضل است؟ فرمود: نزد مقام ابراهیم علیه السلام . گفتم بعد از آن کجا افضل است؟ فرمود حجراسماعیل علیه السلام گفتم بعد از آن کجا افضل است؟ فرمود: هر جائیکه به کعبه نزدیکتر باشد.کافی ج ۴/۵۲۵

و امام صادق علیه السلام فرمود: بین رکن یمانی و حجرالاسود هفتاد پیغمبر مدفون شده اند.کافی ج ۴/۲۱۴

و حضرت رضا علیه السلام فرمود: در حجراسماعیل زیاد نماز بخوان و بکوش زیر ناودان باشد با فاصله یک متر طرف کعبه چراکه آنجا محل شبر و شبیر دو فرزند هارون است و در آنجا تا توانی دعا کن.

و اگر بتوانی تمام نمازهای خود را نزد حطیم بخوانی افضل است چون بهترین محل روی زمین آنجا است و حطیم مابین درب کعبه و حجرالاسود است و آنجا محلی است که خداوند توبه حضرت آدم را قبول نموده و بعد از حطیم، نماز داخل حجراسماعیل علیه السلام افضل است و بعد از حجراسماعیل، مابین رکن عراقی و بیت افضل است و آن محلی است که ابراهیم علیه السلام برآن می ایستاد و کعبه را بنا می نمود و بعد از آن جائی است که الان مقام ابراهیم علیه السلام قرار دارد و بعد از آن هرکجا که به بیت

نزدیکتر باشد افضل است.بحار ج ۹۹/۲۳۰

ابوحمزه ثمالی گوید: روزی زین العابدین علیه السلام به ما فرمودند: بهترین قسمت از زمین کجاست؟ عرض کردم خدا و رسول و فرزند رسول او بهتر می دانند. پس حضرت فرمود: بهترین نقاط روی زمین مابین رکن و مقام است (برای عبادت و بندگی خدا) آنگاه فرمود: و اگر کسی نهصد و پنجاه سال به اندازه عمر نوح پیغمبر علی نبیّنا واله و علیه السلام عمر کند و روزها روزه بگیرد و شبها در چنین محلی (یعنی بین رکن و مقام) عبادت کند ولی بدون ولایت ما خدا را ملاقات نماید این عبادت برای او سودی نخواهد داشت.

بحار ج ۹۹/۲۲۹

حجرالاسود

مستحب است قبل از طواف و بعد از طواف در هر دوری حجرالاسود را ببوسد و یا دست برآن گذارد و یا اگر ممکن نشد به آن اشاره کند از دور و بگوید: «بسم اللّه و باللّه و اَللّهُ اَكْبَر اَللّهُمَّ امانتی ادّیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاه».

حمادبن عثمان گوید: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: چه می فرمائید در باره استلام حجرالاسود؟ حضرت فرمود: رسول خدا استلام می کرد، آن مرد گفت پس چرا شما استلام نمی کنی؟! فرمود: خوش ندارم کسی را اذیت کنم و یا اذیت شوم، آن مرد گفت

گمان شما این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله استلام می کرده،؟ فرمود: بلی ولکن وقتی مردم پیغمبر را می دیدند به او راه می دادند و حق او را می شناختند ولی حق مرا نمی شناسند.

وسائل ابواب طواف باب ۱۶

بدانکه حجرالاسود سنگ سیاه رنگ بیضی شکلی است که در رکن شرقی کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام منصوب شده و مشهور آنستکه حجرالاسود در ابتداء سنگ سفیدی بوده و براثر

دستهای کفار و مشرکین و گنهکاران به وضع فعلی درآمده و این مطلب با اخباریکه از اهل بیت علیهم السلام رسیده تأیید می شود.

قبل از حجّ بخوانید ص ۸۷

رکن یمانی و مُستجار

رکن یمانی قبل از رکن حجرالاسود قرار گرفته و استلام این رکن نیز مستحب است و این رکن همان رکنی است که امام صادق علیه السلام در باره اش فرموده: رکن یمانی بابی است که ما خانواده از آن باب وارد بهشت می شویم.مجمع البیان ج ۲/۴۷۸

نقطه ای که قبل از رکن یمانی است «مستجار» نامیده می شود و مستجار جائی است که گناهکاران به آنجا پناهنده می شوند.

و امام صادق علیه السلام بابن عمار فرمود: چون در دور هفتم به پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برسی آنجا مستجار است شکم و صورت خود را بدیوار کعبه بچسبان و دست به دعا بردار و بگو: «اَللّٰهُمَّ البیت بیتک و العبد عبدک و هذا مکان العائذ بک من النّار».

پس اقرار کن بگناهان خود و طلب توبه و آمرزش کن که مشمول رحمت الهی می شوی.

مؤلف گوید: مخفی نماید که محل شکاف کعبه و دخول فاطمه بنت اسد مادر امیرالمومنین علیه السلام به کعبه همین جا است.وسائل ابواب طواف باب /۲۶

ناودان طلا

ناودان طلا در ضلع شمالی خانه قرار دارد و بالای حجراسماعیل واقع شده است. روایت شده که وقتی حضرت باقر علیه السلام نظرش به ناودان افتاد این کلمات را می خواند. «اَللّهُمَّ اعتق رقبتی من النّار و اوسع علیّ من رزقک الحلال و ادرأ عنّی شرّ فسقه الجنّ و الأنس و ادخلنی الجنّه برحمتک».وسائل : حجّ

ابن جبله گوید: یکی از دوستان در مکه مریض شد بطوریکه مشرف به مرگ بود از حیات او مأیوس شده بودیم پس من به امام صادق علیه السلام برخورد نمودم و حضرت جویای حال آن مریض شد عرض کردم او را در آستانه مرگ می بینم. فرمود: اگر خود را به او می رساندی و قدری از آب باران ناودان به او می دادی نیکو بود، پس من از دوستان و آشنایان جویای آب ناودان شدم نزد آنها نیافتم و در فکر بودم چه کنم، ناگهان رعد و برقی در آسمان پیدا شد و قطعه ابری ظاهر گردید و باران رحمت الهی بارید، من کوشیدم تا به مسجدالحرام رسیدم و قدحی از آب ناودان گرفتم و برکنار بستر رفیقم حاضر شدم و قدری از آن را به او نوشاندم طولی نکشید چشمش را گشود و از مرگ نجات یافت.بحار ج ۲۱/۵۶

حجراسماعیل علیه السلام

حجراسماعیل بشکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و

ص: ۷۲

سی سانت در جانب شمالی کعبه واقع شده و قبر آن حضرت و مادرش هاجر سلام اللّه علیهما در عرصه حجر در دو جانب ناودان طلا واقع شده و بنا به فرموده امام صادق علیه السلام قبور جمعی از انبیاء هم در این عرصه است.

مستحب است احرام حجّ تمتّع از مسجدالحرام در مقام ابراهیم علیه السلام و یا در حجراسماعیل علیه السلام زیر ناودان طلا بسته شود و زیر ناودان محل نزول رحمت و جای تضرع به درگاه خداوند است. و سزاوار است زیارت حضرت اسماعیل و هاجر و انبیاء مدفون در حجر علیه السلام ترک نشود.

مقام ابراهیم علیه السلام

آن سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام برای بناء کعبه برآن ایستاده و قبلاً نزدیک کعبه بوده و طبق روایتی که نقل شده مردم زمان جاهلیت آنرا در محل فعلی قرار دادند و رسول خدا صلی اللّه وعلیه وآله آنرا بجای اول منتقل فرمودند ولی باز در زمان خلافت خلیفه دوم ارجاع شد به همین محلی که فعلاًـ قرار دارد؛ معروف است که جای قدم حضرت ابراهیم علیه السلام در آن اثر گذارده و فاصله آن فعلاً تا کعبه سیزده متر و بیست و پنج سانتی متر است.علل الشرایع/ ۴۲۳

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند فضیلت داد مکه را و بعضی

از مواضع آن را فضیلت بیشتر داد و فرمود: «واتّخذوا من مقام ابراهیم مصلّی» (بقره/۱۲۵) یعنی مقام ابراهیم علیه السلام را برای نماز خود انتخاب نمائید. و همین بس برای فضیلت مقام ابراهیم علیه السلام که حجاج نماز طواف واجب را باید پشت آن به جا آورند.

چاه زمزم

چاه زمزم در جنوب مقام ابراهیم علیه السلام واقع شده و مبدأ پیدایش آن در تواریخ عامه و خاصه چنین ذکر شده که حضرت ابراهیم علیه السلام فرزند خود اسماعیل و مادر او هاجر را به اشاره الهیه به آن وادی آورد و چون کمی از روز برآمد و آب آنها تمام شد از تشنگی بی تاب شدند حضرت هاجر برای فرزندش در جستجوی آب برآمد و جبرئیل آمد و در آن نقطه پائی برزمین زد، از اثر پای جبرئیل و برکت اسماعیل چشمه آبی ظاهر گردید و آن آب طبق روایات آبی است میمون و مبارک و موجب شفاء

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آب زمزم برای هرچه نوشیده شود داروی آن خواهد بود.

علی علیه السلام فرمود: آب زمزم بهترین آب روی زمین است.محاسن ج ۲/۳۹۹

مستحب است حجاج بعد از طواف واجب آب زمزم را بنوشند و به قصد شفا بر سر و صورت و بدن خود بریزند و این دعا

را بخوانند:«اَللّهُمَّ اجعله علما نافعا و رزقا واسعا و شفاء من کلّ داء و سقم»کافی ج ۴/۴۳۰

پیراهن کعبه

مورخین گفته اند اول کسی که پرده کعبه را اهداء نمود (نبیله) مادر جناب عباس بن عبدالمطلب بود و سبب این اهداء آن بود که یکی از فرزنـدانش گم شـد و نذر نمود که اگر صاحب خانه کعبه فرزند گم شده اش را به او برگرداند پیراهنی از حریر بر کعبه بپوشانـد و چون فرزنـدش پیـدا شـد به نـذر خود وفا نمود. و بعضـی گفته اند: اول کسـی که برای کعبه پیراهن تهیه نمود حضرت اسماعیل علیه السلام بود.(کتاب قبل از حجّ بخوانید)

مُحَمَّد بن مسـلم به امـام صـادق علیه السـلام عرض کرد: مردی از حجاج قـدری از پیراهن و جامه کعبه را خریـده است آیا می توانـد درآن تصـرف نمایـد؟ حضـرت فرمود: اهداء و خرید و فروش و تبرک جسـتن به آن مانعی ندارد.وسائل ابواب مقدمات طواف باب /۱۲

## پناهنده شدن به پرده کعبه

مستجب است بر پرده کعبه آویخته و مثل گدایان مضطر و درمانده آنرا رها نکند تا حاجت خود را بگیرد، اصمعی گوید: شبی گرد خـانه کعبـه طـواف می کردم ناگـاه جـوان ظریـف الشـمائلی را که دوجـامه برتن داشت دیـدم که به پرده کعبه آویخته و پناهنده شده

ص: ۷۵

بود و می گفت: چشمها بخواب رفته و ستاره ها ظاهر شده و تو پادشاه زنده و قیومی، پادشاهان درب ها را بستند و نگهبانان برآن گماشتند. ولی باب تو بر همه سئوال کنندگان باز و مفتوح است آمده ام که نظر رحمتی به من فرمائی ای ارحم الراحمین.

«نامت العیون، و علت النّجوم، و انت الملک الحیّ القیّوم، غلّقت الملوک ابوابها و اقامت علیها حرّاسها، و بابک مفتوح للسائلین جئتک لتنظر الیّ برحمتک یا ارحم الرّاحمین».

سپس شروع کرد و این اشعار را خواند:

یا من یجیب دعاء المضطر فی الظلم یاکاشف الضر و البلوی مع السقم

قدنام و فدک حول البیت قاطبه و انت وحدک یا قیوم لم تنم

ادعوک رب دعاء قدامرت به فارحم بکائی بحق البیت و الحرم

ان کان عفوک لایرجوه ذوسرف فمن یجود علی العاصین بالنعم؟!

اصمعی گوید به دنبال او حرکت کردم دیدم او زین العابدین علیه السلام است.مناقب ج ۴/۱۵۱

و باز طاووس یمانی می گوید: در نیمه شب مردی را دیدم که

به پرده کعبه آویخته بود و می گفت:

الا ایها المامول فی کل حاجتی شکوت الیک الضرفا سمع شکایتی

الا یا رجائی انت کاشف کربتی فهب لی ذنوبی کلها و اقض حاجتی

فزادی قلیل لا اراه مبلغا اللزاد ابکی ام لبعد مسافتی؟

اتیت باعمال قباح ردیه فما فی الوری خلق جنی کجنایتی

اتحرقنی بالنار یا غایه المنی؟ فاین رجائی منک و این مخافتی؟!

گوید: نظر کردم دیدم او زین العابدین علیه السلام است عرض کردم ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله این چه ناله و جزعی است می کنید درحالیکه شما فرزند رسول خدا هستید و طفل صغیری می باشید؟! در جواب من فرمود: من نسبت به گفته تو در کتاب خدا چیزی ندیده ام ولی دیده ام که می فرماید: «ولایشفعون الّا لمن ارتضی و هم من خشیته مشفقون»

و امّا اینکه من فرزند رسول خدا هستم، بدانکه خدا فرموده: «فاذا نفخ فی الصّور فلا انساب بینهم یومئذ و لایتسائلون فمن ثقلت

موازینه فاولئک هم المفلحون و من خفّت موازینه فاولئک الّذین خسروا انفسهم فی جهنّم خالدون». و امّا اینکه می گوئی طفلی هستم پس بدان که من زیاد دیده ام که هیزم های بزرگ را بوسیله هیزم کوچک آتش می زنند سپس آنقدر گریست تا بحال غشوه درآمد.بحار ج ۹۹/۱۹۸

## طواف خانه کعبه

آنچه بعد از احرام و دخول به مسجدالحرام واجب است طواف خانه خدا است و باید از حجرالاسود شروع کند و هفت دور دور کعبه طواف نماید و دور هفتم به حجرالاسود ختم کند.

مؤلف گوید: بدانکه بهترین عمل در مسجدالحرام طواف خانه خداست پس سعی کن ای برادر و خواهر وقت خود را ضایع نکنی و از برکات بیشمار محروم نمانی تا در مکه هستی بعد از اعمال واجب بیشتر اوقات خود را در مسجدالحرام سپری کن و گرد خانه خدا طواف کن و نماز بخوان و دور کعبه با خدای خود راز و نیاز کن و در حال طواف ذکر خدا گوی و هرچه نداری بلکه آنچه خیر و خوبی هست از خدا طلب کن و طواف بنیابت چهارده معصوم علیهم السلام و اجداد رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدر و مادر و عموی آن حضرت و مادران ائمه علیهم السلام انجام بده که باعث خشنودی آنها خواهد بود و برای فرج حضرت بقیه اللّه علیه السلام حتما دعا کن شاید آن

عزیز کنار تو باشد و تو او را نمی شناسی و برای پدر و مادر و ذوی الحقوق خود طواف کن و فکر نکن از اجر تو چیزی کم می شود بلکه اجر تو چند برابر خواهد شد و یک طواف برای جمیع انبیاء علیهم السلام و یک طواف برای جمیع شهداء و صالحین و مومنین و مؤمنات و کسانیکه بتو التماس دعا گفته اند بجا آور، و از روی خیرخواهی به همه بندگان خدا دعا کن و این مقصر روسیاه را هم فراموش نکن و سعی کن لااقل پنجاه و دو طواف مستحب انجام دهی.

اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه یک طواف کند خداوند هزار حسنه به او عطا کند و هزار گناه او را ببخشد و هزار درجه او را بالا برد و ثواب آزاد کردن هزار بنده به او مرحمت فرماید و چون به ملتزم(۱) برسد درب های بهشت به روی او گشوده شود و به او بگویند از هر در که می خواهی وارد شو. اسحاق بن عمار می گوید: به حضرت عرض نمودم همه این ثوابها برای طواف است؟ فرمود: بلی چنین است. سپس فرمود: آیا به تو خبر بدهم از عملی که بهتر از طواف باشد؟ گفتم بفرمائید فرمود: هرکه حاجتی را برای برادر مؤمن خود انجام دهد خداوند



---

۱- ۱- ملتزم پشت کعبه قبل از رکن یمانی است و به آن ملتزم می گویند چون مستحب است طواف کننده بدن خود را به آن بچسباند.

پاداش ده طواف به او خواهد داد.بحار ج ۹۹/۲۰۳

## طواف موجب آمرزش است

امام صادق علیه السـلام فرمود: وقتی حضرت آدم علیه السلام طواف نمود و به ملتزم رسید جبرائیل به او گفت: به گناهان خود در این مکـان اقرار کن، پس آدم توقـف نمـود و عرض کرد خـدایا هر عـاملی را اجری هست و من طـواف نمـودم پـاداش من چیست؟ خطـاب شـد هر چه می خـواهی بخواه، آدم عرض کرد آمرزش می خواهم، خطـاب شـد تو را بخشـیدیم، عرض کرد فرزندانم را؟ خطاب شد ای آدم هرکه از فرزندان تو اینجا آید و طواف کند او را خواهیم بخشید.

بحار ج ۹۹/۲۰۳

## تذکرات ضروری نسبت به طواف مستحبی

۱ در طواف مستحبی باید توجه داشت که مزاحم دیگران که طواف واجب انجام می دهند نشویم.

۲ یک طواف مستحبی قبل از اعمال حجّ و رفتن به منی و عرفات افضل از هفتاد طواف است که بعد از حجّ انجام داده شود.

۳ مسـتحب است انسان ده طواف در هر شـبانه روز انجام دهـد، اول شب «سه طواف»، آخر شب «سه طواف» بعـد از صـبح «دو طواف» و بعد از ظهر «دو طواف.»وسائل ۹/۳۹۶

## دعاهای طواف

مولف گوید: در بعضی از کتابها این دعاها را تقسیم بر اشواط طواف نموده اند، برای اینکه طواف کننده در تعداد دورها شک نکند. لذا لازم دیدم محل خواندن آنها را در اطراف کعبه معین کنم

دعای شوط اول :

اَللّهُمَّ انّی اَسأَلُکَ باسمک الّذی یمشی به علی ظلل الماء کما یمشی به علی جدد الارض و اَسأَلُکَ باسمک الّذی یهتزّ له عرشک و اَسأَلُکَ باسمک الّذی تهتزّ له اقدام ملائکتک و اَسأَلُکَ باسمک الّذی دعاک به موسی من جانب الطّور فاستجبت له و القیت علیه محبّه منک و اَسأَلُکَ باسمک الّذی غفرت به لمحمّد صلی الله علیه و آله ما تقدّم من ذنبه و ماتأخّر و اتممت علیه نعمتک ان ترزقنی خیرالدّنیا و الاخره، پس حاجت خود را بطلب.

دعای شوط دوم :

این دعا برای وقتی است که طواف کننده مقابل درب کعبه واقع شود. «اَللّهُمَّ صلّ علی مُحَمَّد و آل مُحَمَّد بافضل صلواتک و برکاتک اَللّهُمَّ انّی الیک فقیر و انّی خائف مستجیر فلا تغیّر جسمی و لا تبدّل اسمی سائلک فقیرک مسکینک ببابک فتصدّق علیه بالجنّه اَللّهُمَّ

ص :۸۱

البیت بیتک و الحرم حرمک و العبد عبدک و هذا مقام العائذ بک المستجیر بک من النّار فاعتقنی و والدیّ و اهلی و ولدی و اخوانی المؤمنین من النّار یا جواد یا کریم

دعای شوط سوم :

این دعا وارد شده برای وقتیکه مقابل ناودان قرار گیرد سر را بالا می کند و می گوید: «اَللّهُمَّ ادخلنی الجنّه و اجرنی من النّار برحمتک و عافنی من السّقم و اوسع علیّ من الرّزق الحلال و ادرأ عنّی شرّ فسقه الجنّ و الأنس و شرّ فسقه العرب و العجم».

و چون از حجراسماعیل علیه السلام بگذرد و به پشت کعبه رسد بگوید: «یاذا المنّ و الطّول یا ذا الجود و الکرم انّ عملی ضعیف فضاعفه لی و تقبله منّی انّک انت السّمیع العلیم».

دعای شوط چهارم :

این دعا وارد شده برای وقتیکه به رکن یمانی برسد، دست بردارد و بگوید: «یا اللّه یا ولیّ العافیه و خالق العافیه و رازق العافیه و المنعم بالعافیه و المنّان بالعافیه و المتفضّل بالعافیه علیّ و علی جمیع خلقک یا رحمن الدّنیا و الاخره و رحیمهما صلّ علی مُحَمَّد و آل مُحَمَّد و ارزقنا العافیه و تمام العافیه و شکرالعافیه فی الدّنیا و الاخره یا ارحم الرّاحمین.

ص :۸۲

دعای شوط پنجم :

این دعا وارد شده برای وقتیکه مقابل رکن یمانی برسد سربجانب کعبه بالا کند و بگوید: «الحمدللّه الّذی شرّفک و عظّمک و الحمدللّه الّذی بعث مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله نبیّا و جعل علیّا اماما اَللّهُمَّ اهدله خیار خلقک و جنّبه شرار خلقک» و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود برسد بگوید: «ربّنا آتنا فی الدّنیا حسنه و فی الاخره حسنّه و قنا عذاب النّار».

دعای شوط ششم :

این دعا فقط در بعضی از کتب ادعیه بدون سند ثبت شده و بجائی هم نسبت داده نشده رجاء خوانده شود. «اَللّهُمَّ ان عندی افواجا من خطایا و عندک افواج من رحمه و افواج من مغفره یا من استجاب لابغض خلقه اذقال انظرنی الی یوم یبعثون استجب لی». پس بگوید «اَللّهُمَّ قنعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما آتیتنی». (این قسمت در رساله امام خمینی موجود است).

دعای شوط هفتم :

این دعا وارد شده در شوط هفتم وقتی به مستجار رسد، دو

دست خود بر دیوار خانه گشاید و شکم و روی خود را به کعبه گذارد و بگوید: «اَللّهُمَّ البیت بیتک و العبد عبدک و هذا مقام العائذ بک من النّار اَللّهُمَّ من قبلک الرّوح و الفرج و العافیه اَللّهُمَّ ان عملی ضعیف فضاعفه لی و اغفرلی ما اطلعت علیه منّی و خفی علی خلقک استجیر باللّه من النّار».مناسک امام خمینی رحمه..

مؤلف گوید: مخفی نماند بر حجاج و زائرین که دعا، مقید به آنچه ذکر شد نیست بلکه شما هر دعای مشروعی را به هر زبانی بخواهید می توانید بخوانید و آنچه مهم است توجه و لذت مناجات با خدای کریم است و اینکه در حال طواف غافل نباشیم.

## قبولی توبه آدم علیه السلام با نام مُحَمَّد و آل مُحَمَّد علیهم السلام

در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: خداوند تبارک و تعالی چون در وقت میثاق و گرفتن عهد بنده گی از فرزندان آدم علیه السلام فرزندان او را براو عرضه نمود آدم برخورد نمود بین فرزندان خود به پیامبراسلام صلی الله علیه و آله در حالیکه آن حضرت بر علی و فاطمه تکیه زده و حسن و حسین علیهم السلام کنار آنها بودند پس به او خطاب شد ای آدم مواظب باش به آنها حسد نورزی والاتر را از جوار خود دور خواهم نمود ولی موقعی که آدم را خداوند در بهشت ساکن نمود و سیمای مُحَمَّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را مقابل او قرار داد آدم به آنها نگاه حسد نمود و چون

ولایت آنها براو عرضه شـد انکار کرد و بـدین سـبب از بهشت رانـده شد. و چون از حسد خود توبه کرد و اقرار به ولایت آنها نمود و خـدا را به حق آنهـا قسم داد آمرزیـده شـد، و این است معنای قول خداونـد که می فرمایـد: «فتلقّی آدم من ربّه کلمات فتاب علیه انّه هو التّوّاب الرّحیم».بحار ج ۱۱/۱۸۷

و از امام باقر علیه السـلام نقل است که فرمود: کلماتیکه آدم علیه السـلام بوسـیله آنها توبه کرد و خداوند توبه او را قبول نمود این کلمات بود: «اَللّهُمَّ لااله الاّ انت سـبحانک و بحمدک عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفرلی انّک انت التّوّاب الرّحیم، لااله الاّ انت سبحانک و بحمدک عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفرلی انّک انت خیرالغافرین.

بحار ج ۱۱/۱۸۱

مؤلف گوید: در روایتی هم که قبلاً نقل شد آمده بود که چون آدم علیه السـلام کعبه را بنا نمود و گرد آن طواف کرد عرض کرد خدایا برای هر عمل کننده ای پاداشی است پاداش من چیست؟ خطاب شد بخواه هرچه می خواهی، آدم آمرزش خواست خطاب شـد تو را آمرزیـدیم ... مولف گویـد: از روایات فوق ظاهر می شود، هرسه چیز مؤثر است در آمرزش، نـدامت توسـل انتخاب محل دعا

## طواف نیابت برای رسیدن به حاجت

داود رقی گوید: به امام ششم علیه السلام عرض کردم از مردی

طلبکارم و طلب مرا نمی دهـد چکنم؟ امام فرمود: برای عبدالمطلب، و عبداللّه، و آمنه، و فاطمه بنت اسد علیه السـلام هر کدام یک طواف و دو رکعت نماز بجا آور و از خداوند مسئلت نما، مالت را بتو برمی گرداند.

داود می گوید: چنین کردم، و چون از باب صفابیرون آمدم دیدم بدهکار من آمده و می گوید: بیا مال خود را بگیر.

فروع کافی ج ۴/۵۴۴

## پاداش طواف مستحب

امـام صـادق علیه السـلام می فرمایـد: پـدرم می فرمود: کسـیکه طواف کعبه کنـد و نمـاز طواف را درهرکجای مسـجد بخواند خداوند شـش هزار حسـنه به او عطا کند و شش هزارگناه از او ببخشد و شش هزار درجه به او عطا فرماید و شش هزار حاجت او را برآورده نماید بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت.کافی ج ۴/۴۱۱

## طواف وداع

امام صادق علیه السـلام می فرماید: سزاوار است کسیکه اعمال حجّ را تمام نموده ومی خواهد از مکه خارج شود، طواف وداع انجام دهد و بین درب کعبه و حجرالاسود دست بدعا بلند نموده و آنچه می خواهد بگوید سپس با کعبه خداحافظی کند.

و امـام هشـتم علیه السـلام فرمود: هر وقت خواستی از مکه خـارج شوی طواف وداع نما و تمام ارکان کعبه را اسـتلام کن و از خـدای خود بخواه که این آخرین سـفر تو نباشـد و چون از طواف فـارغ شـدی مقابـل حجرالاسود بایست و زیاد دعا کن و در حالیکه برمی گردی بگو: «آئبون تائبون لربّنا حامدون والی اللّه راغبون و الیه راجعون» و از پائین مکه خارج شو و چون به باب حنّاطین رسـی رو بقبله سـجده شـکر کن و از خداوند درخواست قبولی نما و بگو: خدایا : تقبّل منیّ و لاتجعله آخر عهدی الی بیتک و سپس به زیارت قبر رسول خدا برو و ... بحار ج ۹۹/۳۷۱

## نماز طواف

سومین واجبِ عمره تمتّع نمـاز طواف است و آن دو رکعت است، هماننـد نمـاز صبح که بایـد پشت مقام ابراهیم علیه السـلام خوانده شود، ولی نماز طواف مستحبی را هرکجای از مسجدالحرام می تواند بخواند و کلًا نماز طواف را می تواند بلند بخواند یا آهسته بخواند. و باید نماز را صحیح بخواند لذا لازم است قبل از تشرف به حج نماز خود را کاملا" اصلاح کند.

قال اللّه سـبحانه : واتّخذوا من مقام ابراهیم مصلّی ... (بقره/۱۱۹) (یعنی مقام و محل ایسـتادن حضـرت ابراهیم علیه السلام ) را برای نماز انتخاب نمائید.)

ص: ۸۷

شیخ طوسی در تهذیب از امام صادق علیه السلام نقل نموده که مقصود نماز طواف واجب است. ودر تفسر مجمع البیان از آن حضرت نقل شده که سه سنگ است که از بهشت فرود آمده: سنگی که حضرت ابراهیم علیه السلام برآن ایستادند و کعبه را بنا نمودند، و حَجَرالاسود و حَجَربنی اسرائیل.تفسیر صافی

ص :۸۸

و در بعضی از روایات آمده که امام ششم علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفت و چنین گفت: «سجد لک وجهی تعبّدا ورقّا لااله الّا انت حقّا حقّا الاوّل قبل کلّ شی ء والاخر بعد کلّ شی ء و ها انا ذا بین یدیک ناصیتی بیدک فاغفرلی انّه لایغفر الذّنب العظیم غیرک فاغفرلی فانّی مقرّ بذنوبی علی نفسی و لا یدفع الذّنب العظیم غیرک و در روایت است که بعد از سجده از بس گریه کرده بودند چنین بود که گویا صورت مبارکشان در آب فرو رفته است.راهنمای حرمین/۲۱۸

## حمایت خداوند از خانه کعبه

امام صادق علیه السلام از آباء گرامش نقل می فرماید: که چون پادشاه حبشه در یمن قدرت پیدا نمود لشکری تشکیل داد با رهبری دو فرمانده بنام ابرهه و ارباط بـا ده فیل مزین که با هر فیلی ده هزار رزمنده همراه بودند و آنها را برای خراب کردن کعبه طرف مکه فرستاد پس چون نزدیک مکه رسیدند شروع بغارت نموده و از آن جمله شتران حضرت عبدالمطلب علیه السلام را غارت کردند.

حضرت عبدالمطلب علیه السلام نزد ابرهه آمدند و او در قبه ای از دیباج بر تختی نشسته بود و بر او سلام کردند و او جواب داد و از بس حضرت عبدالمطلب زیبا و با هیبت بودند ابرهه در جمال و جلال او مانده و متعجب بود و به حضرت عبدالمطلب گفت آیا این نور و جمال مخصوص شما است و یا در پدران شما هم بوده

است؟ حضرت فرمود: بلی پدران من هم دارای چنین نور و جمالی بوده اند، ابرهه گفت حقا شما بر همه پادشاهان برتری دارید و بزرگی حق شما است، سپس او را درکنار خود جای داد و دستور داد فیل اعظم خود را که به انواع زیورها مزین شده بود و پادشاه به آن مباهات می نمود مقابل حضرت عبدالمطلب حاضر نمودند. فیل بزرگ وقتی مقابل حضرت عبدالمطلب قرار گرفت سجده کرد و بزبان فصیح عربی سلام بر حضرت عبدالمطلب نمود و چون ابرهه این منظره را دید تعجب نمود و فکر کرد او ساحر است و دستور داد فیل را برگرداندند.

سپس رو به حضرت عبدالمطلب کرد و گفت: خواسته شما چیست؟ من سخاوت و کرم و فضل و جلال و جمال و هیبت و بزرگی شما را دریافتم و لازم شد که خواسته شما راهرچه که هست برآورده کنم و البته فکر می کرد که عبدالمطلب برای انصراف او از این تصمیم آمده است. اما عبدالمطلب علیه السلام در جواب فرمود: لشکر تو شتران مرا گرفته و غارت نموده اند دستور ده که به من رد کنند. ابراهه از گفته او به خشم آمد و گفت از چشم من ساقط شدی من فکر می کردم آمده ای از خانه شرف خود و قوم خود و خانه ای که از اطراف به زیارت او می آیند حمایت کنی؟! در حالیکه چنین مسأله مهم را رها کرده و بدنبال شتران خود آمده ای!!

ص :۹۰

حضـرت عبـدالمطلب علیه السـلام فرمود: خانه ای که تو قصد خراب کردن آن را داری مربوط به من نیست من صاحب شتران خود هسـتم و صاحب این خانه کسـی است که از همه مردم تواناتر است بر حمایت از خانه خود ابراهه گفت: شتران او را به او برگردانید و با لشـکر خود بطرف مکه برای تخریب بیت اللّه حرکت کرد اما چون نزدیک مکه رسـیدند و خواستند داخل حرم شونـد، فیـل ها توقف نموده هرچه آنها را حرکت می دادنـد حرکت نمی کردنـد و وقتی آنها را رها می کردنـد آنها به خارج حرم برمی گشـتند. در این وقت حضرت عبدالمطلب علیه السلام به غلامان خود فرمود: فرزندم عبداللّه پدر بزرگوار رسول اللّه صلی الله علیه و آله را خبر کنید و چون حضـرت عبداللّه علیه السلام خدمت پدر رسید حضرت عبدالمطلب علیه السلام فرمود. فرزنـد عزیزم بر بالای کـوه ابی قـبیس برو و بـبین چه می بینی و کیاننـد طرف مکه می آینـد؟! و مرا خـبر ده، آنگـاه حضـرت عبـدالمطلب بر کوه ابوقبیس بالا رفت چون ملاحظه فرمود دیـد لشـکر خدا بصورت طیر ابابیل (پی سوره) مثل سـیل فشـرده بر کوه ابوقبیس آمـده و سپس بالای کعبه آمدنـد و هفت شوط طواف نموده و سـعی صـفا و مروه کردند. حضـرت عبداللّه علیه السـلام آمـد و پـدر را خبر کرد، حضـرت عبـدالمطلب فرمود: باز نظر کن که چه می کننـد و مرا خبر ده حضـرت عبداللّه علیه السلام نگاه کرد دید ابابیل بطرف لشگر ابرهه می روند پدر را باخبر نمود.

در این هنگام بود که حضرت عبدالمطلب علیه السلام به اهل مکه خطاب کرد: بروید طرف لشکر ابرهه و غنائم خود را بگیرید (که خدای کعبه با لشکر خود دشمن را نابود نمود).

امام صادق علیه السلام فرمود: چون اهل مکه بطرف لشکر ابرهه آمدند دیدند آنها مثل چوب خشکیده روی زمین ریخته اند و هر پرنده ای از ابابیل سه سنگ با خود داشت یکی در منقار و دوتا در پاها که با هر سنگی یکی از آن قوم را نشان می گرفت و چون ابابیل همه آنها را به هلاکت رساندند متفرق شدند و تاکنون کسی مثل آنها را ندیده بود و بعدا هم دیده نشدند. و چون پیروزی حاصل شد حضرت عبدالمطلب کنار کعبه آمد و پرده کعبه را گرفت و گفت:

یا حابس الفیل بذی المغمّس حبسته کانّه مکوکس

فی مجلس تزهق فیه الانفس

امالی طوسی ج ۱/۷۸ و امالی مفید /۳۱۲

### در کعبه فقط علی علیه السلام بدنیا آمد!!

یزیدبن قعنب گوید: من با عباس بن عبدالمطلب و عده ای از قبیله عبدالعزی مقابل کعبه نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد (مادر امیرالمومنین علیه السلام ) وارد شد و مشغول طواف خانه خدا گردید و از حمل او نه ماه گذشته بود که ناگهان درد محاض و زایمان براو ظاهر شد (و چون بیچاره گشت) صدا زد پروردگارا من ایمان بتو و آنچه از

طرف تو آمده دارم و اعتقاد به همه پیامبران و کتب آسمانی و کلام جدم ابراهیم خلیل علیه السلام که این خانه را بنا نموده دارم و تو را قسم می دهم به حق کسیکه کعبه رابنا نمود و به حق فرزندی که در شکم دارم که درد زایمان و ولادت را برمن آسان نمائی.

یزیدبن قعنب گوید: همگی مشاهده کردیم که یکباره کعبه از پشت گشوده شد و فاطمه بنت اسد وارد کعبه گردید و از مقابل چشم ما پنهان گردید و دوباره دیوار کعبه پیوسته شد و چون همگی به طرف درب کعبه رفتیم و هرچه کوشش کردیم درب کعبه باز نشد فهمیدیم این از اسرار الهیه است. پس روز چهارم فاطمه بنت اسد در حالیکه فرزند نورانی خود را روی دست داشت از همان موضع کعبه خارج شد و در آن حال می فرمود:

خداوند مرا بر زنهای پیشین فضیلت داد چرا که آسیه بنت مزاحم عبادت خدا کرد در جائیکه مطلوب برای عبادت نبود مگر اضطرارا و مریم دختر عمران در بیابان زایمان کرد و درخت خرمای خشکیده براو سبز شد و از آن خرما تناول نمود ولکن من برای زایمان داخل خانه خدا شدم و از میوه های بهشتی تناول نمودم (و چند روز میهمان خدا بودم) و وقتی خواستم خارج شوم هاتفی به من نداء، کرد: نام این فرزند را علی بگذار پس او علی نام دارد و خداوند علیّ اعلا می فرماید: من نام او را از نام خود مشتق نموده و

خود او را مودب نمودم و او را بر اسرار علم خود آگاه ساختم و او کسی است که بت ها رااز خانه من پائین می آورد و می شکند و او کسی است که بر بام کعبه من اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند، پس خوشا به حال کسانیکه او را دوست می دارند و از او پیروی می نمایند، و وای بر کسانیکه دشمن او هستند و با او مخالفت می کنند.بحار ج ۳۵/۸

## حضور صاحب الامر روحی فداه در موسم حجّ

مُحَمَّدبن عثمان عمری رضی اللّه عنه که از نوّاب اربعه است می گوید: به خدا قسم صاحب این امر همه ساله در موسم حجّ حاضر است، مردم رامی بیند و می شناسد و مردم هم او را می بینند ولی نمی شناسند.فقیه ج ۲/۳۰۷ / وسائل ج ۸/۹۶

و عبدالله بن جعفر حمیری گوید: از مُحَمَّد بن عثمان عمری رضی الله عنه پرسیدم آیا حضرت صاحب الامر را دیده ای؟

فرمود : بلی آخرین مرتبه ای که آن حضرت را دیدم کنار کعبه بود که به درگاه خداوند عرض می نمود: «اَللّهُمَّ انجزلی ما وعدّتنی» یعنی خدایا به وعده ای که به من داده ای عمل کن.

مُحَمَّد بن عثمان رضی اللّه عنه می گوید: و باز آن حضرت را دیدم که در مستجار بود و دست بر پرده کعبه داشت و می گفت: «اَللّهُمَّ انتقم لی من اعدائک» یعنی خدایا انتقام مرا از

دشمنانت بگیر.وسائل ج ۸/۹۹

## ملاقات با حضرت بقیه الله علیه السلام در کنار کعبه

شیخ طوسی در کتاب غیبت خود از ابی نعمیم مُحَمَّدبن احمد انصاری نقل می کند که می گوید: من و قریب سی نفر نزد مستجار در کنار کعبه جمع بودیم و از این جمعیت فقط مُحَمَّدبن قاسم علوی از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام بود پس همانطور که نشسته بودیم و آن روز روز ششم ذی حجه سال ۲۹۳ هجری بود، ناگهان جوانی از طواف خارج شد که دو جامه احرام دربر داشت و کفشهایش را به دست گرفته بود پس چون او را دیدیم همگی از هیبت و بزرگواری او به پا خواستیم او برما سلام کرد و بین ما نشست و ما گرد او بودیم سپس نگاهی به اطراف خود نمود و فرمود: آیا شما می دانید امام صادق علیه السلام در راز و نیاز خود با خدا چه می گفت؟ همگی عرض کردیم: چه می گفت: فرمود: می گفت:

اَللّهُمَّ انّی اَسأَلُکَ باسمک الّذی به تقوم الّسماء، و به تقوم الارض، و به تفرق بین المجتمع و به احصیت عدد الرّمال و زنه الجبال، ان تصلّی علی مُحَمَّد و آل مُحَمَّد و ان تجعل لی من امری فرجا (و مخرجا) و سپس از بین ما برخاست و مشغول طواف شد و به احترام او همگی قیام کردیم تا از ما جدا شد و فراموش کردیم بین خود راجع به او صحبت کنیم و بگوئیم او که بود و چه بود؟

و باز روز بعد مقابل مستجار نشسته بودیم که مانند روز قبل بین ما آمد و به اطراف خود نظر فرمود و گفت: آیا می دانید امیرالمومنین علیه السلام بعد از نماز واجب چه می خواند؟ ما گفتیم بفرمائید او چه می خواند؟ فرمود، علی علیه السلام می خواند: «الیک رفعت الاصوات و دعیت الدّعوات و لک عنت الوجوه ولک خضعت الرّقاب و الیک التّحاکم فی الاعمال یا خیر من سئل و یا خیر من اعطی یا صادق یا باریٔ یا من لایخلف المیعاد یا من امر بالدّعاء و وعد بالاجابه یا من قال : «واذا سالک عبادی عنّی فانّی قریب اجیب دعوه الدّاع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیومنوا بی لعلّهم یرشدون» و یا من قال: «یا عبادی الّذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمه اللّه انّ اللّه یغفرالذّنوب جمیعا انّه هو الغفور الرّحیم». سپس نظر به اطراف خود نمود و فرمود: می دانید علی امیر المومنین علیه السلام در سجده شکر چه می گفت؟ گفتیم او چه می گفت؟ فرمود: او می گفت: «یا من لایزیده کثره العطاء الاّ سعه و عطاء یا من لاینفد خزائنه یا من له خزائن السّموات و الارض یا من له خزائن ما دقّ و جلّ لایمنعک اسائتی من احسانک انت تفعل بی الّذی انت اهله فانت اهل الجود و الکرم و العفو و التّجاوز یا ربّ یا اللّه لا تفعل بی الّذی انا اهله فانّی اهل العقوبه و قد استحققتها لاحجّه لی و لا عذر لی عندک ابوؤ لک بذنوبی کلّها و اعترف بهاکی تعفو عنّی و انت اعلم بها منّی ابوؤ لک بکلّ ذنب اذنبته و کلّ خطیئه احتملتها و کلّ سیّئه عملتها

ربّ اغفرلی و ارحم و تجاوز عمّا تعلم انّک انت الاعزّ الاکرم».

و سپس برخاست و وارد طواف شد و ما به احترام او قیام نمودیم و باز روز بعد در همان وقت و به همان کیفیت گذشته آمد و بین ما نشست و فرمود: علی بن الحسین سیدالعابدین در این موضع (و اشاره نمود به دست مبارک به حجراسماعیل زیر ناودان) در سجده خود می گفت: «عبیدك بفنائک، مسکینک بفنائک، فقیرك بفنائک، سائلک بفنائک، یسالك ما لایقدر علیه غیرُك» و سپس از بین ما روی مبارك به مُحَمَّدبن قاسم نمود و فرمود: ای مُحَمَّدبن قاسم تو بر راه خیر هستی انشاءاللّه و مُحَمَّدبن قاسم معتقد به امامت آن حضرت و آباءشان بود. و باز حرکت نمود و وارد طواف شد در حالیکه همه ما دعاهائیکه فرموده بود در خاطر داشتیم ولی تا روز آخر فراموش می کردیم که قصه او را بین خود در میان گذاریم.

پس ابوعلی که یکی از رفقای ما بود گفت: آیا شناختید این آقا را؟ به خدا قسم او امام زمان علیه السلام بود، گفتیم تو از کجا دانستی؟ گفت من هفت سال بود دعا می کردم و از خدا می خواستم که آقا را ببینم.

ابوعلی محمودی می گوید: دیگر آقا را ندیدیم تا روز عرفه شد بعد از ظهر روز عرفه دیدم همان آقا مشغول به دعا بود از او سئوال کردم شما (ممّن هو؟) از چه گروه هستید؟ فرمود: از این

مردم هستم. گفتم از کدام این مردم؟ فرمود: از عرب آنها هستم. گفتم از کدام از عربها هستید؟فرمود: از اشرف آنها هستم. گفتم اشرف آنها کدام است؟ فرمود: بنی هاشم، گفتم از کدام از بنی هاشم هستید؟ فرمود: از طبقه بلند مرتبه و والای آنهایم، گفتم آنها کدامند؟ فرمود، آنهائیکه در شبانگاه که مردم بخواب اند عبادت خدا می کنند و به زیردستان اطعام طعام می نمایند. پس من فهمیدم که او از علویه و سادات است و او را چون از علویه بود دوست داشتم.

اما چون به جستجوی او رفتم و اطراف خود را نظر کردم دیگر او را ندیدم پس از مردمی که در اطراف او بودند سئوال کردم او که بود؟ گفتند او همه ساله با ما پیاده به حجّ می آید. گفتم به خدا قسم من از او اثر پیاده آمدن به حجّ ندیدم. پس از عرفات به مزدلفه آمدم و بسیار غمگین و پریشان بودم از فراق او و اینکه آقا را نشناختم!!! تا اینکه در آن شب رسول خدا صلی الله علیه و آله رادر خواب دیدم فرمود: ای احمد مطلوب خود را دیدی؟ عرض کردم کدام مطلوب؟ فرمود: آن آقائیکه روز قبل دیدی او امام زمان تو بود. ابونعیم انصاری می گوید: این سخنان را که از ابوعلی محمودی راجع به آن حضرت شنیدیم او را عتاب کردیم که تو برای چه زودتر او را به ما معرفی نمی کردی؟ او گفت: تا این ساعت فراموش

می کردم قصه اورا.بحار ج ۵۲/۶

## وجوب سعی و وجه نامگذاری صفا و مروه

واجب چهارم، از واجبات عمره تمتّع، سعی بین کوه صفا و مروه می باشد و باید از کوه صفا شروع و به مروه ختم کند و فاصله بین دو کوه حدود «۴۲۰ متر» است و هر رفت و آمد دو بار محسوب می شود، و باید این عمل را مانند بقیه اعمال حجّ با قصد قربت وبرای انجام فرمان خداوند انجام دهند. در روات آمده که

حاجی همین که سعی صفا و مروه کند از گناهان خود خارج می شود و در روایت دیگر است: که ملائکه برای او شفاعت می کنند و شفاعت آنان قبول می گردد.وسائل ج ۹/۵۱۲

مرحوم طریحی در مجمع البحرین می نویسد: در حدیث است که کوه صفا به این جهت صفا نامیده شده که چون حضرت صفی اللّه آدم علیه السلام به هنگام هبوط برآن قرار گرفت نام این قطعه از کوه از نام آن حضرت مأخوذ شده است و همچنین کوه مقابل صفا که نیز حضرت حوا برآن هبوط کرد آن قطعه هم از نام او که مرئه باشد گرفته شده.

## حکمت وجوب سعی صفا و مروه و پیدایش آب زمزم

قال اللّه سبحانه : ربّنا انّی اسکنت من ذرّیتی بواد غیر ذی زرع

عند بیتک المحرّم ربّنا لیقیموا الصّلاه فاجعل افئده من النّاس تهوی الیهم و ارزقهم من الثّمرات لعلّهم یشکرون.ابراهیم /۵۳

در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام در بادیه شام ساکن بود و چون فرزندی از هاجر خداوند به اوعطا فرمود، ساره، عیال دیگرش شدیدا غصه مند شد و ابراهیم و هاجر را آزار می داد پس ابراهیم علیه السلام به خدا شکایت نمود از سوء خلق ساره خداوند به او وحی نمود که مثل زن بدخلق مثل استخوانی است که کج جوش خورده باشد اگر او را به خود واگذاری بهره خود را از او می بری و اگر بخواهی کجی او را برطرف کنی آنرا می شکنی وبی بهره می شوی.

سپس خداوند ابراهیم را امر کرد که هاجر و اسماعیل را از آن محل خارج کند ابراهیم علیه السلام عرض کرد: خدایا، آنها را کجا ببرم؟ خطاب شد آنها را کنار کعبه که حرم امن من و اولین بقعه روی زمین است ببر، پس جبرئیل براق را آماده کرد و اسماعیل و هاجر و ابراهیم علیه السلام را سوار نمود و در مسیر راه به هر جای سبز و خرمی می رسیدند حضرت ابراهیم می فرمود اینجا اینجا و جبرئیل می فرمود: نه تا اینکه آنها را درکنار کعبه گذارد و ابراهیم علیه السلام با ساره وعده کرده بود که هر کجا هاجر و اسماعیل را زمین گذارد خود پیاده نشود تا برگردد بطرف ساره، پس هاجر و اسماعیل در کنار

کعبه تنها ماندنـد و چون هوا گرم بود هاجر عبائی داشت بر روی درخت خشـکیده ای انداخت و زیر سایه آن نشسـتند و چون ابراهیم خواست از آنهـا جـدا شود هـاجر صـدا زد برای چه مـا را در جائیکه نه انسانی و نه آب و گیاهی هست رها می کنی؟! ابراهیم فرمود: خدائیکه مرا چنین دسـتوری داده او حافظ شـما است ولی چون برگشت و پائین مکه رسـید بر آنها رقت نمود و رو به طرف آنها کرد و گفت: خـدایا من زن و فرزنـد خود را کنار خانه تو گـذاردم تا نماز رابرپا کننـد پس تو دلهای بندگان خود را متوجه آنها گردان و از همه میوه ها آنها را روزی کن تا شاید شاکر تو باشند و برگشت طرف ساره.

و چون هاجر و اسماعیل تنها ماندند و هوا گرم شد اسماعیل تشنه شد و از مادر درخواست آب نمود هاجر آمد بالای کوه صفا و نداء کرد آیا کسـی در این وادی هست؟ و آیا انیسی در این کوهسار یافت میشود؟ و چون جوابی نشنید رو بطرف کوه مروه کرد دیـد آبی نمـودار است از صـفا طرف کوه مروه رفت و به جسـتجوی آب بود و چون پـائین آمـد آبی نبود بلکه سـرابی را دیـده بود و چون اسـماعیل از نظرش دور شـد باز به کوه مروه بالا رفت که فرزند خود را ببیند مجددا سـرابی را در طرف کوه صفا مشاهده کرد باز در طلب آب به طرف کوه صفا آمد و این حالت بیچارگی و اضطرار و رفت وآمد هفت مرتبه تکرار شد و در مرتبه هفتم که بر

کوه مروه بالا رفت و از بالای کوه به اسماعیل نظر کرد و دید زیر قدم اسماعیل آبی ظاهر شده با شتاب پائین آمد و اطراف آنرا بست که جاری نشود و باین سبب آنرا زمزم گفتند و چون به برکت اسماعیل و هاجر خداوند در این سرزمین خشک آب را ظاهر نمود پرندگان اطراف آن جمع شدند و قبیله جرهم که از یمن آمده و درنزدیکی عرفات بار انداخته بودند چون رفت و آمد پرندگان را دیدند و فهمیدند که در این محل آب وجود دارد آمدند نزدیک هاجر و اسماعیل و گفتند شما چه کسانی باشید و شأن شما چیست ؟ هاجر فرمود: من مادر فرزند ابراهیم خلیل الرحمن هستم و این فرزند اوست که خدا امر کرده ما را دراین سرزمین ساکن کند قبیله جرهم گفتند: آیا بما اجازه می دهید در نزدیکی شما بمانیم و از این آب استفاده کنیم؟ آنها جوابی ندادند تا اینکه روز سوم حضرت ابراهیم علیه السلام برای سرکشی و تفقد نزد آنها آمد از او پرسیدند که قبیله جرهم اجازه نزول در کنار ما را خواسته اند شما اجازه می دهید؟ حضرت ابراهیم اجازه دادند و قبیله جرهم در نزدیکی آنها خیمه زدند و اسماعیل و هاجر با آنها مأنوس شدند (آنها غذا می دادند و در مقابل از آب زمزم استفاده می کردند و برای اسماعیل چندین گوسفند هدیه آوردند) و چون حضرت ابراهیم در مرتبه سوم به دیدار آنها آمد و چنین دید بسیار خوشنود شد.

ص :۱۰۳

مؤلف گوید: حاجی باید توجه کند که این سنت سعی صفا و مروه که از اعمال واجب حجّ و عمره است برای زنده نگهداشتن عمل حضرت ابراهیم و هاجر علیه السلام است که روح انقیاد و اطاعت از امر پروردگار در آنها قوی بوده همچنانکه در مسأله قربانی اسماعیل با آن وسوسه های شیطان حضرت ابراهیم و اسماعیل و هاجر ثابت قدم مانند و شیطان نتوانست آنها را ازامر خداوند منصرف نماید و نکته دیگر اینکه اضطرار هاجر بین صفا و مروه مشکل او را حل کرد و خداوند این مادر بیچاره و فرزند تشنه را نجاب داد پس ای برادر و خواهر مسلمان از این تاریخ زیبا درس بگیر و مثل ابراهیم و اسماعیل و هاجر که در اطاعت پرودگار خود تسلیم بوده و هرگز گلایه ای نداشته و به خدای خود توکل نمودند همیشه کار خود را به خدا واگذار و تسلیم امر خدا باش. ولکن ای کاش در کربلا هم برای اطفال تشنه فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله آبی جاری می شد و صدای العطش آنها دلها را آتش نمی زد!!! و چگونه شد (لولا الحکمه) که کارد گلوی اسماعیل را نبرید و هرچه ابراهیم علیه السلام همت کرد که فرزند خود را قربانی کند اراده خداوند همراه آن نبود و گویند: چون ابراهیم علیه السلام دید کارد به پشت برمی گردد و گلوی اسماعیل او را نمی برد آنرا بسنگی زد سنگ شکافته شد ابراهیم فرمود: سنگ را می شکافی و گلوی نازک اسماعیل را نمی بری؟!! کارد به سخن

درآمد و در جواب او گفت خلیل می گوید ببر و جلیل می گوید نبر ولی مقابل چشم ابی عبدالّله الحسین هیجده جوان از فرزندان رسول الّله صلی الله علیه و آله کشته شدند و در آغوش امام حسین علیه السلام گلوی نازک علی اصغر پاره شد و فرزندان پیغمبر را کشتند و اهل بیت آن حضرت را اسیر گرفتند و برآن شادی کردند پس ای کاش من روزگار درازی می داشتم و برآنها گریه می نمودم و اشک چشم خود را به آنها هدیه می کردم «و یا لیت عین تساعدنی فی البکاء علیهم اعمارا و ابکی علیهم بحول الّله ما دمت حیّا و یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما»

## مستحبّات سعی

۱ مستحب است بعد از نماز طواف و پیش از سعی از آب زمزم بیاشامد و بر سر و صورت بریزد و دعای وارده را بخواند.

۲ و وقتی بر کوه صفا بالا رفت روبه کعبه کند و زیاد دعا کند و روایت شده که به اندازه خواندن سوره بقره دعا کند و هفت مرتبه : الّله اکبر بگوید و هفت مرتبه : الحمدلّله بگوید و هفت مرتبه لااِلهَالاّالّله بگوید و سه مرتبه بگوید: لااِلهَالاّالّله وحده لاشریك له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حیّ لایموت بیده الخیر و هو علی کلّ شی قدیر. پس صلوات برمُحَمَّد و آل او بفرستد. و سه مرتبه بگوید: «الّله اکبر علی ما هدانا و الحمدلّله علی ما ابلانا و الحمدلّله

ص :۱۰۵

الحیّ القیّوم و الحمـدللّه الحیّ الـدّائم». و سه مرتبه بگوید: «اشـهد انّ لااِلٰهَاِلّاالّٰله و اشـهد انّ مُحَمَّدا عبده و رسوله لا نعبد الاّ ایّاه مخلصـین له الـدّین ولو کره المشـرکون» و سه مرتبه بگوید: «اَللّٰهُمَّ انّی اَسأَلُکَ العفو و العافیه و الیقین فی الدّنیا و الاخره» و سه مرتبه بگویـد: «اَللّٰهُمَّ آتنا فی الـدّنیا حسـنه و فی الاخره حسـنه و قنا عـذاب النّار» پس صـد مرتبه بگویـد: «اَللّٰهُ اَکْبَرْ» و صد مرتبه بگوید: «لااِلٰهَاِلّاالّٰله» و صد مرتبه بگوید: «الحمدللّه» و صد مرتبه بگوید: «سبحان اللّه»

پس بگویـد: «لااِلٰهَاِلّاالّٰله وحـده وحـده وحـده انجز وعده و نصـر عبده وغلب الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد وحده اَللّٰهُمَّ بارک لی فی الموت و فیما بعـد الموت اَللّٰهُمَّ انّی اعوذبک من ظلمه القبر و وحشـته اَللّٰهُمَّ اظلّنی فی ظلّ عرشک یوم لا ظلّ الاّ ظلّک». و بسیار تکرار کند: سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید: «اسـتودع اللّه الرّحمن الرّحیم الّذی لاتضـیع ودایعه دینی و نفسی و اهلی اَللّٰهُمَّ استعملنی علی کتابک و سنّه نبیّک و توّفنی علی ملّته و اعذنی من الفتنه».

و مستحب است رو به کعبه کند و این دعا را بخواند: «اَللّٰهُمَّ اغفر لی کلّ ذنب اذنبته قطّ فان عدت فعد علیّ بالمغفره فانّک انت الغفور الرّحیم اَللّٰهُمَّ افعل بی ما انت اهله فانّک ان تفعل بی ما انت اهله ترحمنی و ان تعـذّبنی فانت غنیّ عن عـذابی و انا محتاج الی رحمتک فیا

من انـا محتـاج الی رحمته ارحمنی اَللّهُمَّ لاتفعـل بی ما انا اهله فانّک ان تفعل بی ما انا اهله تعـذّبنی و لم تظلمنی اصـحبت اتّقی عدلک و لا اخاف جورک فیا من هو عدل لایجور ارحمنی».

پس بگوید: «یا من لایخیب سائله و لاینفد نائله صلّ علی مُحَمَّد و آل مُحَمَّد و اجرنی من النّار برحمتک».

و در حدیث شریف وارد شده است: هرکس بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و رو به کعبه کند و بگوید: «اَللّهُمَّ انّی اعوذبک من عذاب القبر و فتنته و غربته و وحشته و ظلمته و ضیقه و ضنکه اَللّهُمَّ اظلّنی فی ظلّ عرشک یوم لا ظلّ الاّ ظلّک».

و مستحب است در گریه کردن کوشـش کنـد و خود را به گریه وادارد و در حال سـعی دعا بسـیار کنـد و بخواند این دعا را: «اَللّهُمَّ انّی اَسأَلُکَ حسن الظّن بک علی کلّ حال و صدق النّیه فی التّوکل علیک».مناسک امام خمینی رحمه ا..

## تقصیر نمودن و کوتاه کردن مو و ناخن

واجب پنجم از واجبات عمره تمتع تقصـیراست. امام صادق علیه السـلام فرمود: وقتی در عمره تمتّع از سـعی فارغ شدی کوتاه کن موی خود را یعنی مقـداری از سـر و صورت و شـارب خود را بزن و نـاخن خود را کوتـاه کن وقتی چنین کردی هرچه در احرام برتو

ص :۱۰۷

حرام بوده حلال خواهد شد سپس هرچه خواهی طواف مستحبی انجام ده.کافی ج ۴/۴۳۹

## تذکر لازم به برادرن و خواهران

بـدان ای برادر و خواهر مؤمن که محرمـات احرام برای تمرین بنـدگی و انقیـاد نسـبت به پرودگـار متعال است و در حقیقت ما رابرای رسـیدن به روح تقـوی موظـف به این امـور نمـوده انـد و همچنـانکه مفطرات روزه برای نیـل و رسـیدن به تقـوی اسـت محرمات احرام هم چنین است و در باره قربانی خـدا فرمود: «يناله التّقوى منكم» یعنی از قربانی کردن شـما چیزی عائد خداوند نمی شود جز تقوای شـما نسـبت به ذات مقدس پروردگار، پس سـعی کن در طول مناسک حجّ مراعات تقوی و وظایف دینی خود را بکنی و انشاءاللّه این تقوی را از این سفر سوغات ببری و همیشه با تقوی و ملاحظه دستورات دینی زندگی کنی.

مستحب است در موقع تقصیر این دعا را بخواند:

«اللّه اكـبر اللّه اكـبر اَللّهُمَّ هـذه ناصـيتى بيـدك فاجعـل لى بكـلّ شـعره نورا يوم القيـامه و اغفرلى ذنـبى يـا واسع المغفره». و نیز مسـتحب است بعد از تقصیر و محل شدن باز از پوشیدن لباس دوخته اجتناب نماید تا آنکه احرام حجّ را ببندد.راهنمای حرمین ۲۴۳/

## بخش دوم حجّ، حجّ تمتّع است

بدانکه حج تمتّع دارای سیزده واجب است که قبلاً بطور فهرست بیان شد و مسائل احرام و طواف و نماز و سعی و تقصیر بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع مشترك است جز اینکه احرام عمره تمتّع از یکی از مواقیت است و احرام حجّ تمتّع از مکه انجام می شود و فرق دیگر اینکه تقصیر در عمره تمتّع منحصر است به زدن مو و یا ناخن ولی در حجّ تمتّع بعضی از فقهأ فرموده اند کسیکه حجّ، سفر اول او باشد باید سر را بتراشد برای تقصیر. و بعضی از فقهاء واجب ندانسته اند و فرموده اند مخیر است بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو، مانند تقصیر در عمره مفرده گر چه تراشیدن افضل است.

## احرام حجّ تمتّع

مستحب است احرام حجّ تمتّع روز هشتم ذی حجه (یوم الترویه) واقع شود و شب عرفه را در منی بمانند و برای وقوف در عرفات قبل از ظهر خود را به عرفات برسانند. و گفته شده که ترویه یا از روایت است چه آنکه امام علیه السلام مناسک و اعمال حجّ را در این روز برای مردم بیان فرموده است. و یا مشتق از ارتواء به معنای آب

ص: ۱۰۹

برداشتن می باشد زیرا مردم در این روز عازم منی می شدند و با خود آب برمی داشتند. علل الشرایع از امام صادق ۷

و در روایت دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: روز هشتم ذی حجه باین سبب ترویه نامیده شده که جبرئیل در آن روز نزد ابراهیم علیه السلام آمد و گفت ای ابراهیم برای خود و خانواده ات آب بردار و آماده عرفات شو.راهنمای حرمین

مؤلف گوید: ولی فرزند رسول اللّه صلی الله علیه و آله حضرت سیدالشهدا علیه السلام روز ترویه آماده حرکت به سوی عراق شد، آن حضرت حجّ خود را مبدل به یک عمره مفرده نموده و ناچار برای رعایت حرمت حرم از مکه خارج شد و احرام دیگری بست که در کربلا به قرب معبود رسد ولیکن بنی امیه از قساوت آن احرام را هم از بدن او خارج نمودند و بدن او را سه روز روی زمین رها کردند که خواهر او ا زروی تعجب کنار آن بدن ... عرض نمود: یا رسول اللّه هذا حسینک مرمّل بالدّماء ... و خطاب به بدن برادر نمود و صدا زد: اخی یوم علی صدر المصطفی و یوم علی وجه الثّری. و این در حالی بود که آماده اسیری بودند.

به یوم الترویه محمل به بستند خواتین اندر آن محمل نشستند

همه قربانیان کعبه دل برون خرگه زدند از کعبه گل

کسانی را که عالم را پناهند برون کردند از کاخ خداوند!

ص :۱۱۰

حرم را از حرم کردند بیرون! همه سر گشته اندر کوه و هامان

## مستحبات احرام حجّ

آنچه از مستحبات در احرام عمره گذشت از غسل و دعاء و غیره اینجا هم وارد است، به اضافه مستحبات ذیل:

۱ مستحب است احرام حجّ را روز ترویه انجام دهد و بعد از نماز ظهر و یا عصر و یا نماز واجب دیگر و یا اگر وقت نماز واجبی نبود لااقل بعد از دو رکعت نماز احرام انجام دهد.

۲ مستحب است احرام حجّ در مسجد الحرام داخل حجر اسماعیل علیه السلام و یا نزد مقام ابراهیم علیه السلام انجام شود.

۳ چون متوجه عرفات شود بگوید: «اَللّهُمَّ الیک صمدت و ایّاک اعتمدت و وجهک اردت اَسأَلُکَ ان تبارک لی فی رحلتی و ان تقضی لی حاجتی و ان تجعلنی ممّن تباهی به الیوم من هو افضل منّی». و تلبیه را تکرار کند تا به عرفات برسد.

## شب عرفه

شب عرفه از لیالی متبرکه و شب مناجات با قاضی الحاجات است، توبه در این شب قبول و دعا مستجاب است، روایت شده: کسیکه این شب را به عبادت به سر برد، اجر صد و هشتاد سال عبادت برای او نوشته شود و مستحبات این شب چند چیز است:

۱ شب عرفه را به دعا و مناجات طی کند.

۲ بخواند دعای «اَللّهُمَّ یا شاهد کلّ نجوی» را که در شبهای عرفه و جمعه وارد شده و هر که بخواند آمرزیده خواهد شد. و این دعاها و زیارات در بخش زیارات در آخر کتاب خواهد آمد.

۳ بخواند دعای «اَللّهُمَّ من تعبّأ» تا آخر را که در شب و روز جمعه و عرفه وارد شده است.

۴ بخواند زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را که در بخش زیارات آمده است.

۵ بخواند دعای فرج امام زمان علیه السلام را «اَللّهُمَّ کن لولیّک تا آخر» و برای فرج آن حضرت بسیار دعا کند.مفاتیح الجنان

۶ پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیبات باشد.

## روز عرفه و فضیلت آن

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام سئوال کردم که چرا عرفات را عرفات نامیده اند؟ فرمود: چون جبرئیل حضرت ابراهیم علیه السلام را به عرفات آورد و موقعی که ظهر شد فرمود: به گناهان خود اعتراف کن و مناسک خود را بشناس حضرت ابراهیم هم چنین کرد.علل الشرایع /۴۳۶

## مباهات خداوند به اهل عرفات

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: خداوند مباهات می فرماید بر

ملائکه نسبت به مهمانان خود در عرفات که بنگرید بندگان مرا که چگونه ژولیده و غبارآلود در زمین عرفات جمع شده اند. و فرمود: خداوند به ملائکه گوید: شما را شاهد می گیرم که دعاهایشان را مستجاب نمودم و خواسته های آنها را عطا نمودم و گناهکاران آنها را بواسطه نیکوکاران بخشیدم و خواسته های نیکان را هرچه بود اجابت نمودم جز مظالم و بدهکاریهائی که بین آنها هست.

کافی ج ۴/۲۶۱

و نیز فرمود: هیچ روزی خداوند به اندازه روز عرفه بندگان خود را از آتش جهنم آزاد نمی فرماید.

مؤلف گوید: دعاهای عرفه را در قسمت ادعیه آخر کتاب ذکر نموده ام و دعای معتبر و مختصری را هم اینجا ذکر می کنم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: به تو تعلیم کنم دعائی را برای عرفات که پیامبران قبل از من می خوانده اند؟ پس فرمود می گوئی: «لااله الاّاللّه وحده لاشریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت و هو حیّ لایموت بیده الخیر و هو علی کلّ شیء قدیر، اَللّهُمَّ لک الحمد کالّذی تقول و خیرا ممّا نقول و ما یقول القائلون، اَللّهُمَّ لک صلاتی و نسکی و محیای و مماتی و لک برائتی و بک حولی و منک قوّتی، اَللّهُمَّ انّی اعوذبک من الفقر و من وساوس الصّدور و من شتات الامر و من عذاب القبر، اَللّهُمَّ انّی اَسألُکَ خیرالرّیاح و اعوذبک من شرّ ما تجیئ به

الرّیـاح و اَسأَلُـکَ خیراللّیـل و خیرالنّهـار، اَللّهُمَّ اجعـل فی قلبی نورا و فی سـمعی و بصـری نورا و فی لحمی و دمی و عظـامی و عروقی و مقعـدی و مقامی و مـدخلی و مخرجی نورا و اعظم لی نورا یا ربّ یوم القاک انّک علی کلّ شـی ء قـدیر».تهـذیب ج ۵/۱۸۳

و باز رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: هرکه این دعا را بخوانـد در عصـر روز عرفه خداونـد دعای او را مسـتجاب نماید مادامی که گناهی یا قطع رحمی را طلب نکرده باشد: «سـبحان الّذی فی السّ ـماء عرشه، سبحان الّذی فی الارض موطؤه، سبحان الّذی فی البحر سبیله، سـبحان الّذی فی القبور قضائه، سبحان الّذی فی الجنّه رحمته، سبحان الّذی فی النّار سلطانه، سبحان الّذی فی الهواء روحه، سبحان الّذی رفع السّماء، سبحان الّذی وضع الارض، سبحان الّذی لا منجی منه الاّ الیه».

فقیه ج ۲/۵۴۲

و امام صادق علیه السـلام فرمود: رسول خدا صـلی الله علیه و آله در عرفات وقوف نمود و وقتی خواست خورشـید غروب کند این دعـا را خوانـد: «اَللّهُمَّ انّی اعوذبـک من القبر، و من تشـتّت الامر، و من شـرّ ما یحـدث باللیل و النّهار امسـی ظلمی مسـتجیرا بعفوک، و امسی خوفی مستجیرا بامانک، و امسی ذلّی مستجیرا بعزّک و امسی وجهی الفانی مستجیرا بوجهک الباقی یا خیر من سئل، و یا اجود من اعطی، جلّلنی برحمتک، و البسنی عافیتک و اصرف عنّی شرّ جمیع خلقک».کافی ج ۴/۴۶۴

از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: بعضی از گناهان فقط در عرفات بخشیده می شود.جعفریات /۶۵

امیرالمومنین علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود: کدام کس از اهل عرفات گناهش بیشتر است؟ فرمود: آنکس که از عرفات برگردد و فکر کند خدا او را نبخشیده است.جعفریات /۶۴

## وقوف واجب در عرفات

بدانکه برای شخص مختار، مقدار واجب از وقوف، ماندن در عرفات است از ظهر روز نهم ذیحجه تا غروب شرعی و اگر تمام این مدت را عمدا ترک کند حجّ باطل است گرچه رکن مسمای وقوف است. و اگر سهوا و یا از روی اضطرار ترک نمود باید وقوف اضطراری نماید و آن این است که مقداری از شب عید را ولو کم باشد در عرفات حاضر شود و این در صورتی است که درک اختیاری مشعر را کرده باشد.

## آداب مستحبه وقوف در عرفات

۱ قبل از زوال غسل کند و بهتر است وضوء هم بگیرد و تا آخر روز با وضوء باشد.

۲ در اول وقت، نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۳ هرچه مانع از دعا و توجه به خدا است از خود دور کند.

۴ از کارهای بیهوده و سخن بی فایده پرهیز نماید.

۵ گناهان خود رابیاد آورد و در پیشگاه خداوند اقرار به خطاهای خود بکند.

۶ از خیرات و صدقات در حد امکان دریغ ننماید.

۷ در مدت وقوف هراندازه که می تواند در حال قیام باشد و زیر آسمان بسر برد.

۸ مستحب است پیش از اذان ظهر امام جماعت برای اعلام مناسک خطبه بخواند.

۹ تمام اوقات خود را به دعا و استغفار و ذکر خدا صرف نماید و بعضی از فقهاء مثل حلبی و قاضی و شهید و شیخ انصاری رحمهم اللّه قائل بوجوب آن بوده اند.

۱۰ هرچه می تواند در حق دیگران دعا کند مخصوصا به پدر و مادر و ذوی الحقوق، و کسانیکه در حق آنها دعا می کند کمتر از چهل نفر نباشند و در حدیث است که ملکی موکل است آنچه هریک از اهل عرفات برای دیگری بخواهد صد هزار برابر آن را از خداوند برای او خواستار شود.

۱۱ متذکّر شود حالات بعضی از صالحین را مثل عبداللّه بن جندب و معاویه بن وهب که چگونه در حق

دیگران دعا می کردند.راهنمای حرمین

۱۲ نماز مغرب و عشا را بتأخیر انـدازد ولو ثلث شب بگـذرد تا در مشـعرالحرام بخوانـد و با یک اذان و دو اقامه بخواند چنانکه در روایت آمده.

۱۳ مسـتحب است که در عرفـات به کربلا هم توجه شود و زیارت حضـرت سیدالشـهداء علیه السـلام خوانـده شود که ثواب و فضـیلت بسـیار دارد و در احـادیث معتبره وارد شـده که حق تعالی در روز عرفه اول نظر رحمت خود را به زائرین آن حضـرت کند و سپس به اهل عرفات نظر رحمت نماید و زیارت آن حضرت در بخش زیارات ذکر شده است.

۱۴ خوب است روز عرفه یادی از حضرت مسلم بن عقیل نماینده امام حسین علیه السلام که در کوفه غریبانه به شهادت رسیده است بشود.

۱۵ دعاهای وارده روز عرفه را بخواند مخصوصا دعاء معروف حضـرت سیدالشـهداء علیه السلام و دعاهای ۴۷ صحیفه سجادیه را که مشـتمل بر معارف الهیه و مطالب دنیا و آخرت است و در بخش زیارات و ادعیه خواهـد آمد و از خداوند بخواهد که تا آخر عمر همه ساله موفق به حجّ بشود و در روایتی آمده : کسیکه نخواهد باز بحج و زیارت خانه خدا برگردد عمر او

ص: ۱۱۷

کوتاه خواهد شد.

مرحوم محدث بزرگوار قمی در مفاتیح الجنان می فرماید: روز عرفه از اعیاد عظیمه است و از برای آن چند عمل است: ۱- غسل، ۲- زیارت امام حسین علیه السلام که افضل از هزار حجّ و هزار عمره و هزار جهاد است ۳- بعد از نماز عصر و قبل از شروع به دهاعای عرفه دو رکعت نماز زیر آسمان بخواند و اقرار به گناهان خود بکند، ۴- در این روز زیارت جامعه بخواند. ۵-در آخر روزعرفه بخواند: یاربّ انّ ذنوبی لاتضرّك و انّ مغفرتك لی لاتنقصك فاعطنی ما لاینقصك و اغفرلی مالایضرّك. اَللّهُمَّ لاتحرمنی خیر ما عندك لشرّ ما عندی فان انت لم ترحمنی بتعبی و نصبی فلا تحرمنی اجر المصاب علی مصیبته.مفاتیح الجنان اعمال شب و روز عرفه

## عاشقان محروم از حجّ!!

امام صادق علیه السلام فرمود: چون عصر عرفه شود خداوند دو ملك را مأمور می نماید که حجاج را بازدید کنند، پس چون کسی که سالهای قبل مشرف بوده نیابند یکی از آنها به دیگری گوید: فلان شخص نیامده پس در حق او دعا کنند و گویند: خدایا اگر فقر مانع او بوده پس ببخش او را و اگر دین و بدهکاری مانع او شده دین او را اداء فرما، و اگر بیماری مانع او شده او را شفا مرحمت کن، و اگر مرگ مانع او شده پس او را ترحم نما و ببخش.فقیه ج ۲/۱۳۷

ص: ۱۱۸

## خروج از عرفات و وقوف به مشعرالحرام و مزدلفه

آفتاب عرفات که غروب کرد بایـد از عرفات رفت! خورشـید که رفت باید رفت! در این جهان نمی شود که انسان آرام بگیرد! در هر منزلی درنگی و بی درنگ بایـد رفت سـکون هیچگاه! اقامت هیچ جا! وقوف نیم روزی و شبی و دو سه روزی! و همین خیمه هائی را که دیروز زده بودنـد امروز برمی چیننـد یعنی که دنیا جای سـکون و توقف نیست بایـد با دقت و سـرعت به کار خود رسید و بار سفر را برای منزل بعد بربندیم.

گفته شده که مشـعر یعنی مکان شـعور! یعنی که در شب عید در زمین مشـعرالحرام که از حرم محسوب است و محل امن الهی است بایـد فکر کرد که میهمـان خـدا هستیم و صـاحب خانه با آب مغفرت همه را آمرزیـده. پس بـدقت به اعمال آینـده خود توجه کنیم که در حدیث آمده «بنیتم بنیانا فلا تنقضوه» یعنی شـما حجاج مانند کسـی هستید که با زحمت ساختمانی را آراسته و به تمام لوازم مجهز ساخته او هرگز این ساختمان را بدست خود خراب نمی کند شـما هم مواظب باشید باز روح و روان شما بعـد از پـاکی و آمرزش خراب نشود!!. «وازدلـاف» یـا به معنای اجتماع است چون فشـرده ترین جمعیت در همین محل است و انسان را به یاد قیامت می اندازد و یا

ص: ۱۱۹

به معنای روآوردن و جلو رفتن که در حدیث دارد جبرئیل در عرفات به ابراهیم فرمود: «ازدلف الی المشعر» یعنی به طرف مشعر حرکت کن.

## وقوف واجب در مشعرالحرام

آنچه از وقوف رکنی در مشعرالحرام واجب است وقوف از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب که حتما باید درک شود، گرچه رکن مسمای وقوف است. و حد نهائی مزدلفه از طرف عرفات محلی است به نام مازمین که حد حرم است. و مأزمین جائیست بین دو کوه که راه باریک می شود. و انتهاء مشعر و مزدلفه: وادی محسّر است و آن محلی است که خداوند ابرهه و اصحابش را ناامید و هلاک نمود و هنوز به مکه نرسیده نابود شدند و طول مشعر را بعضی ۴۳۷۰ متر گفته اند که فاصل بین عرفات و منی می باشد. و بالجمله خدای متعال می فرماید:

«فاذا افضتم من عرفات فاذکرواللّه عند المشعرالحرام و اذکروه کما هداکم و ان کنتم من قبله لمن الضّآلّین ثمّ افیضوا من حیث افاض النّاس ...».بقره /۱۹۸

یعنی: چون از عرفات بازگشتید، در مشعرالحرام ذکر خدا گوئید و به یاد او باشید چه آنکه خداوند شما را هدایت نمود بعد از آنکه در ضلالت بودید و سپس به سوی مشعر کوچ کنید همچنانکه

ص: ۱۲۰

مردم کوچ می کنند.

در بعضـی از تفاسیر آمده: که قریش بعد از وقوف به عرفات بر سایرین ترفع و برتری جسته و از وقوف به مشعر ننگ داشتند و در هنگـام افاضه راه خود را تغییر می دادنـد خداونـد آنها را از این کار نهی فرموده. پس بـدان ای برادر و خواهر مؤمن، شـب مشعر گرچه واجبی جز ماندن در سرزمین مشعرالحرام را ندارد ولی آن شب: شب معراج و شب جهاد و شب امید و شب بینش و شب یقین و شب برات و شب اکرام و شب تسـلیم و شب غوغـأ و شب قیـامت و شب عشق و شب عیـداکبر و شب سـعادت و شب سـلامت و شب ذکر و شب فکر و شب انبیـاء و شب جود و شب صبر و شب اسـتقامت و شب عیـد اضـحی است، مواظب باش بغفلت نگذرد و بکوش در هر حالی که هستی بخدای خود توجه داشته باشی.

## دعاهای مشعرالحرام

الهـدایه : وقتی در عرفـات آفتـاب غروب نمود حرکـت کن تـا به جبـل احمر برسـی که در کنار مسـیر تو است پس بگو: «اَللّهُمَّ ارحم موقفی، و زکّ عملی، و سـلّم لی دینی، و تقبّل مناسـکی». و وقتی بمزدلفه رسیدی نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه انجام ده و نماز را جز در اینجا جای دیگری نخوان گرچه یک چهارم شب گذشته باشد. تا اینکه فرمود: تسبیح و تهلیل و تکبیر و تمجید و

ثنای خداونـد گوی به آنچه سـزاوار آن است و صـلوات برمُحَمَّد و آل آن حضـرت فرست سـپس تا طلوع آفتاب نشده در حق خود دعا کن. بحار ج ۹۹/۲۶۸

امـام صـادق علیه السـلام می فرمایـد: چون رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نماز مغرب و عشارا در مزدلفه خواندنـد،استراحت نمودندتا طلوع فجر و جز نماز مغرب و عشا در آن شب نماز دیگری نخواندند.بحار ج ۹۹/۲۷۰

مستحب است که در شب مشعر ۷۰ سـنگریزه برای رمی جمرات از سرزمین مشعر برچیند هرچند ۴۹ ریگ بیشتر لازم ندارد. و نیز مسـتحب است قـدری پیش از طلوع آفتاب از مشـعرکوچ کنـد ولی تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسـر خارج نشود. و در وقت حرکت بگویـد: اَللّهُمَّ سلّم عهـدی و اقبـل توبـتی واجب دعوتی و اخلفنی بخیر فیمن ترکت بعـدی و بگویـد: ربّ اغفر و ارحم و تجاوز عمّا تعلم انّک انت الاعزّ الاکرم.

مسـتحب است که در وقت گذشتن از وادی محسر هروله کند و مرحوم صدوق فرموده: امام ششم علیه السلام امر فرمود: مردی را که در وادی محسر ترک هروله نموده بود از مکه برگردد و هروله کند.راهنمای حرمین

## عید قربان و اعمال منی

منی بین مزدلفه و مکه است و طول آن از انتهای وادی

ص :۱۲۲

محسِّر است تا جمره عقبه. امام صادق علیه السلام می فرماید: حدّ منی از جمره عقبه تا وادی محسِّر است.وسائل ج ۱۰

و وادی محسر نقطه ای است که راه عبور از آن نقطه ضیق می گردد و ازاین جهت مستحب است سواره و پیاده در آن محل سرعت نمایند.

صاحب مجمع البحرین گوید: در وجه تسمیه منی اختلاف است بعضی گفته اند: «لما یمنی به من الدماء» (ای یراق) یعنی برای اینکه آنجا خون قربانی ریخته می شود آنجا را منی گویند. سپس صاحب مجمع البحرین گوید: در حدیث است که حضرت ابراهیم علیه السلام در این سرزمین از خدای خود تمنا نمود که بجای فرزندش اسماعیل برای قربانی گوسفندی را امر به ذبح فرماید.علل الشرایع از امام رضا علیه السلام

بعضی گفته اند در اینجا آدم آرزوی بهشت نمود. بهرحال منی سرزمین پیروزی و آرزو است و خوب و بد در این سرزمین مورد عنایت خدا هستند، امام پنجم حضرت باقر علیه السلام می فرماید: احدی براین کوهها وقوف نمی کند مگر اینکه خدا دعای او را مستجاب می نماید نیکوکار باشد یا بدکار آنانکه نیکوکارند خواسته های دنیا و آخرت آنها داده می شود و آنان که بدکارند خواسته های دنیایشان برآورده می شود.کافی ج ۴

ص :۱۲۳

و نیز آن حضرت می فرمایـد: چون مردم در منی فرود آینـد از جانب خداونـد آنها را نـدا کننـد: اگر می خواهیـد من از شـما خوشنود شوم؟ خوشنود شدم.من لایحضره الفقیه

و منادی دیگر ندا کند: ای زائران خدا! اگر می دانستید بر چه مولای کریمی وارد شده اید هرآینه باور می نمودید که خداوند عالم شما را می بخشد و رنجها و تعب ها و انفاقات مالی شما را عوض می دهد.کافی ج ۴

پیامبر بزگوار اسـلام صلی الله علیه و آله چون در حجه الوداع به سرزمین منی وارد شد در روز عید قربان چنین فرمود: ای مردم این روز روز سَیَلان و فریـاد است: امـا سـیلان این روز این است که خونهای قربانی در این روز جاری می گردد، پس آنکه با نیت خالص قربانی کنـد اولین قطره خون قربانی او کفاره تمام گناهان او خواهـد شـد و اما روز فریاد است یعنی روز دعااست، پس بـدرگاه خـدا ضـجه نمائیـد، قسم به خـدائی که جان مُحَمَّدبـدست اوست، احدی از این مکان خارج نخواهدشدمگراینکه گناهانش آمرزیده شده باشد جز کسی که به گناه کبیره مصرباشدو قصد ترک آنرانداشته باشد.مستدرک ج ۴

## مساجد تاریخی منی

«مسجد البیعه»

این مسجد نزدیک به جمره عقبه است و بزرگان دو قبیله

ص: ۱۲۴

اوس و خزرج که از مدینه آمده بودند برای اولین بار شبانه در این محل با پیامبراسلام صلی الله علیه و آله بیعت نمودند و آن شب لیله العقبه معروف شد. و باز در سال یازدهم بعثت از بزرگان مدینه از جمله اسعدبن زراره و ابرهیثم در همین محل (مسجد البیعه) با حضرت بیعت مجدد کردند و به آن حضرت وعده یاری داده که باز در سال دوازدهم بعثت هفتاد مرد و دو زن از بزرگان مدینه در این محل با حضرت بیعت نمودند که بدنبال این بیعت حضرت به مدینه هجرت فرمودند.

«مسجد الکبش»

این مسجد را مسجد النحر نیز گویند این مسجد نزدیک مسجد البیعه می باشد و این مسجد به این جهت به این اسم نامیده شد که خداوند برای ابراهیم تو چی فرستاد و تا به جای اسماعیل ذبح کند. و روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز خوانده و قربانی خود را کنار این مسجد انجام داده است.

«مسجد الخیف»

خَیْف محل بلند و مرتفع را گویند. و صاحب قاموس گفته: جائی را خیف گویند که بین دو کوه باشد. این مسجد یکی از مساجد تاریخی اسلام است و گفته شده که چون عمل حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به قربانی فرزندش مقبول واقع شد و جبرئیل

ص: ۱۲۵

گوسفندی برای قربانی آورد حضرت ابراهیم علیه السلام برای سپاس به درگاه خدا در این محل نمازشکر به جا آورد. و گفته شده که هفتاد پیغمبر در این مسجد نماز خوانده اند. و دراین مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال حجه الوداع آن خطبه معروفه را خواندند.

مستحب است شش رکعت نماز در قبه وسط مسجد بخواند و صد مرتبه «سبحان اللّه» و صد مرتبه «لااله الاّ اللّه» و صد مرتبه «الحمدللّه» بگوید.(راهنمای حرمین)

امام پنجم علیه السلام می فرماید: ثواب گفتن صد مرتبه «سبحان اللّه» مانند ثواب آزاد نمودن یک بنده است در راه خدا، و ثوابت گفتن صد مرتبه «لااله الاّ اللّه» اجر نجات دادن انسانی را از مرگ دارد، و ثواب گفتن صد مرتبه «الحمدللّه» اجر انفاق مالیات کوفه و بصره را دارد.من لایحضره الفقیه/۶۲

## اعمال واجب منی

اعمال واجب منی پنج چیز است:

۱ رمی جمره عقبه در روز عید قربان.

۲ قربانی کردن در روز عید قربان.

۳ حلق یا تقصیر نمودن در روز عید قربان.(یعنی سرتراشیدن و یا کوتاه کردن مو)

۴ بیتوته و ماندن شب یازدهم و دوازدهم در منی.

ص :۱۲۶

۵ رمی جمرات سه گانه (یعنی ریگ زدن در محلهای وسوسه شیطان) در روز یازدهم و دوازدهم در منی و احکام هر کدام از این واجبات در مناسک مشروحا ذکر شده مراجعه شود.

## آداب مستحبه در روز عید قربان

مرحوم محدث بزرگوار قمی صاحب مفاتیح الجنان گوید:

روز دهم روز عید قربان است و بسیار روز شریفی است و اعمال آن چند چیز است:

اول : غسل است که در این روز سنت مؤکد است و بعضی از علماء واجب دانسته اند.

دوم : نماز عید است به همان نحوی که در عید فطر خوانده می شود ولکن در این روز مستحب است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی باشد. مؤلف گوید: مع الاسف نماز عید بین ما متروک است.

سوم : خواندن دعاهائیکه وارد شده پیش از نماز عید و بعد از آن که شاید بهترین آنها دعای ۴۸ و ۴۶ صحیفه سجادیه باشد.

چهارم : خواندن دعای ندبه است.

پنجم : قربانی است (که برای حجاج در روز عید واجب و برای غیرحجاج در بلاد دیگر مستحب موکد است).

ششم : خواندن تکبیرات است برای کسی که در منی باشد

ص: ۱۲۷

بعد از ۱۵ نماز که اولش نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم و برای کسانیکه در سایر شهرها هستند بعد از ۱۰ نماز بخوانند از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم و تکبیرات موافق روایت صحیح در کافی این است:

«اللّه اکبر، اللّه اکبر، لااله الاّ اللّه، واللّه اکبر، اللّه اکبر، وللّه الحمد، اللّه اکبر، علی ماهدانا، اللّه اکبر، علی ما رزقنا من بهیمه الانعام، و الحمدللّه علی ما ابلانا».

و مستحب است تکرار این تکبیرات عقیب نمازها بقدر امکان و خواندن بعد از نوافل و نیز مستحب است که روز دهم و یازدهم و دوازدهم از منی بیرون نرود مگر برای اعمال حجّ مثل طواف و سعی حتی برای طواف مستحب خارج نشود چون در روایت آمده: اقامت در منی افضل است از طواف مستحب (و احتیاط آن است که بقیه اعمال حجّ را از روز یازدهم تأخیر نیدازد). و مستحب است نمازهای واجب و مستحب خود را حتی الامکان در مسجد خیف به جا آورد.راهنمای حرمین

## سخن رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در منی

طبق آنچه نقل شده(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دوم از عید



---

۱ - ۱- خطب رسول اللّه صلی الله علیه و آله بمنی خطبه فی ثانی یوم النحرفقال: هل تدرون ای بلد هذا؟ قالوا: اللّه و رسوله اعلم قال: صلی الله علیه و آله هذا المشعرالحرام ثم قال انی لاادری لعلی لاالقاکم بعد هذا، الاوان دمائکم و اموالکم و اعراضکم علیکم حرام کحرمه یومکم هذا فی بلدکم هذا حتی تلقوا ربکم فیسالکم عن اعمالکم الا فلیبلغ ادناکم اقصاکم. (مرات الحرمین ج ۱/۹۴)

قربان در منی خطبه ای خواندند و فرمودند: مردم آیا می دانید اینجا چه شهری است؟ گفتند خدا و رسول او داناترند، حضرت فرمود: این مشعرالحرام است سپس فرمود: گمان ندارم بعد از این شما را ملاقات کنم آگاه باشید خون و مال و عرض شما حرام است همانند حرمت این روز و این ماه تا اینکه خدای خود را ملاقات نمائید و از اعمال شما سئوال کند حاضرین بغائبین خبر دهند.

مرأت الحرمین ج ۱/۹۴

و امیرالمومنین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: واذکروا اللّه فی ایّام معدودات (بقره /۱۰۳) و آیه شریفه: لیشهدوا منافع لهم و یذکروا اسم اللّه فی ایّام معلومات (حجّ /۲۸)

می فرماید: ایام معلومات ده روز اول ذی حجه است و ایام معدودات ایام تشریق است. (یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی حجه)وسائل ج ۲/۳۷۲

و باز می فرماید: هیچ روزهائی برای انجام کار خیر و عبادت بهتراز ده روز اول ذی حجه نیست.وسائل ج ۲/۳۷۲

ص: ۱۲۹

## ثواب ماندن در منی

امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی مردم در منی ساکن می شوند منادی حق ندا می کند اگر می دانستید که در پناه چه کسی هستید حتما یقین می داشتید که او شما را بخشیده و مخارج شما را جبران خواهد نمود. و باز نداء می رسد به اهل منی که اگر شما خوشنودی خدا را می خواسته اید بدانید خداوند از شما خوشنود شد. و وقتی حاجی از منی به طرف مکه حرکت می کند ملکی دست به شانه او می گذارد و می گوید: عمل خود را از سر بگیر. (یعنی گذشته های تو بخشیده شد مواظب آینده خود باش.)

کافی ج ۴/۲۵۶/۲۶۲- محاسن ج ۱/۱۴۱

و صدوق علیه الرحمه روایت نموده : که وقتی حجاج از منی طرف مکه می آیند از گناهان خود پاک شده اند همانند وقتی که از مادر متولد شده اند.فقیه ج ۲/۴۸۰

## مستحبات رمی جمرات

۱ مستحب است در حال رمی با وضوء باشد و بعضی از فقهاء واجب دانسته اند.(مناسک شیخ انصاری)

۲ هنگامیکه آماده پرتاب ریگها می شوید بگوید: «اَللّهُمَّ

ص: ۱۳۰

هذه حصیاتی فاحصهنّ لی و ارفعهنّ فی عملی» یعنی خدایا اینها ریگهای من است تو مرا در شماره و پرتاب آنها کمک فرما.

۳ موقعی که جمره عقبه را ریگ می زند پشت به قبله باشد و در رمی اولی و وسطی رو به قبله باشد.

۴ در رمی جمره عقبه حدود پانزده ذراع فاصله بگیرد و در اولی و وسطی کنار جمره بایستد.

۵ با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید واین دعا را بخواند: «اَللّهُمَّ ادحر عنّی الشّیطان اَللّهُمَّ تصدیقا بکتابک و علی سنّه نبیّک مُحَمَّد صلّی اللّه علیه و آله اَللّهُمَّ اجعله لی حجّا مبرورا و عملاً مقبولاً و سعیا مشکورا و ذنبا مغفورا».

۶ پس از برگشتن به خیمه خود در منی این دعا را بخواند:

«اَللّهُمَّ بک و ثقت و علیک توکّلت فنعم الرّب و نعم المولی و نعم النصیر»راهنمای حرمین

## حکمت رمی جمرات

علی علیه السلام می فرماید: حکمت رمی این است که چون جبرائیل ابراهیم علیه السلام را برای انجام مناسک به منی آورد و شیطان مقابل او برای وسوسه کردن ظاهر شد جبرئیل فرمود: ای ابراهیم او را سنگ بزن پس چون ابراهیم هفت ریگ باو زد درجای جمره اولی پنهان شد سپس در محل جمره دوم ظاهر شد و باز حضرت ابراهیم علیه السلام

ص: ۱۳۱

هفت ریگ دیگر باو زدند او پنهان شد و باز در محل جمره سوم ظاهر شد و حضرت ابراهیم هفت ریگ به او زدند، پنهان شد و دیگر ظاهر نگردید.قرب الاسناد/۱۴۷

مؤلف گوید: بدان ای برادر و خواهر مسلمان چنانکه از دعای گذشته و کلام امیرالمومنین علیه السلام ظاهر می شود هدف از ریگ زدن تمرین مبارزه با شیطان است و باید این تمرین در چند روز تکرار شود تا قدرت مخالفت و مبارزه با شیطان بحدی برسد که بعداز آن شیطان دیگر طمع و امیدی برای وسوسه نداشته باشد والا ظاهر این عمل بچه گانه خواهد بود و چقدر موجب تأسف است که حاجی با زحمت زیاد سه روز رمی جمره کند و هیچ تأثیری در او نسبت به مخالفت با شیطان حاصل نشود!!!

## ثواب و پاداش رمی جمرات

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: پاداش رمی جمار، نزد خداوند ذخیره می شود.فقیه ج ۲/۲۱۴

و باز فرمود: رمی جمرات برای تو در قیامت نوری خواهد شد.الترغیب ج ۲/۲۰۷

و باز فرمود: وقتی حاجی رمی جمرات نمود از گناهان پاک می شود.فقیه ج ۲/۲۱۴

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز عرفه خداوند حجاج خلص

و ناب را می آمرزد و شب عیـد تجار از حجاج را و روز عیـد قربان شترداران را و در وقت جمره عقبه هرگوینده لااله الاالله را می آمرزد.امالی طوسی/۳۰۹

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: حـاجی به هر ریگی که به جمره می زنـد خداونـد گنـاه کـبیره ای را از او می بخشـد.کافی ج ۴/۴۸۰

## بعضی از مسائل ضروری رمی

شرط است که ریگها از حرم باشـد و از خارج حرم کافی نیست و مسـتحب است که از مشـعر بردارد. و چنـد چیز در انـداختن ریگها یعنی وقت زدن به جمره لازم است:

اول قصـد قربت داشـته باشـد. دوم ریگها را بزنـد به جمره و گذاردن کافی نیست. سوم حتما به جمره بخورد و اگر شک کند، بایـد دوبـاره بزنـد. چهـارم هفت ریگ بزنـد. پنجم دانه دانه بزنـد. شـشم اگر قـدرت نـدارد برای ریگ زدن نائب بگیرد. هفتم کسانیکه عـذر دارنـد از اینکه روز ریگ بزننـد می تواننـد شب ریگ بزنند. هشـتم ریگی که می زند بایـد کسـی قبلاً با او رمی نکرده باشد.

مناسک امام خمینی

## قربانی کردن در منی

از واجبات منی یکی قربانی کردن است و کمترین آن یک

ص: ۱۳۴

گوسفند است وباید حتما روز عید قربان و در منی انجام شود و در حال اختیار می شود نیابت دهد ولی بهتر است به دست خود قربانی کند و یا نزد قربانی خود حاضر شود و دست خود را روی دست ذابح بگذارد و قربانی را باید سه قسمت کند یک قسمت آنرا خود بخورد و یک قسمت را به فقیر قانع دهد و یک قسمت دیگر را هدیه بدهد و بعضی از فقهاء این تقسیم را واجب ندانسته اند.

قال اللّه سبحانه : فَكُلُوا مِنْها وَاَطْعِمُوا القانِعَ وَ الْمعْتَرَّ كَذلِكَ سَخّرناها لَكُم لَعلَّكُم تَشْكُرونَ لَنْ يَنالَ اللّهَ لُحومُها وَلا دِمائها وَلكِنْ يَنالُهُ التّقْوى مِنْكم كَذلكَ سَخَّرها لَكُم لِتُكبِّروُا اللّهَ عَلى ما هَديكم وَ بَشرّالمُحسِنين.سوره حجّ /۳۶/۳۷

## حکمت قربانی

در حدیث شبلی گذشت که زین العابدین علیه السلام فرمود: آیا وقتی قربانی کردی حلقوم طمع را بریدی؟ و خدای متعال در آیه فوق می فرماید: چیزی از گوشت و خون قربانی به خدا نمی رسد ولکن تقوای شما به او می رسد. بهرحال قربانی دارای حکمتهای فراوان است که از آن جمله است:

۱ آزمایش بزرگی است برای حاجی:

امام پنجم علیه السلام می فرماید: حضرت آدم هابیل و قابیل را امر کرد تا مقام قرب خود را نزد خداوند با انجام دادن قربانی آزمایش

ص :۱۳۵

نماینـد هابیـل گوسـفند دار بود و قابیل کشاورز بود پس هابیل بهترین گوسـفند خود را که قوچی بود به قربانگاه آورد و قابیل مقـداری از خوشه های گندم که دانه نداشت آورد پس قربانی هابیل قبول شد و از قابیل مردود گشت ...لذا رسول خدا صـلی الله علیـه و آله فرمـود: قربـانی هـای خـود را نیکـو و بی عیب انتخـاب کنیـد چرا که آنهـا مرکبهـای شـما هسـتند برای عبـور از صراط.سفینه البحار

۲ قربانی موجب تقرب بخدا و آمرزش گناهان است.

ابوبصـیر گوید: از امام شـشم علیه السـلام حکمت قربانی را سـئوال کردم. حضرت فرمود: چون قطره ای از خون قربانی برزمین ریزد موجب آمرزش صـاحبش می شود و کسـی که دارای تقوی و ایمان است قربانی را با اخلاص و انقیاد امر پروردگار خود انجام می دهـد مگرنه این است که خـدا فرمود: چیزی از گوشت و خون قربانی به خدا نمی رسد و آنچه به حساب خدا اسـت همان تقوی و اطاعت بنده است؛ ببین چگونه خدا قربانی هابیل را قبول نمود و از قابیل را رد کرد!.سفینه البحار

۳ قربانی را خدا واجب فرمود تا اینکه مردم فقیر از آن استفاده کنند.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: قربانی را خدا واجب فرمود تا اینکه وسـعتی در زندگی فقراء حاصل شود و از گوشـت آن استفاده کنند پس شما از گوشت قربانی اطعام کنید فقراء را.سفینه البحار

ص :۱۳۶

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در حجه الوداع یکصـد شتر برای قربـانی آوردنـد و ۶۳ رأس آن را بـدست مبـارک خود نحر نمودند و بقیه را به امیرالمومنین علی علیه السلام واگذار نمودند.راهنمای حرمین

مؤلف گویـد: ای برادر و خواهر مسـلمان بیـدار بـاش و بـدان که در کلاس درس و آزمایش بزرگی هستی ببین چگونه اسـت گذشت تو در راه خدا؟ و بدانکه اگر قربانی فربه و چاقی را انتخاب کنی ولو با قیمت بیشتر به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نموده ای و فورا فقراء قربانی تو را می برند و به مصرف می رسد.

۴ قربانی یادآور عمل حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام است.

قربانی روح اطاعت و انقیاد را در بنده زنده می کند و داستان قربانی حضـرت ابراهیم که امتحان بزرگی شـناخته شده، درسـی است برای دیگران.

امام هشـتم علی بن موسـی الرضا علیه السـلام می فرمایـد: چون اسـماعیل تسـلیم شـد برای ذبح شدن خداوند قوچی برای او از بهشت فرستاد، پس هرچه در منی قربانی شود فدای اسماعیل است تا روز قیامت.عیون اخبارالرضا

### قربانی شدن اسماعیل علیه السلام

در اینجا مناسب است که کل قصه قربان شدن اسماعیل علیه السلام به دست پدرشان ابراهیم علیه السلام را ذکر کنیم.

قال اللّه تعالی: «ربّ هب لی من الصّالحین فبشّرناه بغلام حلیم فلمّا بلغ معه السّعی قال یا بنیّ انّی اری فی المنام انّی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ماتؤمر ستجدنی ان شاءاللّه من الصّابرین فلمّا اسلما و تلّه للجبین و نادیناه ان یا ابراهیم قد صدّقت الرّویا انّا کذلک نجزی المحسنین انّ هذا لهوالبلاء المبین و فدیناه بذبح عظیم.

سوره صافات آیه /۱۰۰

ترجمه : ابراهیم به خدای خود گفت مرا فرزندی صالح عطا کن خداوند هم او را به فرزند پسر برداری بشارت داد پس چون اسماعیل همراه پدر در سعی بود، ابراهیم علیه السلام فرمود: عزیزم من در خواب دیده ام که تو را ذبح می کنم نظر تو چیست؟ اسماعیل عرض کرد: ای پدر آنچه از طرف خدا مأمور شده ای انجام ده و انشاءاللّه مرا صابر خواهی یافت و چون ابراهیم فرزند خود را برای قربانی خواباند و هر دو تسلیم امر الهی شدند خطاب آمد ای ابراهیم تو به خواب خود عمل نمودی ما به جای آن قربانی بزرگی قرار دادیم و این آزمایشی آشکار بود و ما اینچنین به نیکوکاران پاداش می دهیم.

ابوبصیر می گوید: از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام شنیدم که می فرمودند: چون روز ترویه (هشتم ذی حجه) رسید جبرئیل به ابراهیم فرمود: آب بردار و به این جهت روز هشتم را روز ترویه

ص :۱۳۸

نامیدنـد، سـپس او را در منی آوردو آنجـا شـب را گذرانـد و صـبحگاه او را نزدیـک بـه عرفـات آورد و در آنجـا مسـجدی با سنگهای سـفید بنا نمود که الان آن مسـجد داخل مسـجد نمره واقع شده و در آن مسجد نماز ظهر و عصر را خواند سپس او را به عرفـات آورد و فرمـود: ای ابراهیم اینجـا عرفـات است مناسـک خود را بشـناس و به گنـاه خود اعـتراف کن، سـپس او را به مزدلفه آورد و آنجا مزدلفه نامیـده شـده چون ابراهیم علیه السـلام به آنجا نزدیک شد و بعداز آن او را به مشـعرالحرام آورد و چون به مشـعر رسـید از طرف خداونـد مـأمور شـد که فرزنـد خود را قربانی کنـد، پس چون صـبح شـد به منی آمـد و به مادر اسـماعیل فرمود: تو به زیارت بیت و کعبه برو و اسـماعیل را نگهداشت سـپس به اسـماعیل فرمود، فرزند عزیزم استر و کارد را آمده کن برای قربانی اسماعیل کارد و استر را آماده کرد و عرض کرد پدرجان قربانی کجا است؟ ابراهیم فرمود: خدا می داند قربانی کجا است و بعد فرمود:

فرزنـد عزیزم به خـدا قسم تو خود قربـانی هستی!! خداونـد مرا امر فرموده که تو را قربـانی کنم تو نظر خود را در این امر بگو، اسماعیل عرض کرد ای پدر آنچه از طرف خداوند مأمور شده اید انجام دهید، مرا انشاءاللّٰه صابر خواهید دید.

امام باقر علیه السلام فرمود: پس چون اسماعیل آماده قربانی شد به

پدر خود عرض کرد پدرجان صورت من را بپوشان و پاهای مرا به بند، ابراهیم علیه السلام فرمود بستن مربوط به ذبح و قربانی است به خدا قسم هردو را جمع نخواهم کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود: سپس ابراهیم فرش استر را پهن نمود و فرزند خود را برآن خواباند و کارد را گرفت و بر گلوی اسماعیل گذارد ناگاه پیرمردی نزد ابراهیم علیه السلام آمدو گفت از این جوان چه می خواهی؟ ابراهیم علیه السلام فرمود: می خواهم او را ذبح کنم، پیرمرد گفت سبحان اللّٰه جوانی که هرگز معصیت خدا نکرده می خواهی سر ببری؟!! ابراهیم فرمود: بلی چون خدای من امر کرده به ذبح آن، پیرمرد گفت ای ابراهیم اشتباه کرده ای او خدای تو نبوده بلکه شیطان بوده که تو را امر به ذبح این غلام نموده. ابراهیم علیه السلام فرمود: وای برتو سخنی که من شنیدم در خواب سخن خدا بود، دور شو به خدا قسم با تو دیگر سخن نمی گویم.

سپس ادامه داد و کارد را بر گلوی اسماعیل گذارد، پیرمرد گفت ای ابراهیم تو امام این مردم هستی اگر چنین کاری را انجام دهی مردم بتو اقتداء می کنند و فرزندان خود را قربانی می نمایند، پس دست نگهدار ابراهیم علیه السلام دیگر با او سخن نگفت و کارد را بر گلوی اسماعیل گذارد، در حالیکه سر بسوی آسمان بلند کرده بود و فشار آورد؛ در این حال جبرئیل علیه السلام آمد و کارد را برگرداند چون

ابراهیم چنین دیـد باز کارد را به طرف تیزی و برنـدگی بر گرداند و این عمل چندین مرتبه تکرار شد در هر مرتبه جبرئیل علیه السلام کارد را به پشت بر می گرداند و ابراهیم علیه السلام باز برای انجام فرمان خدا کارد را به تیزی برمی گرداند، تا اینکه از ناحیه مسجد خیف نـداء رسید ای ابراهیم تو بخواب خود عمل نمودی در این وقت اسـماعیل از زیردست پـدر جـدا شـد و به جای آن جبرئیـل از کـوه مزدلفه قـوچی آورد و زیردست ابراهیم قرار داد. و پیرمرد ناامیـد شـد خود را در کنـار کعبه به مـادر اسـماعیل رسانـد و گفـت مردی را دیـدم چنین و چنـان بـود و اوصـاف ابراهیم را برای او ذکر کرد، مـادر اسـماعیل فرمـود: او ابراهیم خلیل الرحمن شوهر من است پیرمرد گفت پسری را زیر دست او دیدم که چنین و چنان بود و اوصاف اسماعیل را براو ذکر کرد مادر اسـماعیل گفت او فرزنـدم اسـماعیل است، پیرمرد گفت: من آن پـدر را دیـدم که فرزند خود را خوابانده بود و کاردی بردست او بود و می خواست که فرزنـد خود را ذبح کند، مادر اسـماعیل گفت: هرگز چنین نبوده و ابراهیم رؤف تر از این است که چنین کاری بکند، تو چگونه دیده ای که خواسـته فرزند خود را ذبح کند؟! پیرمرد گفت: به پروردگار آسـمان و زمین و کعبه قسم که دیدم فرزند خود را خوابانده و کارد بر گلوی او نهاده بود، مادر اسماعیل گفت برای چه؟! پیرمرد گفت: او فکر می کرد که خدا

به او چنین امر کرده است!! مادر اسماعیل گفت: اگر امر خدا بوده حق داشته که اطاعت خدای خود کند.

ولی مادر اسماعیل بسیار پریشان شد از اینکه در باره فرزندش دستوری آمده باشد و مناسک خود را تمام کرد و طرف منی حرکت نمود. امام باقر علیه السلام می فرماید: مثل اینکه الان می بینم که این مادر دست بر سر گذاشته و به طرف منی با سرعت حرکت می کند و چون به منی رسید طرف اسماعیل رفت و به گلوی او نظر کرد و چون دید در اثر کاردی که به گلوی او کشیده شده خراشهائی بر گلوی او هست وحشت نموده و بیمار شد و از آن بیماری از دنیا رفت.فروع کافی ج ۴/۲۰۷

مؤلف گوید: مادر اسماعیل بواسطه مختصر خراش که در گلوی فرزند خود دید بی تاب و بیمار شد پس چگونه بود حال زینب کبری و حضرت سیدالشهداء و زنهای اهل بیت که بدنهای عزیزان خود را چاک چاک دیدند؟!!! و چگونه بود حال حضرت زین العابدین علیه السلام که در حال اسیری از روی شتر به بدن بی سر و خون آلود پدر نگاه کرد و نزدیک بود جان از بدن او جدا شود. «لایوم کیومک یا اباعبداللّه»

## مصرف قربانی

احتیاط آن است که قدری از قربانی را خود مصرف کند و

ص: ۱۴۲

قـدری را صـدقه دهـد و قـدری را هـدیه کند و احتیاط آن است که مقدار هر کدام از صدقه و هدیه کمتر از یک سوم قربانی نباشـد و اینکه هـدیه و صـدقه را به مؤمن بدهـد ولی هیچ یک از این احتیاط ها واجب نیست. پس اگر صدقه را به فقراء کفار هم بدهـد یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشـکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست لکن احتیاط به خوردن قدری از قربانی مطلوب است.

مناسک امام خمینی رحمه الله

مؤلف گویـد: بعضـی از فقهاء دیگر تقسـیم قربانی را لازم دانسـته انـد و فرموده اند از فقیری وکالت بگیرد در قبض و مصـرف سهم فقراء و سهم هدیه را هم وکالت بگیرد و از طرف موکل خود قبض نموده و مصرف کند و یا رها کند.

## آداب قربانی

۱ در صورت تمکن مستحب است برای قربانی شتر و یا گاو ماده انتخاب کند.

۲ اگر گوسفند و یا بز انتخاب نمود مستحب است نر باشد و چاق و فربه باشد.

۳ مستحب است بدست خود قربانی کند والا دست خود را روی دست ذابح بگذارد.

۴ مستحبات ذبح را رعایت کند مثل آب دادن به

ص :۱۴۳

حیوان و غیره.

۵ در وقت ذبح و یا نحر بگوید: وجّهت وجهی للّذی فطرالسّموات والارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی للّه ربّ العالمین لاشریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اَللّهُمَّ منک و لک بسم اللّه وباللّه و اللّه اکبر. و بعد از ذبح و یا نحر بگوید: اَللّهُمَّ تقبّل منّی کما تقبّلت عن ابراهیم خلیلک و موسی کلیمک و مُحَمَّد حبیبک صلی الله علیه و آله .راهنمای حرمین

## استحباب قربانی در سایر بلاد که اضحیّه نامیده می شود

اضحیه شرائط قربانی را ندارد.علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیه السلام سئوال می نماید: کسی اضحیه خریده و بعدا فهمیده که لوچ است؟ حضرت فرمود: اگر هدی می بود صحیح نبود ولی اضحیه مانعی ندارد.بحار ج ۹۹/۲۹۴

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: اگر مردم ثواب اضحیه را می دانستند برای تهیه آن قرض می کردند و انجام می دادند چراکه با اول قطره خون آن صاحبش آمرزیده می شود.بحار ج ۹۹/۲۹۴

و نیز موسی بن جعفر می فرماید: ام سلمه به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد یا رسول اللّه روز عید قربان می رسد و من پول قربانی ندارم آیا قرض کنم؟ حضرت فرمود: قرض کن برای اضحیه که خداوند آن قرض را اداء خواهد کرد.بحار ج ۹۹/۲۹۴

ص: ۱۴۴

و ابی جمیله از امام صادق علیه السلام سئوال می نماید که گوشت اضحیه را چه کنیم؟ حضرت فرمود جدم امام سجاد وامام باقر علیهماالسلام عادتشان این بود که ثلث آنرا به همسایگان می دادندو ثلث دیگر را به فقراء و ثلث باقیمانده را برای اهل خود می گذاردند.

بحار ج ۹۹/۲۹۶

## حلق یا تقصیر در منی

سومین واجب روز عید قربان سرتراشیدن و یا کوتاه کردن مو است. بعضی از فقهاء مثل مرحوم امام رحمه الله برای کسیکه حج سفر اول او باشد، سر تراشیدن را لازم می دانند ولی عده ای از فقهاء قائل به تخیر بین حلق و تقصیر هستند، اجمالاً حاجی وقتی در منی بعد از رمی جمره عقبه و قربانی سر خود را تراشید و یا تقصیر نمود تمام محرمات احرام بر او حلال می شود جز بوی خوش و صید و بهره بردن از زنها و وقتی طواف حجّ و سعی را انجام داد بوی خوش و صید هم از جهت احرام براو حلال می شود و موقعی که طواف نساء را انجام داد زنها هم بر او حلال می شوند.

## ثواب سر تراشیدن

سلیمان بن مهران گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم برای چه، کسیکه صروره است (یعنی برای اولین بار حجّ می کند) سر

ص: ۱۴۵

تراشیدن براو واجب است؟ فرمود: برای اینکه نشانه آمنین داشته باشد مگر نشنیدی آیه مبارکه قرآن را که می فرماید: لتدخلنّ المسجدالحرام ان شاءاللّه آمینن محلّقین رؤسکم و مقصّرین لاتخافون؟بحار ج ۹۹/۳۰۳

و روایت شده از امیرالمومنین علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمود: خدایا حجاج سر تراشیده را مورد رحمت خود قرار ده و در مرتبه چهارم یک مرتبه فرمود: خدایا حجاج دیگر را مورد رحمت خود قرار ده و درکتاب هدایه آمده: که فرمودند: برای تراشیدن سر، رو بقبله بنشین واز پیشانی شروع کن. و این دعا را بخوان: «خدایا بعوض هر موئی در قیامت نوری به من عطا کن» و موی خود را در منی دفن کن.بحار ج ۹۹/۳۰۲/۳۰۴

## روزهای منی، روزهای خوردن و آشامیدن و بهره گیری است.

ذالنون مصری از امام صادق علیه السلام سئوال نمود برای چه روزه گرفتن در ایام تشریق (یعنی ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی حجه) مکروه شمرده شده؟ امام صادق علیه السلام فرمود، چون حجاج، زائر و میهمان خدایند و میهمان در خانه میزبان نباید روزه بگیرد.بحار ۹۹/۳۰۸

و امام باقر می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ایام منی دستور داد نداء کنند بین مردم: که روزه نگیرید این ایام را چرا که این روزها روزهای خوردن و آشامیدن و بهره گیری از

زنان است.بحار۹۹/۳۰۸

## بازگشت از منی و ...

بـدانکه حاجی بعد ظهر روز دوازدهم از منی به مکه می آید و طبق فتوای اکثر فقهاء اگر بقیه اعمال حجّ را روز دهم و یازدهم انجام نداده باشد وقت انجام آن تا آخر ذیحجه باقی است گرچه احتیاط آن است که از روز یازدهم تأخیر نیندازد و بعضی این احتیـاط را واجب دانسـته انـد، و بعـد از اعمال واجب تا وقتیکه درمکه هست می توانـد طواف مسـتحبی و نماز و تلاوت قرآن بلکه طبق فتوای عـده ای از فقهاء می توانـد عمره مفرده انجام دهد و عمره مفرده مانند عمره تمتّع است ولی باید بعد از تقصـیر طواف نسـاء و نمـاز طواف نسـاء هم انجـام دهـد و میقـات عمره مفرده برای کسـی که در مکه است ادنی الحـل می باشـد مثل مسـجد تنعیم که پیامبرخدا صـلی الله علیه و آله به یکی از همسران خود فرمود: برای عمره از تنعیم محرم شود. و مستحب است حـاجی تا درمکه است یک ختم قرآن بخوانـد و این عمل در مـدینه هم مسـتحب است و خوب است تا در مکه است مکرر به زیارت قبرسـتان ابوطالب برود. و از زیاراتی که اکثرا حجاج فراموش می کنند زیارت حضـرت اسـماعیل علیه السلام و هاجر و پیامبرانی است که در

ص: ۱۴۷

حجراسماعیل هستند.

## استحباب عمره مفرده

قبلاً ذکر شد که عمره مفرده در طول سال استحباب دارد بلکه بنابر نظر زیادی از فقهاء می توان در یک سفر چندین عمره مفرده انجام داد و افضل ماهها برای این عمره، ماه رجب و ماه رمضان است. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: ثواب حجّ بهشت است و ثواب عمره پاک شدن از همه گناهان است.کتاب جعفریات و باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه دو عمره انجام دهد گناهان بین آن دو را خداوند از او می بخشد.فقیه /۲/۱۴

و باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درب های آسمان برای استجابت دعای چهار دسته مفتوح است: دعای پدر در حق فرزند و دعای مظلوم برعلیه ظالم، و دعای معتمر تا برگردد، و دعای روزه دار تا وقتی که افطار کند.فقیه ج ۲/۱۴۶

و امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه اراده عمره دارد در هر ماهی بخواهد می تواند انجام دهد و افضل ماه رجب است و در بعضی از روایات آمده که عمره رجب ثواب حجّ دارد.فروع کافی ج۴/۵۳۶

و حمادبن عثمان می گوید: امام صادق علیه السلام برای انجام عمره مفرده منتظر می شدند تا صبح بیست و سوم ماه مبارک رمضان

ص :۱۴۸

برسد و سپس برای عمره محرم می شدند.فروع ج ۴/۵۳۶

و رسول خدا صلی الله علیه و آله بام معقل که حجّ از او فوت شده بود فرمود: در ماه رمضان عمره بجا آور که ثواب یک حجّ دارد.جعفریات /۶۷

## اعمال عمره مفرده

بدانکه عمره مفرده را در طول سال می توان انجام داد و افضل ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان است و آن هفت واجب دارد:

۱ احرام از میقات ۲ طواف کعبه هفت دور ۳ دو رکعت نماز طواف پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام ۴ سعی بین کوه صفا و مروه ۵ تقصیر یعنی کوتاه نمودن مو و یا ناخن ۶ طواف نساء ۷ دو رکعت نماز طواف نساء

و تفصیل هر کدام از اعمال حجّ و عمره در مناسک مشروحا ذکر شده به آنجا مراجعه شود.

و در این کتاب فقط بعضی از آداب و ثوابها و آثار تاریخی اعمال فوق به ترتیب انجام آنها ذکر خواهد شد، انشاءاللّه.

## استحباب ختم قرآن در مدینه و مکه

امام باقر علیه السلام می فرماید: کسیکه در مکه در مدت یک هفته یا

کمتر و یا بیشتر یک ختم قرآن بخواند و روز پایان او جمعه باشد: خداوند اجر قرائت قرآن را از اولین جمعه دنیا تا آخرین جمعه آن به او عطا فرماید. و اگر در غیر جمعه هم ختم کند باز چنین ثوابی را دارد.بحار ۹۹/۳۷۱

## کسی که در حرم یا بین راه و یا بین مکه ومدینه از دنیا برود ...

امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه بین مکه و مدینه از دنیا برود روز قیامت از عذاب الهی ایمن خواهد بود. و باز فرمود: کسیکه درحرم الهی دفن شود از فزع و وحشت قیامت ایمن خواهد بود. راوی سئوال نمود آیا خوب و بد و فاسق و غیرفاسق از مردم یکسانند؟ حضرت فرمود: بلی یکسانند. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: کسیکه در یکی از دو حرم مکه و یا مدینه از دنیا برود در قیامت حسابی براو نیست و مرگ او هجرت الی اللّه است و با شهدای بدر محشور خواهد شد.بحار ۹۹/۳۸۷

## استحباب طواف به نیابت پیامبر و ائمّه علیهم السلام

موسی بن قاسم می گوید: به حضرت جواد علیه السلام عرض کردم : اراده کرده بودم برای شما و پدرتان طواف مستحبی انجام دهم ولی به من گفته شد که برای اوصیاء نمی شود نیابتأ طواف کرد؟ حضرت جواد علیه السلام فرمود: مانعی نیست آنچه می توانی طواف کن موسی

ص: ۱۵۰

بن قاسم گویـد: بعـد از گذشت سه سال خدمت آن حضـرت عرض کردم : شـما به من اجازه دادید که برای شـما طواف کنم پس من از طرف شـما و پـدرتان طواف نمودم به لطف خداونـد، و باز بقلب من چیزی خطور نمود انجام دادم حضـرت فرمود: چه کردی؟ عرض کردم روزی برای جـدتان رسول اللّه صـلی الله علیه و آله طواف کردم حضـرت سه مرتبه فرمود: «صـلّی اللّه علی رسول اللّه»؛ و روز دوم برای امیرالمومنین علیه السـلام طواف کردم، و روز سوم برای امام حسن علیه السلام طواف نمودم، و روز چهـارم برای امـام حسـین علیه السـلام طـواف کردم و روز پنجم برای علی بن الحسـین علیه السـلام طواف کردم، و روز ششم برای امام باقر علیه السـلام و روز هفتم برای امام صادق علیه السـلام و روز هشـتم برای موسی بن جعفر علیه السلام و روز نهم برای پدرتان علی بن موسـی علیه السـلام و روز دهم برای شـما طواف کردم ای مولای من چون من دین خود را با ولایت شما باور نموده ام، حضرت جواد فرمود: به خدا قسم تو دینی را پذیرفته ای که خداوند جز آنرا از کسی قبول نمی کند. عرض کردم: بسـا از طرف مادرتان فاطمه علیهاالسـلام هم طواف کردم، حضـرت فرمود: فراوان طواف کن برای مادرم که آن بهترین عملی است که انجام می دهی ان شاءاللّه.فروع کافی ج ۴/۳۱۴

## استحباب نیابت طواف ازخویشان وتشریک آنهادر حجّ مستحبی

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر هزار نفر را در حجّ خود شریک

کنی خداوند به همه آنها ثواب یک حجّ می دهد بدون اینکه از اجر تو چیزی کم شود.فروع کافی ج ۴/۳۱۷

حضرت هادی امام دهم علیه السلام در جواب متوکل عباسی که از ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام سئوال می کرد و معتقد بود که حضرت ابوطالب علیه السلام چون کافر بوده در بهشت نیست و چون از پیامبراسلام صلی الله علیه و آله حمایت نموده و آن حضرت را کفالت کرده در آتش هم نیست.

فرمود: وای برتو ای متوکل اگر ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام را در کفه ای گذارند و ایمان جمیع خلائق را در کفه مقابل حتما ایمان ابوطالب سنگین تر خواهد بود. تا اینکه فرمود: به خدا قسم امیرالمومنین علیه السلام تا زنده بودند برای پدر و مادر خود و برای پدر پیامبر صلی الله علیه و آله حجّ انجام می دادند و این عمل را به فرزندان خود امام حسن و امام حسین علیهماالسلام وصیت نمودند و هر امامی از ما خانواده چنین می کند.مستدرک ج ۲/۱۴

معاویه بن عمار به امام صادق علیه السلام می گوید: آیا پدر و مادر خود را در حجّ خود شریک کنم؟ فرمود: بلی مانعی ندارد، گفتم آیا برادران خود را شریک کنم؟ فرمود: مانعی ندارد خدای عز و جل برای تو و برای آنها ثواب حجّ قرار خواهد داد و برای تو ثواب احسان وصله به آنها هم خواهد بود گفتم آیا می توانم برای برادران

و خواهران خود که در کوفه هستند طواف کنم؟ فرمود: بلی می توانی و چون خواستی برای آنها طواف کنی بگو: خدیا این طواف را از فلان کس قبول فرما.فروع کافی ۴/۳۱۵

## حجّ خردسالان

جابربن عبداللّه انصاری گوید: زنی در موسم حجّ بچه ای را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و گفت: آیا برای این بچه حجّ ممکن است؟ حضرت فرمود: بلی و برای تو اجری است.

الحج والعمره/۲۸۷

وزراره از امام صادق و یا امام باقر علیهماالسلام نقل می کند: که فرمودند: کسیکه در حجّ فرزند کوچك همراه دارد باید او را بگوید که محرم شود و تلبیه رابزبان جاری کند واگر نتوانست بجای او لبیك گوید و او را طواف دهد و برای او نماز طواف بخواند تا اینکه فرمود: و او را پرهیز دهد از آنچه برمحرم حرام است.کافی ۴/۳۰۳

## بعضی از مسائل حج خردسالان

۱-اگر غیربالغ، حج بجا آورد صحیح است هر چند از حجه الاسم کفایت نمی کند.

۲- مستحب است ولی، طفل غیر ممیز را محرم کند و لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این طفل را محرم می کنم

برای حج و یا برای عمره و اگر ممکن است لبیک را به او تلقین کند والا خود بجای او بگوید.

۳- بعـد از آنکه طفل محرم شـد و یا او را محرم کردنـد، بایـد ولّی او، او را از محرمات احرام باز دارد و اگر ممیز نیست، خود ولی او را از محرمات حفظ کند.

۴- بعد از اینکه طفل محرم شد اگر محرمات احرام را بجا آورد، یا ولی او را از آنها باز نداشت، کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنابر اقوی در صید و بنابر احتیاط واجب در غیر آن.

۵- گوسفند قربانی برای حج به عهده ولی طفل است.

۶- در تمام اعمال حج و عمره باید ولی، طفل را وادار کند که بجا آورد و اگر نمی تواند ، ولی او به نیابت طفل بجا آورد.

۷-اگر طفل نابالغ قبل از احرام بالغ شود بلکه اگر در وقت درک مشـعر بالغ شود، حج او حجه الاسلام است اگر از همانجا که محرم می شود مستطیع باشد. مناسک امام خمینی

ص :۱۵۴

## بخش سوم: فضیلت مدینه

### اشاره

ص: ۱۵۵

## فضیلت مدینه منوّره

شهرمدینه قبلاً به نام یثرب معروف بوده و با قدوم رسول الله صلی الله علیه و آله معروف شد به مدینه الرسول، و مدینه منوره، و حرم رسول الله صلی الله علیه و آله . فروع کافی ۴/۵۶۳

و همین بس برای فضیلت مدینه که بدن مقدس بهترین خلق عالم در آن مدفون و محل نزول وحی و ملائکه رحمت است و اولین حکومت اسلامی در این شهر تشکیل شده.

و گفته شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مدینه مرکز اسلام، و دار ایمان، و زمین هجرت، و جایگاه بیان حلال و حرام است.مناسک حج محمد امین مصری

و در تفسیر آیات شریفه: و التّین و الزّیتون و طور سینین و هذا البلد الامین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: تین مدینه است، و زیتون بیت المقدس، و طور سینین کوفه، و هذا البلد الامین مکه می باشد.وسائل ۱۰/۲۸۳

و به دعای رسول الله صلی الله علیه و آله برکات در مدینه فراوان شد و بلاها از او دور گردید و این شهر محبوب رسول خدا شد.

فروع کافی ج ۲/۳۳۷

قال صلی الله علیه و آله : اَللّهُمَّ حبّب الینا المدینه کما حبّبت الینا مکّه او اشدّ و

ص :۱۵۶

بارک فی صاعها و مدّها و انقل حمّاها و وباها الی الجحفه.

فروع کافی ج ۲/۳۳۷

و حسن بن جهم گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم اگر کسی فقط قادر باشد که یا مکه برود و یا مدینه کدام افضل است؟ حضرت فرمود: شما چه می گوئید بین خود؟ عرض کردم ما زیارت امام حسین علیه السلام را مقدم بر مکه می دانیم تا چه رسد به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله

حضرت فرمود: اگر چنین است بشما بگویم امام صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بودند و به زیارت جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند و به کسانی که اطراف آن حضرت بودند فرمودند: ما بر مردم تمام شهرها مکه و غیرمکه فضیلت داریم چون ما در مدینه بر رسول خدا سلام می کنیم.(لسلامنا علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله ).

کامل الزیارات /۳۳۱

## فضیلت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و نماز در آن

از نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده : که بهترین جائی که برای آن بار سفر بسته می شود مسجد من و کعبه است، و کسیکه با وضوء باشد و به طرف مسجد من برای او نماز حرکت کند برای اجر یک حجّ نوشته می شود.الحج و العمره

و کلینی رحمه ا... از امام صادق علیه السلام از امیرالمومنین علیه السلام نقل

کرده که فرمود: مکه حرم خداست و مدینه حرم پیامبر و کوفه حرم من است.

و در روایت دیگر امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث بالا فرموده : و قم حرم ما است.

و علامه مازندرانی در شرح مناسک شهید ثانی می نویسد: مدینه را مانند مکه حرم است و احکام مهمه دارد و حرم مدینه از ظل عائر تا وعیر است که دو کوه است در مشرق و مغرب مدینه که شهر مدینه را در میان گرفته و آن چهار فرسخ است.

وسائل ج ۱۰/ باب ۱۷

مؤلف گوید: و این خلاصه رویتی است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده.

و امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: در دنیا چهار محل از قصرهای بهشت است: مسجدالحرام، و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالاقصی و مسجد کوفه.خصال صدوق رحمه الله

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یک نماز در مسجد من برابر با ده هزار نماز است که در مساجد دیگر خوانده شود جز مسجدالحرام. وسائل ج ۳/۵۴۳

و از امام صادق علیه السلام نقل است که مکه حرم خدا وحرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمومنین است و یک نماز در آن معادل

ص :۱۵۹

صدهزار نماز است و یک درهم انفاق نمودن در آن معادل صدهزار درهم است، و مدینه حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمومنین علیه السلام است، و نماز در آن معادل ده هزار نماز است و یک درهم انفاق نمودن در آن معادل ده هزار درهم است، و کوفه حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمومنین علیه السلام است و نماز درآن معادل هزار نماز است و یک درهم انفاق نمودن در آن معادل هزار درهم است در اجر و پاداش.فروع ۴/۵۸۶

## مدینه قبل از هجرت و بعد از هجرت

صاحب کتاب راهنمای حرمین می نویسد: قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه، سالهائی در مدینه جنگ و خونریزی در میان اوس و خزرج برپا بود، و کار به جائی کشیده بود که خانه ها و نخلستانهای یکدیگر را آتش می زدند، و هرچند گاه یک بار به جان هم می افتادند، و یثرب در شرف ویرانی بود، تا اینکه اوس و خزرج که از قتل و خونریزی به تنگ آمده، و منتظر این بودند که وسیله ای پیدا شود تا این نگرانیها پایان یابد و از طرفی چنان که در روایت است، این دو قبیله از یهود شنیده بودند که پیغمبری به زودی ظهور خواهد کرد، و یهود گفتند ما منتظر او هستیم تا به او ایمان بیاوریم، این بود که چون در سالهای «۱۱ و ۱۲ بعثت» افرادی از این دو قبیله برای حج به مکه رفتند و پیغمبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کردند، گفتند خوب

است ما بر یهود در ایمان آوردن، به این پیغمبر، پیش دستی نموده و امید است که به برکت اسلام اختلاف از میان ما برداشته شود، از این رو در همان مجلس اول اسلام را پذیرفته و پیغمبر صلی الله علیه و آله را به دیار خود دعوت نمودند.

## جغرافیای مدینه

شهر مدینه از نظر جغرافیا در جانب شرقی جده و شمال مکه واقع شده و فاصله آن تا جده ۴۲۵ کیلومتر و تا شهر مکه ۴۹۸ کیلومتر است.

## امتیاز مدینه بر سایر بلاد

«قد انعقد الاجماع علی تفضیل ماضمّ الاعضاء الشّریفه حتّی علی الکعبه المقدّسه و اجمعوا بعد ذلک علی تفضیل مکّه و المدینه علی سایرالبلاد و اختلفوا ایّهما افضل».الوفاء ج ۱ ص ۲۸

یکی از دانشمندان مدینه کتابی در باره مدینه و فضیلت آن نوشت و دیگری از اهل مکه کتابی درباره مکه و فضیلت مکه به رشته تحریر درآورد تا آنکه دانشمند مدنی در یک فضیلت بر نویسنده مکی تبرز پیدا کرد و غلبه نمود و نویسنده مکی عاجز ماند.

و آن اینکه مدنی گفت خلقت هر کسی از تربت و خاکی

است که بعـد از مرگ در آن خاک مدفون می شود و چون نفس شـریف رسول اللّه خاتم الانبیاء صـلی الله علیه و آله از ترتب مدینه طیبه خلق شده لهذا آن تربت بر جمیع بلاد عالم فضیلت و شرافت دارد.

الوفاء ج ۱ ص ۳۱

مؤلف : در هرحال قبر شـریف آن حضـرت روضه ای است از روضات بهشت بلکه شریفترین روضات جنت است « و عند قبره تجـاب الـدّعوات و تحصـل الطلبـات «ولـو انّهم اذ ظلّموا انفسـهم جـاؤک فاسـتغفروا اللّه و اسـتغفرلهم الرّسول لوجـدوا اللّه توّابا رحیما».

النساء /۶۴

## فضیلت کربلا بر کعبه

با همه فضـیلت و شـرافتی که برای مکه و مدینه ذکر کرده اند مع الوصف به فضیلت و شرافت تربت مقدس حسین ابن علی بن ابیطالب علیهماالسلام نمی رسد بنابرآنچه در بعض روایات وارد شده.

مثلاً در سفینه البحار ج۲ص ۴۷۵ از امام صادق علیه السـلام نقل کرده که فرمود چون زمین کعبه بر سایر بلاد مباهات کرد که کیست مثل من و حال آنکه خانه خدا بر پشت من قرار دارد. خدا بسوی آن زمین وحی فرستاد که آرام باش اگر زمین کربلا و شهیـدی که در آن دفن می شود نبود تو را خلق نمی کردم و نیست فضـیلت تو در مقابـل تربت حسـین علیه السـلام مگر بقـدر سوزنی که به دریا زده شود و از آب دریا

بر گیرد.

و بالجمله روایات در این باب زیاد است که جمع بین آنها به ارباب فضل و دانش واگذار می شود.

## از مکه تا مسجد قبا

روز اول ماه ربیع اول سال سیزدهم بعثت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه معظمه بیرون آمد و بسوی مدینه طیبه رهسپار شد و بعد از دوازده شب هنگام زوال شمس در قریه قبا در یک فرسخی شهر مدینه نازل شدند.(سفینه البحار ج ۲/۵۲۹

و چند روز در آنجا ماندند تا اینکه امیرالمومنین علیه السلام بآنحضرت ملحق شدند و سپس وارد مدینه شدند و در آن روزها بدست مبارک قبا را بنا نمودند و اولین نماز جمعه را در آن اقامه فرمودند.الحج و الزیاره

مسجد قبا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه حاضر شود در مسجد قبا و دو رکعت نماز در آن مسجد بجای آورد ثواب یک عمره برای او است.المحجه ج ۲ص ۱۵۷

## ورود حضرت بر فقیرترین مردم مدینه

سلمان گوید: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شد مردم از هر جانب مهار ناقه او را گرفته به جانب منزل خود می کشیدند

ص: ۱۶۳

حضرت فرمود مهار ناقه را رها کنید ناقه خود مأمور است، درب هر خانه ای که بخوابد من آنجا فرود می آیم.

مردم کنار رفتند ناقه به طبع خود می آمد تا داخل مدینه شد و برابر خانه ابی ایوب انصاری خوابید و در آن روز کسی از ابوایوب فقیرتر نبود پس امید و انتظار مردم تمام شد و حسرت می خوردند که آن فیض نصیب آنها نشده.

ابوایوب صدا کرد: مادر درب خانه را بگشا که سید و آقای بشر پیامبر خدا وارد شد مادرش در را گشود و از حضرت استقبال کرد ولی چون نابینا بود گفت واحسرتاه که چشم ندارم جمال پیامبر خدا را تماشا کنم.

حضرت دست بر چشم آن زن کشید چشمش بینا شد و این اول معجزه آن حضرت است در مدینه طیبه.

بحار چاپ قدیم ج ۶ /۴۳۰

## خصائص مدینه

سمهودی در تاریخ خود جلد اول ص ۷۳ نود و نه خصیصه برای مدینه منوره ذکر کرده که حقیر به بعضی از آنها اشاره می نمایم.

۱ خلقت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن تربت مقدسه.

۲ دربر گرفتن آن خاک جسم انور و شریف رسول اللّه را که در

این خصوص منحصر به فرد است.

۳ دربر داشتن بسیاری از شهداء که جان خود را در راه خدا بذل کردند چون شهداء احد.

۴ مدینه منوره سرزمینی است که خدای متعال آن زمین را خانه و قرار و سکنای پیغمبر خود قرار داد.

۵ خدای متعال انصار دین خود را از آن سرزمین انتخاب کرد و مهاجرین را در آنجا جای داد.

۶ خدای متعال آن سرزمین را محل تجلی دین خود قرار داد و از آن بلد به سایر بلدان نور ایمان درخشید و سایر بلاد مفتوح گردید.

۷ تأسیس مسجد شریف نبوی با دست خود آن حضرت و شرکت نمودن در بنا و ساختن آن به نفس نفیس خود.

۸ اختصاص داشتن این بلد به مسجدی که بنا شده بر تقوی و پرهیزکاری یعنی مسجدقبا.

۹ اختصاص داشتن این بلد مقدس به مسجد قبا که نماز در آن برابر با یک عمره است.

۱۰ اختصاص داشتن آن بلد مقدس به احترام و تواضع بیشتر چه آنکه در محضر سیدالمرسلین است قول الله تعالی: «لاترفعوا اصواتکم فوق صوت النّبی و لاتجهروا له بالقول کجهر

بعضكم لبعض ان تحبط اعمالكم».الحجرات /۲

۱۱ شفاعت آن حضرت برای کسی که او را در آن بلد مقدس زیارت کند.

۱۲ اختصاص مدینه و اهل آن به دورترین مواقیت که آن مسجد شجره است و افضل همه مواقیت است.

وفاء الوفاء ج ۱

## اتخاذ سکنی در مدینه

به مالك امام المالکیه گفتند برای سکنی و منزل نمودن مدینه نزد تو محبوبتر است یا مکه گفت مدینه و چرا مدینه بهتر نباشد و حال آنکه هیچ طریق و راهی در آن نیست مگر آنکه رسول خدا بر آن عبور فرموده و جبرئیل از جانب ربّ العزه براو نازل شده. وفاء الوفاء

## برای مدینه، حرم است

صاحب جواهر فرموده احدی از مسلمین خلاف ندارد در اینکه از برای مدینه طیبه حرمی هست هرچند در حدود آن اختلاف داشته باشند.

و حد حرم مدینه از عایر است تا وعیر و این دو کلمه اسم است از برای دو کوه که از مشرق تا مغرب محیط به مدینه است در

ص :۱۶۶

حقیقت وسعت بین این دو کوه که از مشرق تا مغرب مدینه است حرم است.

قطع شجر آن جائز نیست هرچند صید آن حکم صید حرم را ندارد.

## حدّ حرم النّبی صلی الله علیه و آله

عنه صلی الله علیه و آله انّ مکّه حرم اللّه حرّمها ابراهیم و انّ المدینه حرمی مابین لابتیها حرمی لایعضد شجرها و هو مابین ظلّ عایر الی ظلّ وعیر لیس صیدها کصید مکّه یؤکل هذا و لایؤکل ذاک وهو برید.

الوسایل کتاب الحج ابواب المزار باب ۱۷

## مسجد النبی صلی الله علیه و آله

مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر متراج در زمان خود پیغمبر صلی الله علیه و آله از شمال به جنوب ۳۵ متر و از مشرق به مغرب سی متر و با ده ستون از درخت خرما بنا گردید و در سنه هفتم هجرت قدری بر آن افزودند تا آنکه بصورت مربع درآمد و بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله خلفا و سلاطین هریک بنوبه خود در آن تصرف نمودند بعضی آن را تعمیر و برخی دیگر تغییر بنا دادند تا آنکه در زمان ما که قریب هزار و چهارصد سال از هجرت رسول اللّه می گذرد به صورتی درآمده که مساحب کلی آن به ۱۶۳۲۶ متر می رسد و از این متراج نامبرده

ص: ۱۶۷

(۶۰۲۴) مترآن در زمان سعودیها اضافه شده.

گرچه این تغییرات بنـای اصـلی را که بـدست پیغمبر و یـارانش بنـا شـده بود عوض کرده ولکن در حال حاضـر هم حـدود آن مسجد از شمال به جنوب و از مشرق به مغرب بوسیله حجره مطهره و استوانه هائیکه در جهات اربعه مسجد منصوب است معین و مشخص است.مؤلف خلاصه شده از وفاء الوفاء و احکام حجّ بیلگری

## منبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله

ص :۱۶۸

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزهای اول هجرت نشسته موعظه می کردند بعد که جمعیت زیاد شد بر سرپا ایستاده به ستونی تکیه می کردند تا آنکه در سال پنجم هجرت منبری سه پله برای آن حضرت ساختند و آن بزرگوار جای موعظه را از ستون به فراز منبر انتقال دادند.

معروف است وقتی حضرت به منبر تشریف بردند صدای ناله ای از ستون برخاست حضرت دست بر ستون کشید و دستور داد که آن ستون را در جوار همان منبر دفن کنند ملای رومی این واقعه را بنظم درآورده.وفاء الوفاء جزء دوم ص ۳۸۸

استن حنانه از هجر رسول ناله می زد همچو ارباب عقول

در میان مجلس وعظ آنچنان کزوی آگه گشت هر پیر و جوان

در تحیر مانده اصحاب رسول کز چه می نالد ستون با عرض و طول

گفت پیغمبر چه خواهی ای ستون گفت جانم در فراقت گشت خون

مسندت من بودم از من تافتی بر سر منبر تو مسند ساختی

ص :۱۶۹

گفت خواهی تا تو را نخلی کنند شرقی و غربی ز تو میوه چنند

یا در آن عالم حقت سروی کند تا تر و تازه بمانی تا ابد

گفت آن خواهم که شد دائم بقاش بشنو ای غافل کم از چوبی مباش

حجره منوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه(س)

تاسنه ۸۸ هجری حجره منوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه بوضع ساده و طبیعی خودش باقی بود و فرزندان امام حسن و امام حسین علیهماالسلام درآن حجره سکنا داشتند ولی در سنه فوق الذکر ولیدبن عبدالملک آن حجره را جزء مسجد کردوآن اثر نورانی از بین رفت.

## محراب النبی صلی الله علیه و آله

مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله در زمان آن حضرت و خلفا محراب نداشت و صورت محرابی که در حال حاضر در جای نماز و مصلای رسول خدا مشاهده می شود از بناهای عمربن عبدالعزیز است که در محل نماز آن حضرت ساخته است.

## قبر شریف رسول الله صلی الله علیه و آله

قبر شریف آن حضرت در خانه مسکونی آن بزرگوار در جهت جنوب شرقی مسجد قرار دارد و آن را حجره مطهره می نامند طول حجره مقدسه ۱۶ متر وعرض آن ۱۵ متر و مساحت کلی آن ۲۴۰ مترمربع است در گوشه های حجره مطهره ستونی از سنگ مرمر بنا شده که گنبد مطهر برآن ستونها استوار است و آن ستونها را با سبک خاصی باریک و عمودی تراش داده اند که با ستونهای مسجد فرق دارد و در واقع وجه تمایز بین ستونهای حجره مطهره و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله سبک تراش و حکاکی است.احکام حجّ بیگلری

## ستونهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله

ستونهای مسجد متعدد است و بعضی از آنها بنام مخصوصی که ریشه تاریخی هم دارد معروف شده اند.

ص :۱۷۱

۱ اسطوانه توبه ۲ اسطوانه سریر

۳ اسطوانه محرس ۴ اسطوانه وفود

۵ اسطوانه مهاجرین ۶ اسطوانه مقام جبرئیل

۷ اسطوانه تهجد(وفاء الوفاء ج ۱ /۴۳۹

اسطوانه توبه

ستونی است که ابولبابه در مقام توبه، خود را به آن ستون بسته بود و تضرع و زاری نمود تا آنکه توبه اش قبول شد.

اسطوانه سریر

ستونی است که در جای سریر رسول خدا نصب شده.

اسطوانه محرس

سمهودی گفته در این محل علی ابن ابیطالب علیه السلام از رسول خدا حراست می نمود و بهمین مناسبت ستونی را که در آن نقطه نصب شده اسطوانه المحرس و اسطوانه امیرالمومنین علی بن ابیطالب نامیده اند.

اسطوانه وفود

و آن ستون در محلی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ملاقات نمایندگان و هیئتهای اعزامی عرب برای خود انتخاب کرده بودند.

اسطوانه مهاجرین

گفته شده که این اسطوانه همان اسطوانه ای است که بین منبر

و قبر شریف واقع شده از جانب راست تا منبر دو ستون و از جانب چپ تا قبر نیز دو ستون فاصله دارد و گفته شده دعا در آن مقام مستجاب است و قبل از آنکه مصلای رسول اللّه به محل معهود منتقل شود چند ماهی در جای این استوانه نماز می خواندند و چون مهاجرین در آن مقام هجوم می آوردند و دور یکدیگر مجتمع می شدند بنام اسطوانه مهاجرین معروف گردید.

وفاء الوفاء ج ۱ص ۴۴۰)

اسطونه مقام جبرئیل

بنابر شهادت سمهودی شافعی در جای این اسطوان درب خانه فاطمه سلام اللّه علیها منصوب بوده و رفت و آمد امیرالمومنین علیه السلام از این ناحیه بوده.

در فضیلت این اسطوانه، ابی الحمراء گوید چهل روز و در خبر دیگر هفت ماه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم همه روز درب خانه علی و فاطمه و حسن و حسین می آمد و دست بدولنگه در می گرفت و می فرمود: «السّلام علیکم اهل البیت الصّلوه الصّلوه انّما یریداللّه لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا».

اسطوانه تهجد

و آن ستون در محلی نصب شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز شب را در آن محل بجای می آوردند و آن نقطه برابر است با درب حجره

ص :۱۷۳

شریفه.وفاء الوفاء ج ۱ص ۴۵۰

مؤلف: در حال حاضر بعض اسطوانه ها داخل شباک قبر شریف قرار دارد و مؤمنین از فضل نماز در آن مقامات محروم هستند.

## اصحاب صُفّه

در جهت شمالی حجره مطهره سکوئی بزرگ بشکل مربع مستطیل موجود است که قریب بیست سانتیمتر از سطح زمین مسجد ارتفاع دارد این محل بنام محل اصحاب صفه معروف است.

اصحاب صفه گروهی از مسلمانانی هستند که در اوائل هجرت هیچگونه منزل و مأوائی نداشتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را در این نقطه جای داده بود و برای هریک از آنها از خانه خود یا صحابه قوتی می فرستاد و گاهی آنها را در سهمیه خود شریک می کرد.

اصحاب صفه در مقام نماز صف اول نماز را تشکیل می دادند و در میدان جنگ از پیشتازان میدان بودند.

ابن عبید گوید: من همواره به نماز جماعت حاضر می شدم به خدا قسم بعضی از مسلمانان به قدری فقیر و بی بضاعت بودند که از شدت گرسنگی نمی توانستند تمام نماز را به پای بایستند چه

بسا در اثناء نماز به زمین می افتادند.

دیگری گوید: هفتاد نفر از مسلمانان را در صفه مشاهده کردم که در میان آنهایک تن لباس کافی نداشت برخی یک ازار و بعضی یک رداء و برای حفظ عورت آن جامه را بخود می پیچیدند این صبر و تحمل و جهاد نام آنها را تا امروز زنده نگهداشته و زنده خواهند بود.وفاء الوفاء ج۱ص ۴۵۳ حجّ بیگلری

گنبد مطهر گنبد حرم مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله از سنگ سبز رنگ زیبا با منظره روح افزا بنا شده و درالسنه عرب به آن گنبد نورانی (قبه الخضراء) می گویند.

ضریح مقدس ضریح مقدس حضرت از فولاد ساخته شده و دارای چهار درب است.

باب الرسول صلی الله علیه و آله در جهت جنوب.

باب فاطمه علیه السلام در جانب شرقی .

باب تهجد در جهت شمال.

باب الوفود در طرف مغرب.

بالای سر مطهر عمامه ای است از زمرد سبز که میلیاردها قیمت داردحجّ بیگلری

## چگونگی قبر رسول خدا و شیخین

سمهودی در جلد اول تاریخ مدینه ص ۵۵۰ هفت کیفیت

برای قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبر ابوبکر و عمر ذکر کرده که مشهورترین

کیفیات این صورتی است که ترسیم می شود.

ص: ۱۷۶

و سه کیفیت دیگر تصویر کرده و برای هریک از صورتها وجهی ذکر کرده و مشهورترین آنها صورتی است که از این چهار صورت در تصویر مشاهده می کنید.

قبر فاطمه سلام اللّه علیها قبر صدیقه طاهره فاطمه سلام اللّه علیها تا امروز بطور قطع معلوم نیست و برای همین جهت علماء امامیه رضوان اللّه علیهم در سه محل باحتمال آنکه قبر آن حضرت درآنجا باشد دستور زیارت داده اند.

۱ خانه خود آن حضرت به طوریکه صورت قبر درنقشه اول از نظر گذشت.

۲ دوم آنکه آن مکرمه در روضه مطهره دفن شده و روضه شریفه قطعه ای است از مسجد فعلی به شکل مربع مستطیل ۲۲ متر در ۱۵ متر که بین حجره شریفه نبوی و منبر آن حضرت قرار دارد.

۳ آنکه آن مخدره در قبرستان بقیع در جوار عباس بن عبدالمطلب مدفون است.تواریخ شیعه

و راستی چقدر سخت است بر دوستان اهل بیت که قبر یگانه دختر پیغمبر خود را ندانند هرکس قبر مادرش را می داند اما قبر بانوی اسلام فاطمه زهراسلام اللّه علیها بردوستان و شیعیان پوشیده است.

در هر حال زیارت آن مظلومه در هریک از این سه موضع

ص: ۱۷۷

سفارش شده و در هر نقطه ای که باشد روح مطهرش جوابگوی سلام دوستان است.

جمعی از بزرگان علماء ترجیح داده اند که قبر آن مخدره در خانه خودش واقع شده چنانچه در نقشه نشان داده شده و حقیر این فصل را با اشک چشم و ناله خاتمه می دهم همانطور که فاطمه عزیز ما با گریه و ناله آفتاب عمرش غروب کرد و این سند مظلومیت شیعه را به حال خود می گذاریم.تواریخ شیعه

## حجره فاطمه علیه السلام

بر حسب تحقیق سمهودی خانه فاطمه سلام اللّه علیها متصل به حجره شریفه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و با یک روزنه یا درب کوچکی به یکدیگر راه داشته و آن خانه همین محلی است که فعلاً ـ بعنوان قبر آن مظلومه معروف است و صورت آن در نقشه اول گذشت.

## حجرات زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله

سمهودی گفته از قرائن استفاده می شود که حجرات زنان پیغمبر در جانب شرقی مسجد یاعلاوه بر جهت شرقی در جهت جنوب و شمال هم بوده ولی در جهت مغرب خانه و سکنی نبوده.

در هر حال ابن زید گوید: من خانه ام سلمه زوجه

ص: ۱۷۸

رسـول اللّه صـلی الله علیه و آله را دیـده بـودم آن حجره از خشت بنـا شـده بـود از پسـرش پرسـیدم چه وقت این خـانه را برای مـادرت بنـا کردی گفت وقتی رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بغزوه دومه الجنـدل رفتنـد مـادرم خانه خود را به خشت مرمت کرد.

چون رسول خـدا برگشت و نظرش بر خانه خشتی افتاد با شـگفتی و تعجب فرمود ای ام سـلمه این چه بنا است ام سـلمه عرض کرد خواسـتم چشـمهای مردم را از حرم تـو بـاز دارم فرمود ای ام سـلمه «ان من شـرّ مـا ذهب فیه مـال المسـلم البنیـان» یکی از مصـارف شـریکه مـال مسـلمان در آن مصـرف و از میـان می رود خشت و گل و بناهای عظیم است. عطاء خراسانی گفت من حجره زنـان پیغمبر را دیـده بودم که از شاخه های درخت خرما ساخته شـده و درب آن حجرات با پرده های موئی خیلی ساده مسدود شده بود.

وقتی خبر آوردند که ولیدبن عبدالملک دسـتور داده که حجرات زنان پیغمبر را خراب کنند و جزء مسـجد نمایند صدای گریه و شیون مدینه را پر کرد و کمتر چشمی بود که گریان نباشد.(۱)

(سـعیدبن مسـیب) گفت بخـدا قسم دوست داشـتم که این خانه ها بحال خود باقی باشـد تا مسـلمانان آینده به بینند پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آنکس که امپراطوران بزرگ دنیا برابرش خاضع می شدند



---

۱- (۱)- وفاء الوفاء ج ۱ص ۴۵۸

(و کلید خزائن عالم در دستش بود) با چه سادگی زندگی کرده و چگونه اکتفاء کرد از عیش دنیا به چند خانه چوبی ایکاش آن آثار ساده و بی آلایش بود تا می دیدند و دست از تفاخر و مباهات و خودفروشیها برمی داشتند.(۱)

## غیر از علی علیه السلام دَرِ خانه های خود را ببندند !!!

سمهودی در جلد اول تاریخ خود فصل نهم گفته درب خانه های اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بجانب مسجد باز می شد و برای هر کدام دری بود به سوی مسجد که برای نماز وارد می شدند و پس از ادای فریضه بمنازل خویش باز می گشتند تا آنکه امرالهی نازل شد که باید همه اصحاب درب خانه های خود را از طرف مسجد مسدود کنند تنها علی بن ابیطالب علیه السلام از این حکم مستثنی است.

راوی گوید ما در مسجد نشسته بودیم ناگهان صدای گوینده ای از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست که می گفت: «ایّهاالنّاس سدّوا ابوابکم» از این ندا اضطراب و هیجانی عجیب در مردم پیداشد و به یکدیگر نگاه می کردند و در تحیر فرو رفته بودند کسی برنخاست.

منادی برای بار دوم آمد و اعلان کرد کسی برنخاست.



---

۱- (۱)- وفاء الوفاء ج ۱ فصل نهم

بـار سوم گفت درب خـانه های خود را از طرف مسـجد به بنديـد قبل از آنكه عـذاب بر شـما نازل شود مردم از مسـجد بيرون آمدنـد حمزه بن عبـدالمطلب از مسـجد خـارج شـد در حـاليكه ردايش به زمين كشـيده مى شـد ابوبكر و عمر و عثمان و ساير صحابه دهشت زده و متحير بنظر مى رسيدند.

على عليه السـلام خدمت رسول اللّه شرفياب شد حضرت فرمود يا على تو به خانه خود برگرد و در خصوص بستن در چيزى به على عليه السلام نفرمود.

همهمه ميـان اصـحاب راه افتـاد يكى مى گفت على از همه ما كوچكتر است ولى درب خانه او را نبست ديگرى مى گفت اين امتياز براى خاطر دخترش فاطمه است.

سومى مى گفت اگر بمنظور صـله رحم باشد عمويش عباس نزديكتر است اين حرفها به گوش پيغمبر رسـيد با چهره برافروخته بيرون آمد. بعد از حمد و ثناى الهى فرمود:

اى مردم خداونـد بمن وحى فرمود كه مسـجدى در زمين براى خود اتخـاذ كنم و جز خودم سـاكن نشود در آن مگر پس عمم على بن ابيطالب و فرزندان او حسن و حسين و من كارى نمى كنم مگر آنچه را كه خدايم امر فرموده.

و قسم به خدا من دربها را نبستم و من باز نكردم و من

علی علیه السلام را در مسجد سکنی ندادم بلکه خداوند او را سکنی داده است.

و شـما دیدیـد که در وقت ورود به مدینه هر دسـته از انصار مهار ناقه مرا بسوی خود می کشـیدند و می گفتم ناقه را رها کنید هرکجا ناقه خوابید من آنجا منزل می کنم ناقه خودش مأمور است و من بأمر خدا فرود آمدم.

عبداللّه عمر گوید: خداوند سه فضـیلت به علی بن ابیطالب علیه السـلام داده که یکی از آنها نزد من بهتر است از قطارهای شتر که در راه خدا بیرون روند.

۱ تزویج نمودن دخترش فاطمه را به علی علیه السلام .

۲ بستن در خانه های اصحاب و باز گذاشتن درب خانه علی علیه السلام .

۳ دادن علـم به دست علی در جنـگ خیـبر بعـد از آنکه فرمـوده بـود فردا علم را به دست مردی می دهم که خـدا و رسـول را دوست می دارد و خدا و رسول هم او را دوست می دارند.

مؤلف: نظر عبـداللّه عمر این است که بـا این فضایـل معلوم است که علی بن ابیطالب علیه السـلام افضل همه صـحابه است بلی مطلب همینطور است خداونـد همه مـا را براین عقیـده زنـده بـدارد و با این عقیـده بمیرانـد و آنهائیکه نسـبت به مقام علی علیه السلام کور و نابینا هستند

بصیرت عنایت کند.کتاب قبل از حجّ بخوانید

## قبرستان بقیع

صاحب کتاب قبل از حجّ بخوانید می گوید: اول کسی که

ص :۱۸۳

دراین قبرستان دفن شـد عثمان بن مظعون است و او مردی زاهد و عابد و صالح بود وقتی جنازه او را از زمین برداشـتند رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «طوبـاک یـا عثمـان لم تلبسـک الـدّنیا و لم تلبسـها» ای پسـر مظعون خوش به حـال تو دنیـاترا نپوشانیـد و فریب او را نخوردی و تو هم خود را به دنیا نپوشانیـدی و خودت را در دام دنیا نیانـداختی او را در روحاء بقیع دفن کردند.

و موقعیکه فرزنـدش ابراهیم از دنیا درگـذشت فرمود: «الحق بسـلفک الصالـح عثمان بن مظعون» و چون فرزند دیگرش رقیه از دنیا درگذشت فرمود «الحقی بسلفنا الصالح عثمان بن مظعون» و این هر دو را نزدیک عثمان بن مظعون دفن کردند.

صاحب مرآت الحرمین گویـد بیش از ده هزار از اصـحاب و تابعین در این قبرسـتان دفن شده اند و در این مقبره است قبوریکه ذیلاً ذکر می شود.

۱ ابراهیم پسـر پیغمبر که در حـال طفولیت وفـات یـافت و سـمهودی شافعی در جلـد سوم وفاءالوفاء ص ۹۱۸ گفته قـبر ابراهیم نزدیـک بیت الا-حزان حضـرت فاطمه زهراء سـلام اللّه علیها است و بیت الحزن محلی است که زهرا علیهاالسـلام در بقیع برای ندبه و گریه بر پدر خود اختیار کرده بود.

۲ قبر عقیل بن ابی طالب و بعضی قبر او را در شام می دانند و

ص :۱۸۴

در شام قبه و بارگاه دارد.

۳ قبر فاطمه بنت اسـد در روحاء بقیع نزدیک قبر ابراهیم و عثمان بن مظعون، و عامه مردم او را خارج از بقیع زیارت می کننـد. و قیل دفنت فی بقعه العباس یعنی و گفته شده که او را کنار قبر عباس عمومی پیامبر علیهاالسلام دفن کرده اند.

۴ قبر عباس بن عبدالمطلب در مقبره بنی هاشم .

۵ قبر صـفیه دختر عبدالمطلب مادر زبیر، خواهر حضـرت حمزه سـلام اللّه علیه و عمه رسول خدا، قبر او در جهت شمالی کسی است که از بقیع خارج می شود.

و معروف است که (عـاتکه) مـادر ام سـلمه زوجه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله که او هم از دخـتران عبـدالمطلب است و از مادر با حضرت حمزه و صفیه جدا است در این بقعه است و همچنین قبرام النبین مادر قبر بنی هاشم را در این بقعه می دانند.

۶ قبر عبـداللّه بن جعفر الطیار که در یک بقعه با عقیل ابن ابیطالب علیه السـلام مـدفون شـده اند و بعضـی قبر او را در ابواء می دانند و در آن بقعه است قبر سفیان بن الحارث بن عبدالمطلب.

۷ سه قبر نزدیک یکدیگر است که می گویند قبر دخترهای پیغمبر است بنام زینب و رقیه و ام کلثوم.

ص :۱۸۵

۸ نه قبر است که می گویند قبور زنهای پیغمبر است و قبلاً گفتیم که قبر حضـرت خدیجه در مکه معظمه است و قبر میمونه در سرف دو فرسخی مکه است، و بعضی قبر ام سلمه و بعضی زنان دیگر حضرت را در باب الصغیر شام می دانند.

۹ قبر حلیمه سعدیه قبری در انتهای بقیع چسبیده بدیوار است که معروف است بقبر حلیمه سعدیه مرضعه رسول خدا صلی الله علیه و آله .

۱۰ قبر چندتن از شهداء احد که در یک بقعه در جانب غربی بقیع واقع شده.

۱۱ قبر اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام این قبر مقابل قبر عباس بن عبدالمطلب متصل بدیوار بقیع بوده از طرف شارع عمومی (وفاءالوفاء) و قبلاً خارج بقیع در میدان واقع شده و به یک چهار دیواری سیمانی محصور بود و اخیرا قبر آن بزرگوار را نبش کردند و جسد شریفش را بداخل بقیع انتقال دادند.

۱۲ قبر عبداللّه بن مسعود او وصیت کرد که مرا نزدیک عثمان بن مظعون دفن کنید و او از بزرگان صحابه و دارای فضل عظیم و مقامی شامخ است، بس است در باره فضل او آنکه

ص :۱۸۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود اگر می خواهید قرآن را یاد گیرید چنانچه نازل شده ازابن مسعود فراگیرید.سفینه البحار

۱۳ قبر سعدبن معاذ قبر او در انتهای بقیع واقع شده سمهودی گفته علامت و نشانه ای که برای قبر سعدبن معاذ گفته اند منطبق می شود با قبری که به جناب فاطمه بنت اسد نسبت داده شده، سعدبن معاذ همان بزرگواری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با نود هزار ملک بر جنازه او نماز خواندند و برای خاطر دوستی او با علی علیه السلام باو فرمود: «ابشر یا سعد فانّ اللّه یختم لک بالشّهاده»سفینه البحار

۱۴ قبر ابوسعید خدری او از فقهای زمان و دارای ولایت و دوستی اهل بیت علیه السلام بود.سفینه البحار ج ۱ سعد

۱۵ قبر عثمان بن عفان و قبر مالک پیشوای فرقه مالکیه و قبر عبدالرحمن پسرعمر و قبر نافع شیخ القراء هم در قبرستان بقیع واقع شده.

## شهداء احد

صاحب کتاب قبل از حجّ بخوانید می گوید: ۱ حمزه بن عبدالمطلب که موضع قبر آن حضرت در احد مشخص و معین است و گفته اند که عبداللّه جحش خواهر زاده حضرت حمزه سلام اللّه علیه هم با مصعب بن عمیر در یک بقعه باجناب حمزه

مدفون شده اند.

قائل دیگری گفته قبر آن دو شهید در محل مسجدی است که اکنون برکنار قبر حضرت حمزه سلام اللّه علیه بنا شده و سمهودی بعد از نقل مطلب فوق گفته سزاوار است که بر مزار حضرت حمزه به آندو بزرگوار هم سلام داده شود.

مصعب بن عمیر آن رشید مردی است که در جنگ بدر و احد ملتزم رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و علم دار لشکر و در جنگ احد هنگام دفاع از رسول اللّه صلی الله علیه و آله در سن چهل سالگی شهید شد.

چون آتش جنگ خاموش شد دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار نعش مصعب ایستاده این آیه را می خواند.«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدواللّه علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و مابدلّوا تبدیلاً».وفاء الوفاء ج ۳ ص ۹۳۱

۲ عمروبن جموح و عبداللّه بن عمر و (پدر جابر انصاری) که در وقعه احد شهید شدند و بدن آنها را نزدیک مسیل دفن کرده بودند بعد از ۴۶ سال جنازه آنها را از آن محل منتقل کردند چه آنکه آنجا در معرض سیل و خرابی واقع شده بود و چون قبر شکافته شد بدن آنها را سالم و بی عیب یافتند گویا روزی بیش بردفن آنها نگذشته و یکی از آندو شهید دست خود را روی جراحت بدن نهاده خواستند دستش را در کنار او بگذارند بجای

ص :۱۸۸

خود برگشت پس او را به همین هیئت دفن کردند.

وفاء الوفاء ج ۲/۹۳۶

مورخین فرموده اند: که در واقعه احد بیش از هفتاد نفر به درجه رفیعه شـهادت رسـیدند و قبر بعضـی معلوم و معین است و قبر اکثر آنها مجهول است و گفته شـده که اجساد چنـد تن از آنها را به مـدینه آوردنـد و در قبرسـتان بقیع دفن کردند چنانچه در مدفونین بقیع بدان اشاره شد.

لکن از اخبـاری که بسـندهای مختلف رسـیده چنین ظاهر می شود که شـهداء احـد در مقتل و مصـرع خود دفن شـده انـد زیرا رسول خـدا صـلی الله علیه و آله از نقل اجساد طاهره نهی کردند و فرمودند «ادفنوهم فی مصارعهم» و به همین سـبب است که سمهودی در کتاب وفاء الوفاء می گویـد مسـتحب است زیارت شـهداء در جانب غربی و شـمالی قبر حضـرت حمزه سـلام اللّه علیه و نام شهدا را بطور تفصیل یک به یک ذکر کرده.

در خلال بیان قبور شـهداء می گوید حائر کوچکی نزدیک جبل است که عده ای در آنجا دفن شده اند و گفته اند که آنها از شهداء نیستند بلکه قبور جمعی از فقراء هستند که درسنه مجاعه و قحطی مرده اند و در آنجا دفن شده اند.وفاء الوفاء ج ۳/۹۳۳

## بعض مساجد منوره در مدینه طیبه

۱ مسجد قبا این مسجد در چند کیلومتری مدینه طیبه واقع شده و این همان مسجدی است که رسول خدا بنفس شریف در آن کار می کرد و هم در باره اش فرمود: «الصّلوه فی مسجد قبا تعدل عمّره» و رسول گرامی اسلام پیاده و سواره برای زیارت این مسجد و عبادت درآن روزهای یکشنبه و احیانا دوشنبه تشریف می آوردند و مصلای آن حضرت برابر اسطوانه سوم در رحبه مسجد بود.

۲ مسجد فضیخ مسجدی است مربع و کوچک که در جهت شرقی مسجد قبا واقع شده و وجه نامگذاری آن به فضیخ که قسمتی از خمر است در کتب مفصله ذکر شده و چنان شد که اصحاب فضیخ بانزول آیه تحریم خمر، بساط خمر را از آن مسجد برچیدند. صاحب کتاب راهنمای حرمین می گوید: و این مسجد را مسجد ردالشمس هم گویند و مرحوم مجلسی گوید به سند معتبر از عمار ساباطی منقول است که گفت با حضرت صادق علیه السلام رفتم بسوی مسجد فضیخ پس حضرت فرمود: می بینی این گودال را؟ تا اینکه فرمود: جدم امیرالمومنین علیه السلام فرمود: من با رسول خدا صلی الله علیه و آله در این موضع نشسته بودیم ناگاه سر مبارک خود را در دامن من گذاشت و خوابش برد تا وقت نماز پسین رسید نخواستم که آن حضرت را بیدار کنم مبادا آزار آن حضرت باشد سپس حضرت

بیـدار شـد و فرمود که یـا علی نمـاز کرده ای؟ گفتم نه. پس برخواست و رو بقبله کرد و گفت خداونـدا برگردان آفتاب را به وقـت نمـاز تـا علی نمـاز کنـد پس آفتـاب برگشـت بـه وقـت نمـاز عصـر تـا نمـاز کردم پس بـا نهـایت سـرعت و شـتاب فرو رفت.راهنمای حرمین ج ۵/۲۰۶

۳ مسـجد ابراهیم مسـجدی است که بنام مشـربه ام ابراهیم خوانده می شود و در میان نخلسـتان واقع شده و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در این محل متولد شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن محل نماز خوانده.

۴ مسـجد فتح مسـجدی است که برفراز قطعه کوه سـلع در چند کیلومتری مدینه در جهت غربی واقع شده و بنام مسـجد احزاب هم نامیده می شود و چند مسـجد دیگر هم در قبله این مسجد قرار گرفته که یکی بنام مسجد سلمان و دیگری بنام مسجد علی و سومی بنام مسجد فاطمه معروف است و دو مسجد دیگر نیز بنام مسجد ابوبکر و عمر خوانده می شود.

جابرن عبـداللّه رضوان اللّه علیه روایت کرده که رسول خـدا در مسـجد فتح نماز خواندند و دعا کردند و طلب نصـرت و یاری نمودند پس در روز چهارشـنبه بین الصـلوتین آثار اسـتجابت ظاهر گردید و علامت خوشـحالی در صورت پیغمبر علیهاالسـلام دیده می شد و هرگاه امر مهمی به من روی می آورد در آن ساعت به آن مسجد

ص :۱۹۱

می رفتم و دعا می کردم و اثر اجابت را می دیدم.

(دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد فتح): «یا صریخ المکروبین و یا مجیب المضطرّین و یا کاشف همّی و غمّی و کربی فقد تری حالی»وفاء الوفاء ج ۳ص ۸۳۰

«اَللّهُمَّ انت غیاثی فبک اغوث و انت ملاذی فبک الوذ یا من ذلّت له رقاب الجبابره و خضعت له اعناق الفراعنه اعوذ بجلال وجهک و کرم جلالک من خزیک و کشف سترک و من نسیان ذکرک و لاحول و لاقوه الاّ باللّه العلیّ العظیم».وفاء الوفاء ج۳ ص ۸۳۲

۵ مسجد القبلتین مسجدی است که در جانب غربی مسجد فتح واقع شده و گفته شده که تحویل قبله از بیت المقدس بسوی کعبه در این مسجد بین نماز ظهر اتفاق افتاده و بدین سبب آنرا مسجدقبلتین می نامند.

مسجد العسکر مسجدی است که در جنب قبر حضرت حمزه واقع شده و گفته شده که آن مسجد محل اصابت و سقوط آن حضرت است و بعضی آنرا محل دفن بعضی شهداء می دانند چنانکه گذشت.وفاءالوفاء ج ۳ /۸۴۳

۶ مسجد المباهله یا مسجدالاجابه مسجد صغیری است که در شمالی بقیع واقع شده و رسول خدا در آن مسجد نماز خوانده، و در خواستهای رسول خدا در آن مسجد مقرون به اجابت شده و

لهـذا بنـام مسـجد اجابه نامیـده شـده و قصه مباهله پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله با نصارای نجران در این محل واقع شـده و خلاـصه آن بنـابر نقـل صـاحب کتـاب راهنمـای حرمین چنین است که جمعی از اشـراف نصارای نجران خـدمت آن حضـرت رسـیدند و گفتنـد ما را به چه چیز دعوت می کنی؟ رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: به شـهادت لااله الااللّه، و شـهادت مُحَمَّدرسول اللّه، و اینکه عیسـی علیه السـلام را بنده خدا بدانید، گفتند اگر عیسـی مخلوق است، پس پدر او که بود؟ حضرت فرمود شـما در باره آدم علیه السلام چه می گوئید؟!!! نصاری متحیر ماندند ولی تسلیم نشدند در این حال این آیات بر حضرت نـازل شـد: انّ مثـل عیسـی عنـداللّه کمثـل آدم خلقه من تراب ثمّ قـال له کن فیکون الحقّ من ربّـِک فلاتکن من الممترین فمن حاجّک فیه من بعـد ما جاءک من العلم فقل تعالوا نـدع ابنائنا و ابناءکم و نساءنا و نسائکم و انفسـنا و انفسـکم ثمّ نبتهل فنجعل لعنه اللّه علی الکاذبین.آل عمران/۵۲

و بالجمله پس از نزول این آیات رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به آنها فرمود: شـماها با من مباهله کنیـد (مباهله یعنی تضـرع بـدرگاه خداونـد) اگر من راست می گویم خداوند لعنت خود را بر شـما فرسـتد و اگر من دروغگو باشم برمن. گفتند انصاف دادی پس بنـابر مباهله نمودن گذاردنـد و با تعیین وقت به منازل خود بازگشـتند. ولی رؤساء آنها گفتنـد: اگر مُحَمَّد صـلی الله علیه و آله با اهل بیت خود حاضر شود با او

ص :۱۹۳

مباهله نمی کنیم و اگر با اصحاب خود آید با او مباهله می کنیم.

و چون صبح روز ۲۴ ذی حجه در همین مکان (مسجد الاجابه) حاضر شدند ناگهان دیدند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم با علی و فاطمه و حسن و حسین علیهماالسلام حاضر شدند نصاری پرسیدند اینها کیانند؟

پیغمبر فرمود: پسرعم و وصی من علی، و دخترم فاطمه، و فرزندان من حسن و حسین می باشند، پس نصاری از مباهله خودداری کردند و صلح نمودند و حاضر شدند جزیه و مالیات بدهند!!راهنمای حرمین ج۵/ ۱۸۹

۸ مسجد الشجره مسجد مبارکی است که در شش کیلومتری مدینه واقع شده و از جمله مواقیت بلکه افضل همه میقاتها است و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم از این مسجد محرم شدند و این مسجد را مسجد ذوالحلیفه هم می گویند و (حلفا نام گیاهی است) و ممکن است مأخوذ از حلف باشد به معنی یمین.

۹ مسجد الغمامه مسجدی است در ناحیه غربی مدینه و این مسجد مصلای رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده در نمازهای عید و آن را مصلی العید هم می گویند. معروف است که در این نقطه ابر بر سر پیغمبر صلی الله علیه و آله سایه افکنده و برای این جهت و جهات دیگر به آن مسجد غمامه گفته اند در شمال این مسجد تقریبا دو مسجد دیگر

است که یکی بنام مسجد ابی بکر و دیگری بنام مسجد علی نامیده شدهوفاء الوفاء ج ۳ص ۸۲۷

و صاحب کتاب راهنمای حرمین گوید: از این جهت این مسجد موصوف به «غمامه» شده است: که پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحاب او در یکی از روزهای عید فطر که هوا بسیار گرم بود در زیر آفتاب سوزان در این محل به نماز ایستاده اند، و بلافاصله قطعه ابری بر سرآنها به طور ثابت، سایه افکنده تا نماز به پایان رسیده و بعد پیغمبر صلی الله علیه و آله تا در حیات بودند، در تمام اعیاد نماز را در این محل برگزار می فرمودند، پس سزاوار است که از شرافت این مسجد غفلت نکرده، نماز تحیت درآن بخوانید.راهنمای حرمین: ج ۵/۱۸۷

۱۰ مسجد فاطمه علیه السلام نزدیک مسجد غمامه مسجد دیگری در میان پاساژ بازار قرار دارد که آنرا مسجد فاطمه می گویند و اخیرا تعمیر شده و چند متر از سطح زمین ارتفاع دارد و حقیر به زیارت اکثر این مساجد مشرف شده ام و از زائران التماس دعا دارم.

## چند مسجد از مساجد معروف اطراف مدینه

صاحب کتاب قبل از حجّ بخوانید می گوید:

۱ مسجد نفس الزکیه در جانب شرقی کوه سلع مسجد بزرگی است که مشهد نفس زکیه مُحَمَّدبن عبداللّه بن الحسن ابن الحسن بن علی بن ابیطالب در آن مسجد واقع شده و آن بزرگوار در

زمان منصور با جمعی از اصحاب کشته شدند و در آن نقطه دفن گردیدند «و عن مروج الذهب انّه کان یدعی النّفس الزّکیه لزهده و نسکه».وفاء الوفاء جزء سوم ص ۹۲۳

۲ مسجد الابواء ابواء قریه ای است که در سیزده میلی میقات جحفه واقع شده و جناب آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از زیارت قبر شوهرش عبداللّه و مراجعت به سوی مکه در آن قریه مریضه شد و از دنیا رفت و قبر آن مخدره در ابواء معروف است و رسول خدا صلی الله علیه و آله که در این موقع خردسال بودند از غم و هجران مادر خیلی رنج بردند و مسجدی در وسط این قریه بنام رسول خدا صلی الله علیه و آله تا امروز باقی است.وفاء الوفاء جزء چهارم ص ۱۰۱۶

۳ مسجد جحفه قریه جحفه میقات اهل شام است و مسجدی بنام رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن قریه موجود است و این قریه را جحفه نامیده اند به سبب آنکه در معرض سیل واقع شده و از اتفاقات سیل این قریه غرق شدن حمادبن عیسی است؛ حماد از اصحاب اجماع و از کسانی است که چهار امام را درک کرده امام صادق علیه السلام دعا کرد که خدا حماد را پنجاه حجه روزی فرماید او موفق شد و پنجاه حجه بجا آورد.

زمان حضرت جواد علیه السلام برای پنجاه و یکمین بار قصد حجّ کرد و با آن حضرت مشورت کرد حضرت فرمود برو ولی عجله

مکن حماد بسوی جحفه آمد و خواست غسل احرام به جای آورد سیل برخاست و حماد غرق شد و او را غریق الجحفه گویند.

سفینه البحار جلد اول حمد

۴ مسجد غدیر خم سمهودی شافعی در تاریخ خود گوید غدیر خم در سه میلی جحفه واقع شده و احمد بن حنبل از ابن عازب نقل کرده که وقت نماز ظهر با رسول خدا در غدیر خم بودیم حضرت نماز ظهر را خواند سپس در حضور مردم دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود. «ایّها النّاس من کنت مولاه فهذا علی مولاه اَللّهُمَّ وال من والاه و عاد من عاداه» پس عمر گفت: «هنیئا یابن ابیطالب اصبحت و امسیت مولی کل مؤمن و مؤمنه».وفاءالوفاء ج ۴ /۱۰۱۸

۵ مسجد بدر این مسجد نزدیک وادی در کنار چاه بدر قرار دارد و قبور چهارده تن از شهداء جنگ بدر در این قریه در یک بقعه محصور در یک کیلومتری راه ماشین واقع شده و اهل قریه اموات خود را در کنار بقعه شهدا دفن نموده و اخیرا قبرستان را محصور نموده اند و بقعه شهداء داخل قبرستان واقع شده.

وفاءالوفاء ج ۴/۱۰۲۶

۶ مسجد ابوذر مسجد جناب ابوذر رحمه اللّه در حال حاضر داخل شهر مدینه است و قبر آن بزرگوار و جمعی از صحابه در ربذه است و ربذه در سه میلی شهر مدینه نزدیک بذات عرق

ص: ۱۹۷

میقات اهل عراق قرار دارد سزاوار است مؤمنین با بودجه خودشان به زیارت آنجناب مشرف شوند.

کتاب قبل از حجّ بخوانید نقل از وفاء الوفاء ج ۴ /۱۰۱۹

بعد از دعای شوط اول

از جزوه دعاهای اشواط

ار سر کویت تو مران بنده را طرد مکن بنده شرمنده را

گرچه ز طاعات تو بیگانه ام لیک گدای در این خانه ام

سایه رحمت تو فکن بر سرم من که گدایم تو مران از درم

هست مرا و دل من یاد تو یاد توام یاد توام یاد تو

از گنهم غیر تو آگاه نیست جز کرم و لطف توام یاد نیست

مغفرت و عفو به من کن عطا لطف کن آمرز ز من هر خطا

بعد از دعای شوط دوم

شکر که مسکین و گدای توام بنده درگاه و سرای توام

از در خود دور مکن بنده ات بنده بیچاره شرمنده ات

ص :۱۹۸

گر تو فقیری بپذیری رواست گر تو ببخشی من مسکین سزاست

از گنهم یک سره آزاد کن با غم عشقت تو مرا یاد کن

بنده شرمنده ات آواره شد وقت نجات من بیچاره شد

در حرم امن پناهم بده سوز دل و آتش و آهم بده

بعد از دعای شوط سوم

الهی بینوا و مستمندم فقیر و بینوا و دردمندم

الهی ای رفیق بینوایان نظر بنما تو بر حال گدایان

اسیرم خائفم بی خانمانم گدایم بینوایم میهمانم

سیه رویم تهی دستم فکارم گنهکارم فکارم شرمسارم

الهی کن قبول این بینوا را مکن محروم کویت این گدا را

تویی افتادگان را یار و یاور الهی ای کریم وحی داور

بعد از دعای شوط چهارم

الهی عبد و مسکین و ذلیلم در این ره لطف تو باشد وکیلم

مکن محروم لطفت این گدا را مکن طرد از درت این بینوا را

بخوانی یا نخوانی بنده ام من ذلیل و بینوا شرمنده ام من

پناهم ده الهی بی پناهم ز من بگذر که من غرق گناهم

دل مسکین طبیبا دردمند است فقیر و بینوا و مستمند است

ز مسکین درگذر ای داور من که جز تو کس نباشد یاور من

بعد از دعای شوط پنجم

الهی وای من از خجلت من ز رسوائی و هم از ذلت من

الهی من پشیمانم پشیمان پشیمانی ز رویم شد نمایان

گندریز است اگر استغفرالله ز کردار بدم افسوس و صد آه

گنهکارم اسیرم دل غمینم من اکنون در صف مستغفرینم

قبول توبه کن از من تو ای دوست ترحم کن ترحم بر من ای دوست

اگر طردم کنی ای وای بر من ولیکن لطفت امیدی است بر من

ص :۲۰۰

بعد از دعای شوط ششم

خدایا بنده شرمنده ام من بدرگاه تو سرافکنده ام من

به پیغام آوران آیه هایت به آیات سماوی و نامهایت

مرا پاک از حرم خارج بفرما تو فضل خود به من اتمام فرما

به من بنما رخ محبوب خود را بکن اتمام بر من لطف خود را

مرثیه حضرت امام حسن مجتبی

از آیه الله شیخ محمد حسین غروی (قدس سره)

هرگز دلی ز غم چه دل مجتبی نسوخت ور سوخت زاجنبی دگر از آشنا نسوخت

هر گلشنی که سوخت ز باد سموم سوخت از باد نو بهار و نسیم صبا نسوخت

چندان دلش ز سرزنش دوستان گداخت کز دشمنان زهر بد و هر ناسزا نسوخت

از هر خسی چه آن گل گلزار معرفت شاخ گلی ز گلشن آل عبا نسوخت

جز آن یگانه گوهر توحید را کسی ز الماس سوده لعل لب دلربا نسوخت

ص :۲۰۱

هرگز برادری بعزای برادری در روزگار چون شه گلگون قبا نسوخت

باور مکن دلی که چه قاسم بناله شد زان ناله پر از شرر واأبا نسوخت

آندم که سوخت حاصل دوران ز سوز زهر در حیرتم که خرمن گردون چرا نسوخت

تا شد روان عالم امکان ز تن روان جنبنده ای نماند کزین ماجرا نسوخت

خاموش شد چراغ دل افروز مجتبی افروخت شعله غم جان سوز مجتبی

و تمت کلمه ربک صدقا و عدلاً.

ص :۲۰۲

## بخش چهارم دعاها و زیارات مکه

ص :۲۰۴

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹